

ظهور عدل الهی
توقیع منیع صادره از قلم توانای حضرت
ولی امرالله ارواحنا لعنایاته الفداء
خطاب باحبّای الهی و اماء رحمن در
ایالات متّحده امریک و کانادا
ترجمه نصرالله مودّت
از انتشارات مؤسسه ملی مطبوعات امری ایران
تجدید چاب و تغییرات توسط
لجنه امور احبّای ایرانی امریکائی
دار الانشاء محفل روحانی ملّی بهائیان ایالات متّحده
ویلیمیت، ایلینوی

© ۱۹۸۵

چاپ دوم ۱۹۸۷

چاپ سوم ۱۹۸۹

ص ۱

هُوالله

احبّای الهی و اماء رحمن در ایالات متّحده امریک و کانادا ملاحظه نمایند .

برادران و خواهران عزیز ،

هر هنگام مراتب عشق و حرارت یاران و روح همّت و فعّالیّت مجاهدان دلیر امر
رحمان ، رافعان لوای نظم جهان آرای حضرت بهاءالله را در تنفیذ نقشه عظیمه‌ای
که بکف کفایت آنان واگذار گردیده در نظر آرم و آثار و شواهد لمیعه این نهضت
جلیل را در برابر دیدگان مجسم سازم وجد و شعف و وله و طربی در قلب و روان
احساس نمایم که شرح آن

خارج از حدّ وصف و بیان است . تنظیم و امضاء قرار داد از طرف نمایندگان اُمّناى منتخب جامعه که شاهد افتتاح مرحله نهائى اعظم مشروعى است که پیروان امر اعزّ افخم ابهى و مستظّلین رایت بیضاء در دیار غریبه تا کنون بدان مبادرت نموده همچین ترقّی و توسعه اطمینان بخشى که در اوراق و تقاریر لجنه ملّی تبلیغ متتابعاً مترادفاً انعکاس یافته کلاً درجات ثبوت و استقامت و مراتب کاردانى و شهامت آن نفوس مخلصه فعّاله را در تمشیت امور و تنفیذ خدمات مهمّه متنوّعه که لازمه بسط و اتّساع نقشه بدیعه هفت ساله است بنحو اتمّ و اکمل ظاهر و آشکار میسازد . فى الحقیقه این نقشه جلیله در هر دو قسمت از اهداف مقررّه با چنان نظم و اتقان و سرعت و استحکام و توجّه بمسائل دقیقه عمیقه صورت گرفته که هرگونه تحسین و تقدیر و ستایش و تکریم را شایسته و سزاوار است .

استعداد و لیاقتى که نمایندگان ملّی جامعه بهائى امریک ارکان و حامیان شریعت الله در شهور اخیره بمنصّه ظهور رسانده و اجراءات و تمهیدات متینّه آنان بنحو وضوح دلالت بر مقام و عظمت آن مینماید همواره با مساعی جمیله دوستان و تقویت کریمانه یاران

که پیوسته در مواقع خطیره و اقدامات فائقه منیعه نسبت بوکلاء و نواب برگزیده خویش ابراز و بکمال اشتیاق در ایفاء وظائف مقدسه و انجام فرائض روحانیه قیام نموده اند توأم و همعنان میباشد. این همکاری و معاضدت و اتحاد و اتفاق و وحدت و ارتباط که بین شعب و دوائر مختلفه امریه بنحو اتم و اتقن موجود و ضامن حسن جریان امور و تقویت حیات جمهور در هر جامعه بهائی است فی الحقیقه از شئون ممتازة آئین الهی محسوب و با عناد و نفرت و اختلاف و خصومت که اجتماع کنونی عالم را تهدید و عناصر متباغضه متنافره را بوضع شدید و تأسف آمیزی احاطه نموده کاملاً مباین و مغایر است. شدائد و محن و آفات و آلام که بحکمت بالغه احدیه بر جامعه اسم اعظم وارد آید کلّ مایه تقویت روح و تحکیم اساس و تشیید مبانی الفت و وداد در بین سالکین سبیل هدی و متمسکین بعروه و ثقی بوده و هست و حال آنکه وقایع و حوادثی که عصر متدنی و روبانحطاط حاضر را در برگرفته بوضع روشن و صریح یکی بعد از دیگری علّت فساد و تزلزل و موجب انشقاق و تنزل است و روح حیات را از مؤسّسات متقهرة موجوده بکمال حدّت و صولت سلب مینماید.

نفوسی که بجامعه اسم اعظم منسوب و باستظلال در ظلّ لوای این امر اکرم اقوم مفتخر و متباهیند باید باراده مطلقه الهیه تسلیم و بآنچه مشیت نافذه ازلیّه اقتضا نماید همواره شاکر و سپاسگزار باشند . هر موهبت و عنایتی که بفضل رحمانی شامل گردد و هر تمحیص و افتتانی که بحکمت بالغه سبحانی رخ گشاید هر دو موجب اعتلاء روح و تقویت ایمان و مزید امید و اطمینان است . یاران الهی باید بیدار و پیرانباه باشند و از هر فرصت و موقعیتی که ید تقدیر در نطق امر الله برای آنان فراهم ساخته استفاده نمایند و از تقلّبات و تطوّرات عالم کون که دیر یا زود دامنگیر هیأت بشریّه خواهد گردید نهراسند هیأتی که نار موقده ربّانیّه را نادیده انگاشته و از اتباع تعالیم سماویّه امتناع ورزیده است .

فارسان مضممار رحمانی و جنود منصوره‌ای که بعداً رایت دین الله را در آن اقلیم مرتفع خواهند نمود باید خدمات و مجهودات لایقه خویش را بنهایت همّت تعقیب و در تنفیذ و تکمیل آن سعی بلیغ مبذول نمایند تا عوامل موجود و طرق مشهود هر یک قوای خود را مصروف و سهم خویش را در ظهور و پیدایش نظم عدیم النّظیر ربّانی که در رحم عالم امکان و عصر پرهیجان در حال تحرک و تقدّم است

ادا نمایند عصری که باوجاع سقیمه مبتلا و بمصاعب و متاعب کثیره گرفتار است .
بحرانهای شدید و متواتر که توده عظیم و دائم التزاید جامعه بشری را احاطه
نموده و با سطوت و هیبت غیر قابل مقاومتی روبه بسط و افزایش است قهراً متوجه
جامعه جهانی بهائی که شعب و دوائرش باقصی نقاط عالم گسترده شده خواهد گردید و
اثرات نامطلوب آن ولو بنحو موقت و محدود محسوس و مشهود خواهد شد . آیا میتوان
تصور نمود ظهور چنین انقلاب عظیم که ارکان اجتماع و مذهب و دعائم اقتصاد و
سیاست را در سراسر جهان متزلزل نموده و انظمه سیاسی و اصول جنسی و شئون اجتماعی
و موازین ادبی و علائق دینی و مناسبات تجاری را مضطرب و منقلب ساخته با وجود
حدّت و عظمت و صولت و دهشتی که نظیر آن در قرون و اعصار سالفه مشاهده نشده
عکس

العملی نسبت بمؤسّسات و مشروعات امر نوزاد الهی که تعالیمش تأثیر مستقیم و
حیاتی راجع بهریک از حدود و ضوابط مذکوره داشته و دارد ظاهر نخواهد ساخت و
مؤسّسات و مشروعات مذکوره از آفات و گزند آن محفوظ و از اثرات و عواقبش مصون و
محروس باقی خواهد ماند ؟

بنا بر این جای شگفتی نیست اگر نفوسی که لوای چنین امر عظیم و سریع التقدّم رحمانی را برافراشته و اهل عالم را باستظلال در ظلّ ظلیل آن دعوت نمایند معرض فشار و تأثیر قوای مدهشۀ مُرعبه که جهان بشریت را متزعزع نموده قرار گیرند و خود را در گرداب اغراض و اهواء سیئه عصبه غرور مستغرق و محصور مشاهده کنند چندانکه حرّیت و آزادیشان محدود و اصول و مبادئشان مردود و تأسیسات و معاهدشان مطرود و اهداف و مآریشان مذموم و حقوق و اختیاراتشان مسلوب و اذکار و دعاویشان غیر معتبر و مظنون قلمداد گردد .

در قلب قارهٔ اروپا جامعه‌ای که بفرموده مبارک حضرت عبدالبهاء مرکز عهد و میثاق الهی در اثر استعداد ذاتی و قوای مودعه روحانی و موقعیت ارضی در مستقبل ایام اقطار و اشطار مجاوره را بانوار مضمیئهٔ امرالله روشن و نورانی خواهد نمود در حال حاضر بخسوف حسد منخسوف و بحملات و تضییقات شدیدۀ سیاستی که از مقاصد روحانیّه

آن جمع بی خبر و از افکار و نوایای حقیقیّهٔ آنان ذاهل و غافل است معذب گردیده .
جای بسی اسف و حسرت است که چنین جامعه مترقی در حال حاضر ندایش خاموش و مؤسّساتش فراموش و آثار و مطبوعاتش

ممنوع و کتب و اوراقش مضبوط و مجامع و محافلش منحلّ و موقوف گردیده است .
 در آسیای مرکزی در مدینه‌ای که باراده قاطعه مرکز عهد و میثاق الهی محلّ ارتفاع
 اولین مشرق الاذکار عالم بهائی مقرر و باین شرافت عظمی و افتخار و
 منقبت کبری مشرف و مفتخر گردیده همچنین در بعضی بلاد و قراء مجاوره آن ارض امر
 مبارک که همواره معرض هجوم و رجوم اهل بغضاء واقع اکنون در اثر فعالیت و قیام
 عظیمی که طیّ عقودی چند بکمال سعی و اهتمام از طرف یاران آن سامان بمنصّه ظهور
 رسیده با فشار و مقاومت قوایی مواجه گردیده که نظر برعب و وحشت شدید از وسعت و
 نفوذ شریعه الله بر آن گشته که بتمام سطوت و اقتدار از تقدّم و پیشرفت آن
 جلوگیری نماید بلکه آثار و معالمش را محو و نابود . کند مشرق الاذکار هر چند هنوز
 برای اقامه شئون و شعائر دینیّه و عبادتیّه بهائیان مورد استفاده آنان قرار دارد
 ولی عملاً از طرف حکومت استملاک شده محافل و دوائر امریه تعطیل و خدمات و
 مجهودات

تبلیغیه متوقف و رافعین لواء دین الله در آن دیار تبعید و جمعی از ذوات مخلصه
 فعّاله از رجال و نساء در پنجه تقلیب گرفتار و بحبس و زندان مبتلا گردیده اند .

مهد امر الله که مطلع این نور اکرم افخم و محلّ استقرار اکثریت عظیم پیروان
 این شرع ابداع اقوم است و عاصمه آن از یراعه مقدّس جمال قدم جلّ ذکره الأعظم
 بلقب " امّ العالم " ملقب و بخطاب مستطاب " قد جعلک الله مطلع فرح العالمین "

مخاطب و موصوف در چنین صقع جلیل که هنوز رسماً از سیطره علماء رسوم و پیشوایان
 متعصب مذهبی که از منهج قویم حقیقت دور و بقیود عتیقه بالیه مقید و محدوداند
 فراغت نیافته اولیاء امور بکمال صرامت و صراحت علیه حاملان امر مقدّسی که قریب
 یکصد سنه در قلع و قمع آن بنهایت همت کوشا بودند علم خلاف برافراشتند و بدون
 توجه باین حقیقت بارزه که اعضاء این جامعه مظلوم و ستمدیده فی الحقیقه در عداد
 صمیمی ترین و شایسته ترین افراد کشور و پرجذبه ترین عشاق آن موطن انور محسوب
 و بعلت انتسابشان بجامعه عظیمه عالم و تعلقشان بانجمن بنی آدم از هر مرزو
 بوم و از هر طبقه و طائفه که ماوراء تصوّر و احساس طرفداران ملّیت مفرطه است
 مورد طعن و لعن واقع گردیده از شناسائی دیانت بهائی که حوزه روحانیش متجاوز از
 ششصد جامعه محلی را در آن شطر مقدّس فراگرفته و تعداد مستظّلین در ظلّ آن از
 تابعان هریک از ادیان مسیحی و کلیمی

وزرتشتی در آن کشور فزونتر است خودداری نموده و آن جامعه را از اعطای حقوق و اختیارات لازمه که آنان را به تنفیذ نوامیس و تمشیت امور و اداره مدارس و تجلیل اعیاد و انتشار آثار و اقامه شعائر و ارتفاع معاهد و حفظ املاک و موقوفات خویش قادر و موفق سازد محروم ساخته اند .

و حال در اوقات اخیر در ارض اقدس که جامعه جهانی بهائی را بمنزله قلب و مرکز اعصاب است اختلافات جنسی و قومی و جنگ و جدال و حرب و قتال چنان نیرانی برافروخت

که لهیب آن سراسر آن سرزمین را بسوخت و بآتش ظلم و عناد محترق ساخت . این اضطراب

و انقلاب از یکطرف حرکت زائرین را که بمثابه خون و مایه القاء حیات از آن شطر پرانوار است دچار وقفه و اشکال نمود و از طرف دیگر تنسیق و تکمیل طرحهای مختلفه را که بمنظور حفظ و توسیع اراضی حول مقامات مقدسه اتخاذ گردیده بود بعهده تعویق انداخت و امنیت و آسایش جمع قلیلی از دوستان و عاکفان کوی محبوب بعلت بی نظمی و اغتشاش دستخوش مخاطرات شدید و واقع گردید و مقام و موقعیت آنان که جامعه ای بی طرف و از مداخله در امور دور و از هرگونه فساد و اضطهاد در حذر و برکناراند بدست نسیان و فراموشی

سپرده شد همچنین انعقاد جلسات و احتفالات و رعایت پاره‌ای از سنن و شعائر امریه تا حدودی محدود گردید . این هیجان و خلجان که در موارد شتی بصورت تعصبات شدیدۀ

جنسیه و مذهبیۀ عرض اندام مینمود و زعماء قوم و پیروان سه دیانت عمدۀ آن سرزمین را در بر میگرفت در هر آن قطع کلیۀ ارتباطات داخل همچنین انقطاع روابط موجود با جهان خارج را تهدید میکرد . با این اوصاف و احوال و با وجود خطرات شدیدۀ متکاثره بقاع مقدسه و مقامات متبرکۀ این شرع اقوم افخم محلّ توجّه و اقبال منجذبان اسم اعظم در سراسر عالم با آنکه مواضع آن معلوم و آثار و شواهدش مشهود و بحسب ظاهر از هرگونه وسیله حفظ و حراست عاری و مبری بود بمشیت مطلقه ربانیۀ محفوظ و بنحو معجزه‌آسائی از تقلبات و تشنّجات طاریه و آفات و صدمات جاریه مأمون و محروس باقی ماند .

عالم وجود که در اثر عروض امراض هائلۀ مهلکه و اغراض مظلّمۀ نفسانیۀ در پرتگاه فنا و اضمحلال قرار گرفته اکنون خود را در شدیدترین مراحل حیات و حسّاسترین دقایق تاریخ با ظهور و اعتلاء امر بدیع الهی مواجه مییابد و بجمیع قوی در مقام آن است که بزعم خویش آنرا در کشاکش اختلافات

و منازعات دائم التّزاید بشری قرار دهد جلوه و اشراقش را مقنوع و قوّه محیطه ازلیّه اش را از نفوذ و جریان ممنوع سازد . فی الحقیقه امر مقدّس که هنوز از قیود و تعصّبات شدیدۀ ملل و نحل استخلاص نیافته در قبال قوای مُدهشه ظلم و اعتساف و بی نظمی و اغتشاش که عالم ترابی را بتدریج احاطه خواهد نمود واقع گردیده است .

حوادث و سوانحی که قلب و مرکز آئین الهی و مهد ظهور این امر اعظم و همچنین مقرّ اولین معبد جلیل و عظیم الشّان آن را در یکی از مراکز مترقّی و فعّال امر

الله دچار فشار و تضییق نموده شریعت الهیّه را علی الظّاهر از سریان و لمعان بازداشته و از حرکت و تقدّم محروم ساخته است . حال چون اوضاع و احوال شدّت یابد و سیل انقلاب من کلّ الجهات منهمر گردد قهراً قلاع مستحکم امر الله یکی بعد از دیگری دستخوش آمال و اهواء مخالفین و محلّ حملۀ و تعرّض معاندین قرار خواهد گرفت . بلی چون انوار آزادی رو بافول رود و صیت اختلاف و نفاق یوماً فیوماً مرتفعتر گردد و نیران تعصّب و عناد در صدور نفوس شعله ورتر شود و اریاح کربیه

بیدینی جامعه انسانی را افسرده و بیجان نماید اعضاء و اجزاء هیکل مقدّس دین الله بدرجات مختلف معرض هجمات عنیفه اهل طغیان و شدائد و لطمات ثلّه عصیان که حال

در سراسر جهان متمدن در جوش و خروش است واقع خواهد گشت .
 این بیان که از کلک اطهر حضرت عبدالبهاء روح الوجود لرمسه الأظهر فداء راجع
 باوضاع منقلب عالم و قیام و مقاومت امم صادر گشته مصداق آن در این ایام بنحو
 صریح و قاطع معلوم و مشهود قوله العزیز " ظلمت ضلالت است که شرق و غرب را احاطه
 نموده است و با نور هدایت در این کور اعظمت در جنگ و ستیز است و سهم و سنانش
 بسی

تند و تیز و لشکرش بسیار خونریز " و در مقام دیگر مذکور " الیوم قوای رؤسای
 ادیان باجمعهم متوجه تشیت انجمن رحمان و تفریق و تخریب بنیان حضرت یزدان است و
 جنود مادی و ادبی و سیاسی جهان از هر جهة مهاجم چه که امر عظیم است عظیم و
 عظمت

امر در انظار واضح و لائح " .

یگانه حصن حصین و بازوی توانائی که هم اکنون رایت تسخیر ناپذیر آئین الهی را
 برافراشته جامعه محبوب و ممتاز پیروان اسم اعظم در قاره امریکای شمالی است . این
 عضو معزز و برازنده هیکل امر الله که بین ارکان و جوارح آن در شرق و غرب عالم
 وحدت و ارتباط تام موجود

و تعاون و تعاضد مستمر محسوس و مشهود است در اثر مساعی مبذوله و الطاف و فیوضات ربّانیّه که شامل حال گشته میتوان گفت نظم بدیع جهانی را مهد متین است و شرع اقوم رحمانی را معهد رزین و رصین نظمی که یگانه امید جامعه بشریّه محسوب و مایه اعزاز و اعتلاء دور مبارکی است که بنام مقدّس حضرت بهاءالله شارع این امر اقدس اعظم مؤبّد و مجلّل باقی خواهد ماند .

نفوسی که این مقام فرید و متعالی را که اراده مطلقه الهیه برای آن جامعه شجاع مقدّر فرموده نادیده انگاشته و یا نسبت بخدمات و مجهودات گرانبھائی که آن فئه ثابتّه راسخه در مستقبل ایّام بدان توفیق خواهد یافت تأمل و تردید نمایند آن به که در منطوق این کلمات باهرات که از قلم معجز شیم مرکز عهد حضرت ربّ آلیات

البینات خطاب بآن سالکین سبیل هدی و متمسکین بعروه وثقی صادر گردیده و مبشر عنایات لا ربیّه یزدانی و مقامات سامیه روحانی است مذاقه نمایند . این بیانات عالیات هنگامی از یراعه اطهر عزّ نزول یافت که عالم بشریت در زیر ثقل فادح مُحاربات مهلکه ضعیف و ناتوان و ابواب آسایش و رخا از هر جهة بر وجه آن مسدود گردیده بود قوله العزیز " قطعاً امریک در نزد حقّ میدان اشراق

انوار است و کشور ظهور اسرار و منشأ ابرار و مجمع احرار ".
 هم اکنون جامعه یاران الهی در خطه امریک که جوامع امریه را که در آتیه ایام
 بتقدیرات صمدانیه در طول و عرض نیمکره غربی ایجاد خواهد گردید قدوه حسنه و
 محرک اولیه است با وجود ظلمات حالکه متزایده که سراسر جهان را فرا گرفته قدرت
 و لیاقت خویش را برای احراز این مقام منیع بمنصه ظهور رسانده که حامل انوار و
 خازن اسرار و ناشر فضائل بریه و حافظ و حارس حریت حقیقیه الهیه مندمج
 در بیان مقدس مرکز عهد و میثاق حضرت احدیه واقع گردد. آیا انوار مشرقه که در
 کلمات مبارک مذکور جز بانوار مضمیئه بهیه که در عصر ذهبی امر حضرت بهاءالله عالم
 وجود را بوجود خود روشن و منور خواهد نمود بنور دیگر دلالت دارد و آیا از بیان
 ظهور اسرار جز اسرار مودعه در نظم بدیع الهی که در رحم تأسیسات اداری مکنون و در
 حال نشو و ارتقاء است امر دیگر مورد توجه هیکل انور بوده؟ آیا از صفات و ملکات
 مبروره و اخلاق و کمالات قدسیه جز آنچه در آن عصر فرخنده تحت نظم جهان آرای
 مقدسش تأسیس و در افنده و قلوب منطبع و مرتسم خواهد گردید شأن و مقام دیگر
 ممکن است در نظر آید و بالأخره

از حرّیت و آزادی جز حرّیت حقیقی معنوی که در میقات مقرر در ظلّ قدرت و سلطنت الهیّه و استقرار ملکوت رحمانیّه در ارض ظاهر و نمایان خواهد شد حقیقت دیگر مکشوف و مستفاد میگردد ؟

جامعه متشکل بهائی ناشران و مروّجان امر اقدس ابهی در قاره امریک اعقاب روحانی مطالع انوار عصر رسولی که با ایثار جان در سبیل محبوب امکان ظهور و ولادت آئین الهی را اعلام نمودند بایستی بنوبه خویش نظم بدیع رحمانی صدف گوهر گرانبهای مدنیّت الهیّه را که اعلی و ابهی ثمره شجره امر الله محسوب باکمل وجه تنفید و باحسن طراز تثبیت نمایند . این موقّعیّت در مرحله کنونی مستلزم انفاق دماء بریئه در خدمت امر حضرت ربّ البریّه نبوده و نیست بلکه نیازمند بفاکاری و از خودگذشتگی یاران در حیات یومیّه آنان و بذل مساعی موفور در تحقّق این امر مشکور است . هنگامی که برادران و خواهران روحانی آن عُصبه مجلّله در سایر جوامع بهائی تحت تند باد حوادث و آلام و طوفان محن و اسقام که از جمیع جهات آنان را احاطه نموده بشدائد عظیمه مبتلا جامعه امریک که به حکم بالغه ربّانیّه از آفات و بلا یای طاریه محفوظ با استظهار به تأییدات مستمرّه غیبیّه منبعث از قدرت و رسالتی که یرلیغ بلیغ تبلیغ فرمان ملکوتی حضرت عبدالبهاء

بآن فئه زكیه عنایت فرموده بنهایت همت بوضع دعائم و ارکان و تقویت و استحکام مؤسّسات امریّه مبشّر حلول عصر موعود یزدانی که خود شاهد طلوع و ارتفاع نظم اتمّ اقوم حضرت بهاءالله در سراسر عالم کون است قائم و مألوف میباشند .

جامعه‌ای که از لحاظ عدد مؤمنین محدود و از قلب و مرکز امرالله همچینین از مهد این دیانت مقدّس محلّ اجتماع و توطّن اکثریت عظیم یاران و پیروان امرالله بغایت دور و از نظر منابع مادّی ضعیف و از جهت تجربه و سبقت در امور فاقد بهره و نصیب موفور و نسبت بمعتقدات و افکار و شیم و اطوار مردمی که مؤسّسین این امر اعظم از بین آن قیام نموده‌اند بی اطلاع و به لغات اصلیّه که کتب و آثار مقدّسه بدان لغات نازل شده غیر مانوس و بحکم الزام مراتب اعتماد و اتّکاء خویش را بر اساس پاره‌ای از ترجمه‌های ناقص از برخی از الواح و زبر الهیّه متضمّن میزان قلیلی از سنن و احکام و اصول و مبادی این شرع اعظم و تاریخ این امر اعزّاقوم مؤسّس داشته همچینین از مراحل اوّلیّه پیدایشش بامتحانات و افتتانات شدید گرفته‌ار و در موارد چند بنقض و فتور بعضی از اعضاء مقدّم خویش مواجه و از بدو طلوعش با قدرت دائم التّزایدی با قوای مظلمه مخربه

در جنگ و ستیز و با تزلزل مبانی اخلاقیّه و ابراز تعصّبات سخیفّه باطله که در کمون صدور مکنون و مستور مبارز و مقاوم بوده چنین جامعه ممتحن با حالات و مشخّصات مشروحه در فاصله‌ای کمتر از نیم قرن بدون استمداد و کسب اعانت از هیچیک از جوامع بهائی در شرق و غرب عالم موفق گردیده امری را که بنهایت انجذاب استقبال نموده بامدادات لا ریبیّه الهیّه که الطاف و توجّهات مرکز عهد حضرت ربّ البریّه برای آن جامعه عزیز مقدر فرموده است پیشرفت دهد و بمفاخر عظیمه متعالیه که توفیقات جوامع دیگر امریّه در غرب کلاً از رقابت و همسری با آن عاجز و قاصر مشاهده میشوند نایل آید .

آیا کدام جامعه دیگر را میتوان فی الحقیقه نام برد که در تأسیس و تنظیم مؤسّسات اداری امر الله منادی و مبشر نظم جهان آرای الهی قدم اول برداشته و در تمهید اساس و تقویت بنیان بدین پایه و میزان بذل سعی و اهتمام نموده باشد ؟ همچنین کدام جامعه دیگر موفق گردیده مراتب خلوص و انقطاع و مظاهر عزم و اراده خلل ناپذیر خویش را با نظم و اتقان کامل و ثبات و استقامت تامّ که از لوازم ضروریّه نشو و نمای مؤسّسات جدید الولاده و ارتقاء آن باعلی رتبه کمال محسوب بنحوی که

جامعه بهائیان امریک از خود بمنصّه ظهور رسانده اند ابراز و اثبات نموده باشد ؟
 کدام جامعه دیگر با چنین فکر رصین و رأی متین و حرارت و اشتیاق مُبین صعود
 بمدارج عالیّه فداکاری و وفود بمعارج وحدت و یگانگی را طالب و مشتاق بوده بدرجه ای
 که در مدّت قلیل و طیّ سنین بحرانی و شدید بارتفاع بنیانی رفیع که میتوان آن را
 اعظم هدیّه احبّای غرب تقدیم بآستان مقدّس حضرت بهاءالله محسوب داشت موفق شده
 باشد ؟ کدام جامعه دیگر میتواند بحق و حقیقت مدّعی شود که در اثر مساعی و
 مجهودات مخصوصه عضوی از اعضاء منقطع و منجذب خویش بجلب و جذب یکی از
 افراد

خاندان سلطنت در ظلّ ظلیل امر حضرت احدیّت نایل گشته چندان که نفس جدید
 الاقبال

با قلبی طافح از محبّت الهیّه و ضمیری منشرح از احساسات و توجّهات روحانیّه
 ایمان و ایقان خود را بامر مقدّس بهائی اعلام و عظمت تعالیم سماویّه را باحسن
 بیان تجلیل و تکریم نموده باشد ؟ و نیز کدام جامعه دیگر موفق گردیده که بمثابه
 یاران امریک با حدّت نظر و قدرت و لیاقت موفور و شور و وله مشکور موجبات تأسیس
 و تکثیر مدارس را که بمرور زمان از یک طرف بمراکز فعّاله تعلیمات بهائی منتهی و
 از طرف دیگر علت تقویت و استحکام مبانی تبلیغ و تعلیم و قیام خادمین و مبلغین
 جدید در سراسر آن سرزمین

خواهد گردید فراهم نموده باشد و یا آنکه از بین جمعیت خویش مهاجرینی مبعوث نماید که با شئون و ملکات فاضله از شجاعت و انقطاع و خلوص و انجذاب و تمسک و تشبث تامّ اوطان و علائق خویش را ترک نمایند و در سراسر جهان متشتّت گردند و رایت امر حضرت رحمان را در ابعاد نقاط ارض برافرازند؟ کدامند نفوسی که باین افتخار ابدی مفتخر گشته و مقدّم بر کلّ ندای جانفزای یا بهاء الابهی را در مراکز مهمّه و اقالیم شاسعه عالم چون قلب دو کشور انگلستان و فرانسه و ملحقّات آنها همچین خطّه آلمان و شرق اقصی و ممالک بالکان و اسکاندیناوی و امریکای لاتین و جزائر پاسیفیک و افریقای جنوبی و استرالیا و زلاند جدید و در اوقات اخیره در ایالات بالتیک مرتفع نموده و گوی سبقت در میدان همّت ربوده باشند؟ کدام افراد بجز همان مجاهدان امر رحمن با توسّل بحبل استقامت و قبول هرگونه زحمت و مرارت توانسته اند وجوه لازم برای ترجمه و انتشار آثار مبارکه و آیات و بیانات قدسیّه بچهل لغت از لغات موجوده را تأمین و باین خدمت عظیم که شرط اساسی برای ابلاغ کلمه الهی و نشر نفعات سبحانی است مبادرت نموده باشند؟ کدام جامعه دیگر است که میتواند

قائل

شود که در مساعی جهانی بمنظور حفظ و توسیع اراضی حول مقامات مقدسه همچین

تهیّه

مواضع لازمه که در مستقبل ایام محلّ استقرار مؤسّسات و معاهد بین المللی امر
 الله در مرکز جهانی این شرع اعظم واقع خواهد گردید سهم قاطعتر و مؤثرتری
 عهده دار شده باشد و یا بتواند دعوی نماید که در بین جوامع بهائی اولین جامعه‌ای
 است که بوضع دستور و قانون اساسی و انظمهٔ محکمه متینه جهت خدمات و مجهودات
 ملیّه و محلّیّه خویش اقدام و خطوط اصلیّه دو منشور عظیمی را که فعالیت
 مؤسّسات جامعه را تعیین و حدود و وظائف آنها را تبیین و حقوق و اختیاراتشان را
 تثبیت مینماید ترسیم نموده و بچنین انتصارات جلیله باهره نایل آمده باشد؟ و نیز
 کدام جامعهٔ دیگر است که میتواند افتخار نماید با تأسیس موقوفات ملیّه ضوابط
 لازمهٔ قانونی برای حفظ و اداره املاک امریّه بدست آورده و راه را برای مباشرت
 بهمین گونه اقدام از طرف جوامع محلّیّه صاف و هموار نموده باشد؟ و نیز کدام جامعه
 است که شناسائی محافل روحانیّه و اوقاف ملیّهٔ خویش را از طرف اولیای حکومت
 مرکزی و همچنین مقامات رسمیّه ایالتی با کسب اسناد و مدارک مثبتّه تحصیل نموده و
 باین امتیاز عظیم منحصّص و ممتاز شده باشد قبل از آنکه سائر جوامع بهائی در این باره
 عطف توجّه نموده و یا امکان چنین اقدامی را مورد مطالعه و امعان نظر قرار داده باشند؟

و بالأخره کدام جامعه دیگر را چنین موقّیّت نمایان نصیب گردیده و چنین وسائل و وسائط فراهم آمده که در سبیل اعانت محتاجین و نصرت و حمایت ملهوفین و مدافعه از حقوق مسلوبهٔ مظلومین قدم برداشته و با همّت و فعّالیّت شدید حفظ و صیانت مشروعات و مؤسّسات بهائی را در ممالکی مانند ایران و مصر و عراق و روسیه و آلمان که در موارد مختلفه برادران و خواهران روحانی آنان در اقالیم مذکوره مورد تضییقات مذهبی و یا نژادی قرار گرفته و در رنج و الم بسر میبرده‌اند نصب العین خویش قرار داده باشد؟

چنین سوابق درخشان و بی نظیر و اقدامات پراج و بی عدیل که قریب بیست سنه از طرف جامعهٔ بهائیان امریک عشاق نیر آفاق بمعرض ظهور و اشراق رسیده و با منافع عالیّه و مصالح حتمیهٔ قسمت عظیمی از جامعه جهانی بهائی تماس و ارتباط نزدیک دارد شایسته آنست که بمنزله فصل مشعشعی در تاریخ عصر تکوین امر حضرت بهاء الله محسوب گردد. این فتوحات و انتصارات که از موقّیّتهای جسیمهٔ مؤمنین اولیّهٔ آن سرزمین سرچشمه گرفته و انعکاسی از خدمات باهرهٔ آن نفوس مخلصهٔ منجذبه است بنفسه دلیل بارز و نشانه قاطعی از مراتب

لیاقت و شایستگی یاران و یاوران امر حضرت رحمان در خطّه امریک است که می توانند آنچه را در آتیه ایام بکف کفایت آنان نهاده شود بنحو اتمّ و اوفی بسر منزل مقصود رسانند و بابدع وجه و احسن جمال مزین و متحلّی سازند . برآستی آنچه در باب خدمات و مساعی مشکوره آن جامعه عزیز بیان گردد در خورشان و مقام آنان است و چیزی بر سبیل مبالغه ذکر نشده . در حقیقت و نفس الامر تفصیل همم سامیه و مجهودات و

افتخارات فائقه آن جنود مجتده و اثرات مترتبه بر آن وظیفه ای است که تنها مورّخین آتیه بهائی میتوانند کما هو حقّه از عهده انجام آن برآیند . این عبد در این مقام صرفاً مراتب ایمان و ایقان راسخ خویش را ابراز و تلو این اوراق مندرج و منعکس میسازد و متذکّر میشود که جامعه ای که بچنین خدمات لائقه منیعۀ توفیق یافته و چنین روحیه عظیم ظاهر ساخته و بچنین مقامات فاضله متعالیه ارتقاء جسته بالقوه صاحب نبوغ و استعداد و واجد صفات و ملکاتی است که بلا تردید میتواند در میقات مقدر این حقّ و حقیقت را برای خویش احراز و بجهان و جهانیان ثابت و مدلل نماید که نظم جهانی حضرت بهاءالله را رافع عظیم است و صرح مشید امرالله را حامی و مدافع قویم .

هر چند خدمات و اقدامات جامعه بهائی امریک بشرحی که مذکور گردید بسیار مهم و جالب توجه است و از بعضی جهات خاطرات موفقیّت اصحاب اولیّه امرالله مطالع انوار عصر رسولی را که با قیام و جانفشانی خویش اشراق شمس حقیقت را از افق امکان اثبات نمودند در نظر مجسم میسازد ولی وظایفی که این جامعه ممتاز بر عهده گرفته هنوز باعلی نقطه کمال نرسیده و بذروه علیا و مقرّاسنای خویش واصل نشده است و آنچه تا کنون بحیّز عمل و اقدام درآمده طلیعه و تابشیری از مفاخر عظیمه و مقامات جلیله بهیّه ایست که من بعد بدان توفیق خواهند یافت . فی الحقیقه آنچه را که احبّای امریک علمداران جند هدی طیّ مدّتی قریب پنجاه سال از خدمت و فداکاری انجام داده اند در قبال وسعت و عظمت و وظائف مبرمه ای که در مستقبل ایّام در پیش دارند بسیار قلیل و ناچیز است و وظائفی که آثار و شواهد انقلاب عظیم عالم که انطوای انظمه عتیقه بالیه و ظهور و ولادت نظم بدیع الهی را متقابلاً مترادفاً اعلام میدارد نزدیک شدن آن را مکشوف و هیبت و عظمتش را بنحو وضوح در انظار عموم معلوم و آشکار میسازد .

تأسیس و استقرار نظم اداری امر الله و نصب ارکان و دعائم و رفع اصول و قوائم و تحکیم مؤسّسات تابعه آن اولین اقدام مهمّی محسوب که جامعه متشکّل امریک که بنا براراده متعالیه حضرت عبدالبهاء و تحت تعلیمات و ارشادات آن وجود اقدس قدم بعرضه وجود نهاده بود بر عهده گرفت و این امر او عر خطیر را با توجّه و خلوص و قدرت و سرعت زائد الوصفی انجام داد . و بمجرد آنکه شعب و دوائر لازمه و عوامل و وسائط ضروریّه برای تأمین خدمات جدیده و مشروعات عظیمه آتیه فراهم گردید و مبادی و مبانی آن استحکام پذیرفت با همان عشق و حرارت و انجذاب و متانت باجرا مهمّ دیگری که مستلزم سعی و مراقبت فزونتر و اقدامات و مجهودات شدیدتری بود مبادرت ورزید و آن ارتفاع قسمت علیای مشروع مقدّسی است که حجر زاویه آن باصبع اقتدار مرکز عهد و میثاق الهی نهاده شده بود . و چون در این مقصد جلیل توفیق حاصل گردید جامعه غیور در حالی که نسبت بنصایح و وصایا و وعود و بشارات مولای عظیم مندرج در الواح مقدّسه تبلیغی اشتیاق و تعلق موفور داشت و تحقّق آن را وجهه همّت خویش قرار داده بود مصمّم گردید بانجام

فریضه اُخری یعنی امری که از لحاظ وسعت و عظمت و نتایج و اثرات روحانیّه آن بطور یقین هریک از خدمات سابقه را تحت الشعاع قرار میداد اقدام نماید و آن تنظیم و اختیار نقشه بدیعه هفت ساله است که با شوق و اشتعال بی پایان و شجاعت و استقامت فراوان آغاز گردید و قدم اوّل نسبت به تنفیذ رسالت و مأموریت عظیمی که در همان الواح ملکوتی بعهدہ آن جامعه خدوم گذاشته شده بود برداشته شد. این بود که با روحی جدید و فرح و انبساطی بی نظیر در تحقّق دو وظیفه خطیر که امید است اختتام آن با حلول جشن منوی ولادت امر مقدّس حضرت بهاءالله مقارن و مصادف واقع گردد قیام نمود. و چون بر رافعان این بنیان مجید محقّق و روشن بود که هر پیشرفتی در تزئینات خارجی معبد عظیم الشان شان حاصل شود در ترقّی و تقدّم نهضت تبلیغی که بوسیله آنان در دو قاره شمالی و جنوبی آغاز گردیده تأثیر شدید خواهد داشت و بهمان قرار هر فتح و ظفّری که در میادین تبلیغ نصیب جامعه یاران الهی گردد بنوبه خود در تشیید و تکمیل این مشروع جلیل مؤثر خواهد بود لذا با ایمان و ایقان کامل باجاء هر دو قسمت از وظایف مربوطه که بموجب نقشه هفت ساله تعهّد نموده بودند کمر همّت بر بستند و با قدرت و شهامت

فراوان تعقیب نمودند .

با این تفصیل احبّای عزیز امریک باید متذکّر باشند که با تنفیذ نقشه هفت ساله که اختتامش با اختتام قرن اول دور بهائی مقارن و مطابق است وظیفه‌ای که ید قدرت الهی برای آن مجاهدان امر حضرت رحمن مقرر فرموده خاتمه نخواهد یافت حتی در برهه‌ای از زمان منقطع و متوقف نخواهد گردید بلکه افتتاح قرن ثانی دور بهائی صحنه‌های عظیم‌تر را در پیش نظر مجسم و مراحل جدید و نقشه‌های بدیعی را مرتسم خواهد نمود که بمراتب از آنچه تا کنون بدان مبادرت گردیده مجلّتر و پردامنه‌تر است . نقشه‌ای که هم اکنون توجّه جامعه احبّای امریک همچین افکار و آمال و مساعی و مجهودات آنرا بتمامه بخود معطوف داشته در حقیقت بمنزله مقدمه و آزمایشی از قدرت و تباشیری از عظمت و وسعت جهاد کبیر اکبری است که در مستقبل ایّام باید باحسن طراز تنظیم و بابدع وجه بموقع اجرا گذاشته شود تا وظایف و مسئولیتهای خطیره‌ای که بموجب یرلیغ تبلیغ بعهدہ آن باسلان مضمار خدمت محوّل گردیده بنحو کمال انجام یابد و نوایای مقدّسه حضرت عبدالبهاء در حقّ آن متمسکین بعروه وثقی تحقّق پذیرد .

نقشه حاضر یعنی نقشه هفت ساله که در دست اقدام است اتمام آن متضمن تشکیل لا اقل یک مرکز امری در هر یک از جمهوریات نیمکره غربی است لا غیر و حال آنکه وظائف مشروحه در الواح مذکوره مستدعی انتشاری بیشتر و تشتت و تفرقی وسیعتر از طرف یاران الهی نمایندگان جامعه بهائی امریکای شمالی در سراسر دنیای جدید است . بنا بر این رسالت حتمیه احبای آن سامان آنست که امر جلیلی را که هم اکنون در سنوات اخیر قرن اول بهائی آغاز نموده بکمال همت از پیش برند و بقرن ثانی کشانند و تا وظیفه نهائی خویش را در هدایت فعالیتهای مراکز منفرد که تازه قدم بعرصه وجود نهاده انجام ندهند و آنانرا در تأسیس مشروعات محلی و ملی خویش بنحوی که خود بدان عمل نموده اند تقویت و معاضدت نمایند از پای ننشینند و تا این مقصد اعزّاعلی بنحو کمال تحقق نپذیرد تصور نمایند که تکالیف اصلیه آنان طبق آنچه در منشور مقدّس مقرر گردیده صورت پذیرفته و یا وصایا و نصایح مرکز عهد اوفی چنانکه باید و شاید بمرحله اجرا گذاشته شده باشد .

از طرف دیگر نباید این فکر ولو لمحّه ای بر خاطر دوستان خطور نماید که با حصول توفیق

در خدمات و وظایف موجوده که ناظر بتعدد مراکز بهائی و ابراز مساعدت و رهنمائی نسبت بتأسیس نظم اداری آئین رحمانی در ممالک امریکای لاتین است نقشه و طرحی که

غصن اعظم ابهی برای آن سالکان سبیل هدی در نظر گرفته بتمامه تأمین و بجمع جهات تنفیذ و تکمیل خواهد گردید . از مطالعه الواح تبلیغی که مبین نقشه عظیم الهی و ترجمان آمال و نوایای مرکز عهد یزدانی در حق آن منجذبان جمال سبحانی است بخوبی واضح و آشکار میگردد که صحنه فعالیت احبّای امریک محصور به نیمکره غربی نبوده و دایره تصرفاتش محدود بآن حدود نه بلکه نطاقش وسیعتر و اهدافش عظیمتر و آثار و نتایجش باهرتر و مجلل تر است . حال چون وظائف و مسئولیتهای جامعه از جهت بلدان و مدن امریک در شمال و جنوب بنحو مطلوب خاتمه پذیرد رسالت آنان از لحاظ خدمات بین القارات در مرحله اعلی و اجلّ خویش وارد خواهد گردید .

این است که هیکل میثاق روح الوجود لرمسه الاطهر فداء در الواح مذکوره علوّ و عظمت این مقام را باصرح بیان توصیف و فسحت میدان را بابلغ تبیان تفصیل و تشریح میفرماید قوله العظیم " این نداء الهی چون از خطّه امریک باروپ و آسیا و افریک و استرالیا و جزائر پاسیفیک رسد احبّای

امریک بر سریر سلطنت ابدیّه جلوس نمایند " .

این وظیفه منیع و رسالت عظیم چون بتأییدات الهیه پایان رسد و آثار فتح و ظفر نمایان گردد رسالت اعظم و امنع دیگری که در جلوه و جلال و قدرت و کمال نظیر و عدیل آن مشاهده نشده و اراده مقدسه شارع امر اعزّ اقدس ابهی برای آن جامعه محبوب مقدر فرموده است چهره گشاید و ابواب جدیدی از خدمت و موفقیّت بر وجه آن مجاهدان امر حضرت احدیّت مفتوح گردد . این رسالت که انوارش خاطر ابصار و آثارش ما واره عقول و افکار و حوادث جسمیه مُعاصرش بشدّت در تغیر و تبدیل و با ذروه علیا و نقطه قُصوای آن در نهایت تلفیق و تطبیق بدرجه ای جلیل و مهیمن است که تدبّر و تجسّم آن در حال حاضر ممتنع و محال و تعیین حدود و ثغورش خارج از حیطه تصوّر و امکان . همین قدر میتوان گفت که در بین حوادث و انقلابات این " سنین اخیره " موقعیتهای خطیره و فرصتهای جلیله ای دست خواهد داد و شئون و مقتضیات بدیعه ای ظاهر خواهد گردید که بر قلب احدی تخطر نتواند نمود موقعیتهائی که مجریان منصور و مظفر نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء را قادر بل مُلزم و موظّف خواهد ساخت که در اثر مساعی و مجهودات

وفیره که در ظهور و استقرار نظم بدیع جهانی و تمکن و تحقق آن در بسیط غرباء
بعرصه شهود خواهند رسانید افتخارات جدیدی در خدمت و عبودیت آستان مقدّس
حضرت

بهاءالله جلّ عزّه و کبریائنه کسب نمایند و باکلیل موفقیّت عظیم مکمل گردند .
و نیز در مستقبل ایام در اثر بسط و توسعه شریعة الله خواه در مرکز جهانی این
امر اعظم یا در قاره امریکای شمالی و یا در اقصی نقاط کره ارض فرصتهای
متنوّعه و مواقع مخصوصه دیگر که با اوضاع و احوال و خدمات و مجهودات سابقه بکلی
مغایر و متفاوت است رُخ خواهد گشود که نباید آنها را از خاطر دور داشت . این تطوّرات
و تحوّلات مستلزم جنبش و حرکت جدید از طرف یاران امریک است و باید با همان شور و
انجذاب و وله و انبساطی که تا کنون مجتمعاً و متفقاً نسبت با بلاغ و انتشار امر
الهی ابراز نموده اند بذل همّت نمایند بل بر مراتب سعی و مجاهدت بیفزایند .
اینک من باب روشن شدن امر بذکر پاره ای از مواقع منظوره که در درجه اول اهمیّت قرار
دارد می پردازد تا امکانات آتیه معلوم و عظمت و مقام آن مکشوف و چگونگی آن علی
قدّر مقدور واضح و مشهود گردد . از جمله فرصتهای جلیله بدیعه انتخاب دیوان عدل
اعظم الهی و استقرارش

در ارض اقدس مرکز روحانی و اداری عالم بهائی مع شعب و دوائر تابعه و مشروعات و تاسیسات منضمه آن معهد اعزّ اعلى است . دیگر ارتفاع و تاسیس تدریجی توابع و ملحقات امّ المعابد غرب و حلّ معضلات دقیقه متضمن استقرار و بسط مبانی حیات جامعه بهائی است . دیگر تنظیم و تدوین احکام کتاب مستطاب اقدس امّ الکتاب شریعت رحمانی و نشر آن که مستدعی تشکیل محاکم شرعیّه بهائی در بعضی از بلدان شرقیه و شناسائی رسمی آن از طرف مقامات مربوطه است . دیگر ارتفاع سومین مشرق الاذکار عالم بهائی در جوار مدینه منوره طهران و از پی آن بنیاد مشرق الاذکار دیگری در ارض نوراء مرکز جهانی آئین امنع اقدس ابهی است . دیگر استخلاص جوامع بهائی از تضییقات و

تعصبات مذهبی در برخی از اقطار اسلامیّه مانند ایران و عراق و مصر و متعاقب آن قبول استقلال و اصالت محافل روحانیّه ملیّه و محلّیه بعنوان مؤسّسات دینیّه از طرف اولیای امور در ممالک مذکوره است . دیگر اتخاذ وسائل و تمهیدات لازمه و اشتراک مساعی در سیل حفظ و صیانت امر الله در قبال حملات و تعرّضات حتمیه ای که بتدریج از جانب دوائر و احزاب مختلفه مذهبی مجتمعاً و متشکلاً نسبت بامر مبین و شرع حضرت ربّ العالمین

بعمل خواهد آمد و کلّ بجمیع قوی بمقاومت برخوانند خاست . دیگر مسائل متنوعه و محظورات و مشاکل عظیمه و مسئولیتهای کثیره متزایده که جامعه اسم اعظم با آن مواجه بوده و بایستی بریک یک از آنها تفوق حاصل گردد و بکمال متانت و اتقان مقابله شود تا امر ستمدیده الهی بتواند مراحل مقدّره محتومه را متتابعاً مترادفاً طی نماید یعنی دوره مجهولیت منقضی شود و مرحله مظلومیت و مقهوریت سپری گردد و انفصال شریعه الله از ادیان منسوخه عتیقه رخ گشاید و علم استقلال دین الله بلند گردد و مساوات پیروان امر جمال اقدس ابھی با تابعان ادیان سائره که ممهّد سیل از برای رسمیت آئین الهی است تصدیق و اعلام شود . و این رسمیت بمرور ایام بتأسیس سلطنت الهیه و احراز حقوق و اختیارات تامّه مخصوصه مبدّل گردد و بالمآل باستقرار سلطنت جهانی بهائی که مؤید بتأییدات لا ربیبه یزدانی و مروجّ تعالیم مقدّسه ربّانی و مجری احکام و اوامر منصوصه مُنزله از سماء مشیت سبجانی است انتها پذیرد .

امید و طید و اطمینان وثیق این عبد آنست که یاران امریک علاوه بر تکلیف شدیدی که نسبت باجابت دعوت حضرت عبدالبهاء مندمج درالواح تبلیغی و فرمان

ملکوتی آن وجود اقدس بر عهده دارند در قبال تحولات عظیمه و فرصتهای منیعۀ بدیعه که فوقاً بدان اشاره گردید قیام شایسته مبذول و با ابراز ثبات و همّت و پایداری و استقامت که در نهاد آن دلدادگان امر حضرت احدیّت راسخ و متمکن است مساعی جمیله معمول خواهند داشت و در انظار اهل عالم مقام و موقف خویش را بعنوان رافعان بنیان و واضعان ارکان اقوی مؤسّسات آئین مقدّس حضرت بهاءالله تثبیت و تحکیم خواهند نمود .

یاران عزیز هرچند وظیفه محوّله بدان جامعه محبوب بس مشکل و صعب الحصول ولی اجر و ثواب عظیمی که ید فیاض الهی و رحمت واسعه ربّانی برای قائمان بخدمت امر یزدانی مقرر و در خزانه غیب مکنون و مقدّر فرموده بغایت گرانها و عزیزاست چندان که زبان از عهده ذکر و بیان آن کما ینبغی و یلیق بر نیاید و قلم رقم نتواند . و هر چند هدفی که یاران راستان بدان متوجّه و بکمال همّت و مجاهدت در پی آن پویان بغایت دور و از انظار جهانیان مستور ولی وعود الهیه که در صدف بیانات قدسیّه شارع امر مقدّس مودوع و محفوظ بس متلاًلاً و درخشان و هر چند طریقی که دست قدرت الهی برای آن سالکان سیبیل رحمانی مصوّر و مجسم داشته

گاه بگاه در ظلمات حالکه‌ای که عالم بشریت را احاطه نموده مختفی و مغطوء ولی
 انوار هدایت کبری که از عالم بالا بر حامیان شریعت بیضاء متجلّی و تابان چنان
 ساطع و نمایان است که هیچ غبار تیره‌ای فروغ آن را مکسوف ننماید و هیچ پرده و
 حجابی جلال و عظمتش را مقنوع نتواند . هر چند آن جامعه من حیث العدد قلیل و عوامل
 و امکانات و وسائل و تجاریشان در اجراء مهمّ امور محدود و معدود ولی قوّه
 قاهره الهیه که ممدّ حیات و ظهیر و نصیر مجهودات آن مقرّبان حریم کبریاست
 نامحدود و فوق احصاء و احاطه عباد است . هر قدر دایره اعداء در اثر بسط و توسعه
 خدمات و تقویت اقدامات یاران وسعت پذیرد و بر مراتب عداوت و خصومت بیفزاید جنود

لم

تروها بنصرت و اعانت بیشتر قیام خواهند نمود و چنانچه استقامت نمایند و عود محتومه
 الهیه ظاهر و شمس عزّت ربّانیه شارق و بازغ خواهد گردید چندان که امید دشمنان
 مقطوع و قوایشان منهزم و مغلوب خواهد شد . این مواهب و الطاف هر چند بیقین مبین
 شامل حال خواهد گشت و همم و مساعی یاران باکلیل قبول مکّلل و بطراز توفیق مطرّز
 خواهد شد و إنّ هذا لوعدّ غیر مکذوبٍ معذّک پاداش و ثمره مجهودات هر یک از
 دوستان منوط بمیزان همّت

و مجاهدتی است که هر فرد بنفسه در حیات خصوصیه خویش ابراز و در نشر و گسترش رسالت الهی و تسریع در فتح و ظفر موعوده رحمانی مبذول خواهد داشت .

دوستان عزیز با وجود علقه و محبت شدید که نسبت بآن خادمان امر حضرت رحمان داشته و دارم و بجان و دل معتقدم که یاران امریک میتوانند بلا تردید در میادین خدمت قاره‌ای و همچنین خدمات بین المللی بهائی که در آتیه ایام بنحو کمال جلوه‌گر خواهد گردید سهم عظیمی بر عهده گرفته و بموفقیت‌های نمایان توفیق یابند و البته بهمین قرار انجام خواهد شد معذک بر خود فرض و متحتم می‌شمارم که در این مقام کلمه‌ای بیان نمایم و توجه آن وجوه زکیه را بدین امر دقیق و لطیفه رقیق معطوف دارم و متذکر شوم که تقدیر و تحسین بلیغی که بدفعات کثیره نسبت بصفات و ملکات احبای عزیز امریک بعمل آمده و بحق و حقیقت مراتب خدمت و سمو همّت و علو روح و منقبت آنان فرداً و اجتماعاً مورد تقدیر و ستایش و فیر واقع گردیده نباید بهیچ نحوی از انحاء با صفات و حالات و طبایع و خصائص مردمی که قادر متعال احبای خویش را ازین آن جمع برانگیخته و بخلعت ایمان منخلع و بحلیه عرفان و ایقان متحلی ساخته ملتبس و مشتبه گردد

بلکه لازم است همواره حدّ فاصل و امتیاز شاخصی بین جامعه یاران الهی و قاطبه ناس از اعالی و ادانی علی العموم ملحوظ و این حقیقت بارزه متعالیه بکمال صرامت و صراحت تأیید و خالی از هرگونه بیم و مخافت تثبیت و تأکید گردد تا قوه خلاقه امر حضرت بهاءالله و اثرات مهیجه آن در حیات و خصوصیات نفوسی که در ظلّ شریعت مقدسه اش مستظلّ معلوم و انتساب یاران بساحت اقدسش مبرهن و مکشوف شود و الا علت غائی و مقصد نهائی این ظهور اعظم و نبأ عظیم از انظار مستور و امتیاز و رجحان امر مبارک که بعث خلق بدیع و نفخ روح جدید در هیاکل و انفس بشریه است از جلوه و ظهور ممنوع خواهد گردید .

انبیاء و مظاهر مقدسه الهیه حتی نفس مقدس جمال قدم جلّ ذکره الأعظم که باراده حیّ قدیر برای تربیت عباد و هدایت من فی البلاد مبعوث گشته اند اکثر احیان در سرزمینهای قیام و پیام و رسالت خویش را در بین اجناس و ملل و اقوام و نحلی ابلاغ فرموده اند که افراد آن در بادیه های جهل و نادانی سرگردان و یا از لحاظ فضائل روحانی و اخلاق و ملکات انسانی بالمره در اسفل درکات ذلت متنازل و در اقصی غمرات فنا و نیستی مستغرق بوده اند . فلاکت و اسارت

شدید و پرمخافت ابناء اسرائیل تحت حکومت جائر و متزلزل فراعنه قبل از خروج از سرزمین مصر که در ظلّ قیادت و سرپرستی حضرت کلیم واقع گردید همچنین تنزل و تدنّی فاحشی که در شئون دینی و مراتب اخلاقی و تربیتی یهود هنگام ظهور حضرت روح نمودار بود و اوضاع و احوال قوم عرب در زمان اشراق شمس محمّدی که خشونت و دنائت

اخلاق و پرستش اصنام و اوثان از دیرزمان حالات و خصائص بارزه آن جمع را تشکیل داده و موجب خفّت و هوان آن قوم گردیده بود بالأخره تباهی و فساد و ظلم و اعتساف و انقلاب امور و انحطاط جمهور که بکمال شدّت در خطّه ایران مقارن ظهور حضرت

بهاءالله مشهود و در حیات مدنی و مذهبی مردم آن سامان منعکس و محسوس بود و شرح آن از قلم بسیاری از اهل تحقیق و سیاست و اصحاب سیر و سیاحت که بگردش دیار و مطالعه آداب و آثار ملل پرداخته‌اند درج گردیده کلّ مدلّ بر این حقیقت اساسیه و غیر قابل تردید است که ظهور مظاهر مقدّسه الهیه همواره در بین ملل و نحلی صورت گرفته که در حسیض غفلت هابط و در بیداء ضلالت سائر و سالک بوده‌اند . و اگر

تصوّر شود که سجایای عالیه و صفات و کمالات فاضله و قدمت در سیاست و یا سبقت در شئون اجتماعی قوم و ملّتی علّت

سطوع انوار الهی و طلوع مشارق وحی سبحانی در بین آن قوم و ملت بوده فی الحقیقه چنین توهم و تصوّر انحراف از یک حقیقت مسلمة تاریخی و بمنزله انکار آیات و بیاناتی است که از قلم مُلهم حضرت بهاءالله و کلک انور مرکز عهد و میثاق الهی حضرت عبدالبهاء بنحو صریح و مؤکد در این باره عزّ نزول یافته و حقیقت امر تبیین و تشریح گردیده است .

بنا بمراتب مندرجه نفوسی از ملل و نحل مذکوره که ندای انبیای الهی و سفرای یزدانی را لبیک گفته و در ظلّ تعالیم ربّانی مستظّل و محشور شده باشند فریضه و تکلیف شدیدی متوجه آنان است که باید بکمال تهوّر و خالی از هرگونه تردید و تأمل انجام دهند. و آن این است که این حقیقت اساسیه را تشخیص دهند و با ایمان و ایقان کامل اذعان نمایند و شهادت دهند که قیام مظهر امر الهی در بین یک قوم و یک ملت نه بعلت تفوّق ذاتی و یا بلوغ سیاسی و یا فضائل و خصائل روحانی آن قوم و ملت است بلکه در حقیقت و نفس الأمر مولود احتیاج آنان و معلول سقوط و انهماکشان در ورطه جهل و نادانی و هبوط در هفوات ضلالت و گمراهی است که فی حدّ ذاته مستدعی ظهور معلّم رحمانی و وجود مربّی آسمانی است که بهدایت و تربیت آن جمع پرداخته و از آن طریق

عالم انسانی را بذروه علیا و غایت قصوی از حیات ابدیّه و اتّصاف بصفات و کمالات ملکوتیّه سوق دهد. زیرا قطعاً تحت چنین شرایط و احوال و باعانت اینگونه وسائل و وسائط است که سفرای الهی و مظاهر قدس سبحانی از اوّل لا اوّل باراده قاطعه صمدانیّه در بین قوم و عشیره خود قیام نموده و بمدد قوه خلاقه کلمه الله آنان را از حضيض ذلت مستخلص و باوج عزّت حقیقیّه متعارج ساخته‌اند تا نفوس منجذبه بنوبه خویش ندای الهی را به ملل و نحل اُخری منتقل نمایند و مواهب و الطاف ربّانیّه را که خود از آن مستفیض و بهره‌مند گشته بسایر اجناس و طوایف جهان در ابعاد نقاط ارض متواصل سازند.

با توجه باین حقیقت کلیّه معنویّه باید پیوسته در نظر داشت و از خاطر محو ننمود که طلعت اعلی و جمال اقدس ابهی روح الوجود لعظمتها الفداء در مقام اوّل کشور ایران را از آن لحاظ مطلع انوار و مشرق آثار و مکنن اسرار ظهور مقدّس خویش اختیار فرمودند که مردم این آب و خاک بنحوی که مکرّر از قلم مرکز عهد و میثاق الهی تبیین شده در اعماق غفلت و دوری از حقّ و حقیقت مستغرق بوده چندانکه در آن اوان در بین اقوام و ملل معاصر مشابه و مماثلی در جهان تمدّن نداشته است.

فی الحقیقه برای اثبات قوهٔ خلاقه و کلمه نافذه و احیاکننده این دو مظهر مقدّس الهی دلیلی اعظم و برهانی اتمّ و اقوم از آن نتوان یافت که آن دو وجود مبارک بتربیت و هدایت قومی که در عداد یکی از اقوام متأخّر و غیر مهذب عصر خود محسوب قیام فرمودند و آنان را بافرادی شجاع و فداکار که بنوبه خویش مصدر چنان تحوّل عظیم در حیات نوع انسان واقع گردیده تبدیل نمودند. حال چنانچه این دو مربّی رحمانی بالفرض در بین ملّت و جمعیتی متقدّم ظاهر میشدند که رفعت مقام و سموّ درجات ذاتیهٔ آنان حصول چنین امتیاز و افتخار اعزّ اعلائی را که مهد الطاف و مشرق آیات الهی قرار گیرند علی الظاهر توجیه مینمود البتّه در انظار جهانیان بی ایمان از عظمت پیام حضرت یزدان بنحو شدیدی میکاست و قدرت خلاقهٔ مهیمنه اش را

که بنفسه لفسه محرک وجود و مربّی من فی الوجود است مورد شبهه و تردید قرار میداد. اختلاف و تفاوت محسوس و بیّنی که بین مدارج خلوص و ایمان و شجاعت و ایقان

مطالع انوار که حیات و اعمال آن مظاهر حبّ و انقطاع را جاویدان و مؤبّد ساخته و مراتب ذلّ و هوان و خوف و خذلان معاندین امر الهی موجود و مشهود و در صفحات تاریخ نبیل بتفصیل مدوّن و مسطور گواه صادق و شاهد ناطقی از حقیقت و حقانیت

پیام ذات مقدّسی است که چنین روح نبّاض در صدور پیروان خویش القا فرموده و آنان را بچنین صفات و مواهب روحانیّه مخصّص و ممتاز داشته است . فی الحقیقه اگر نفسی از

سالکان سبیل ایمان در مهد آئین حضرت سبحان تصوّر نماید که آنچه مایه قیام حضرت باب و حضرت بهاءالله در آن موطن اعلی گشته همانا عظمت آن کشور و علویّت ذاتی مردم آن آب و خاک است که بین ملل و طوائف عالم لایق این مقام اسنی بوده که منبت سدره الهیّه و مغرس دوحه رحمانیّه قرار گیرد این تصوّر و توهم در قبال ادلّه و شواهد لاتحصائی که در تاریخ مذکور موجود و بنحو قاطع و مستدلّ خلاف آنرا اثبات مینماید غیر قابل قبول و تصدیق است .

این اصل مسلم باید لزوماً در مورد کشوری که مهد نظم جهان آرای حضرت بهاءالله قرار گرفته و استحقاق و شایستگی خویش را برای احراز این مقام رفیع مشخص و محقق ساخته است بنحو خفیفتری منظور گردد . فی الحقیقه این نهضت قویم

و

خدمت متعالی عظیم که جامعه بهائی امریک بدان مبادرت نموده بمنزله قیام ارواح فنا ناپذیری است که در صدر امر با بذل جان و مال و مباشرت باعمال فاضله‌ای که نظیر آن در تاریخ عالم مشاهده نشده ظهور و اعتلاء امر الهی را

ثابت و مدلل ساخته‌اند . بنابراین نفوسی که حال در استقرار و پیدایش مدنیت الهیه که اعلی و ابهی ثمره اسم اعظم محسوب بنحو مؤثر و نافذ شرکت مینمایند نباید در لحظه‌ای چنین تصوّر در خاطرشان خلجان نماید که بمنظوری ماوراء ادراک نفوس و یا بعّلت تفوّق ذاتیه و استحقاق فطریّه مردم آن سرزمین است که شارع این امر منع اقدس چنین موهبت فخیم و امتیاز عظیم و سرمدیّ آثار بملّت و مملکت ایشان عنایت فرموده و آنانرا باین منقبت کبری مخصّص و معزّز داشته است بلکه در حقیقت و نفس الامر این عطیّه روحانیّه نظر بشرور و مکاره حتمیه ایست که متأسّفانه ملت مذکور بسبب افراط در مدنیت مادّیه و انهماک در شئون ناسوتیه با وجود خصائص و مزایای جسیمه باهره بدان مبتلا گردیده است . این است که جمال اقدس

ابهی و مرکز عهد اوفی حضرت عبدالبهاء آن کشور را بنحو اخصّ علمدار نظم بدیع الهی که در الواح و آثار مقدّسه مدوّن و مسطور است مقرر فرموده‌اند زیرا بهمین دلائل و امارات و ظهور شواهد و بینات است که قدرت مطلقه حضرت بهاءالله به نسلی که بحقایق روحانیّه بی اعتنا بوده و هست واضح و مسلّم میگردد که چگونه آن وجود مبارک از بین جماعتی که در دریای مادّیات مستغرق و بیکی از موحشرین

وقدیمترین تعصبات جنسیه گرفتار و در دام مکاید سیاسیّه و افعال سیئه سخیفه و عدم انضباط در اصول و مبادی اخلاقیّه مقید و محصور رجال و نسائی مبعوث فرمود که بمضی زمان و بنحو دایم التزایدی باخلاق و شیم راضیه مرضیه و صفات و آداب ممدوحه از انقطاع و متانت و عفت و عصمت و راستی و صداقت و محبت عمومیه فارغ از حدود و ضوابط بشریه و نظم و اتقان و معرفت و ایقان متّصف و متخلّق گردند بنحوی که خود را برای تحقّق سهم عظیمی که در استقرار نظم بدیع جهانی و مدنیّت آسمانی بر عهده داشته مستعدّ و مهیا سازند نظم و مدنیّتی که سگان آن ارض بل کافّه نوع بشر را بدان احتیاج و نیازمندی شدید است . حال تکلیف و افتخار عظیم جامعه بهائیان امریک آن است که در مقام اوّل از لحاظ تشکیل دهندگان رکنی از ارکان قیمه دیوان عدل الهی و در ثانی بعنوان رافعان لواء نظم بدیع یزدانی که آن عصبه جلیله نورانی هسته مرکزی و ناشر و مبشر آن است دو اصل اصیل و دو مبداء قویم یعنی نظم و عدل الهی را وجهه همّت خویش قرار دهند و در تحکیم و تنفیذ و تقویت و تعظیم آن سعی بلیغ مبذول دارند . این دو حصن حصین دو ملجاء متین و مامن رزینی است که عالم بشریت بشدّت

بدان محتاج و مع الأسف مفسد سیاسیه و حریت مفرطه مضره که جامعه انسانی را لگه دار نموده اساس و بنیان آن را متزلزل ساخته است .

این حقایق و دقایق هر چند بیان آن ممکن است فی حدّ ذاته در اذواق و اذهان تلخ و ناگوار باشد ولی نباید بهیچوجه من الوجوه ما را از تقدیر خصائل و اوصاف بارزه‌ای که ملت امریک علی الأصول بدان متّصف و متخلّق است باز دارد و یا مراتب هوش و ذکاوت و ابتکار و فعالیت نامحدودی را که در اجراء خدمات مهمه و مشروعات عظیمه جسمیه بنحو محسوس بمنصّه ظهور رسانده‌اند از خاطر محو نماید خصائل و اوصافی که اکنون در جامعه یاران الهی که زاده آن آب و خاکند بصورت جلی ظاهر و متجلی است . فی الحقیقه قدرت و موفقیّت جامعه در تأسیس و استقرار اساس متینی که بتواند پایه مساعی و اقدامات آتیّه کشور هنگام حلول عصر ذهبی امر حضرت بهاءالله قرار گیرد تا میزان کثیری موقوف باستمداد از صفات و سجایای مذکوره همچنین قیام بر ازاله شرور و مفسد مشروحه در فوق است .

با توجه باین اوضاع و احوال معلوم میشود مسئولیتی که نسل حاضر از احبّای امریک

در این مرحله بدوی از تکامل روحانی و اداری خویش بر دوش دارند بسیار مهم و خطیر است. در این برهه از زمان است که یاران رحمانی باید بجمیع وسائل ممکنه افکار و اذکار و شیم و اطوار غیر مرضیه‌ای را که میراث نیاکان محسوب از ریشه براندازند و بجای آن با نهایت صبر و متانت و توسل بذیل دعا و استقامت ملکات فاضله و شئون و احوال ممتازة روحانیه‌ای را که برای شرکت مؤثر آنان در خدمت آستان الهی و استخلاص عالم انسانی لازم و ضروری است در حدیقه وجود غرس نمایند و خود را برای تحقق این منظور عظیم و خدمت قویم آماده و مهیا سازند. حال چون جامعه یاران نظر بقلّت اعضا و محدودیت نفوذ و امکانات ضروریّه از ایجاد اثر محسوس نسبت بتوده عظیم هموطنان خویش ممنوع و معذوراند انساب و اولی آنکه در حال حاضر توجه را بخود معطوف دارند و در اصلاح احوال و ترمیم نواقص و رفع حوائج خویش کوشند و در تدرّج در مراتب کمال و ارتقاء بشئون و فضائل رحمانیه سعی بلیغ و جهد جهید مبذول دارند و همواره متذکّر باشند که هر چه در این امر دقیق بیشتر همت نمایند و قدم فراتر نهند برای یومی که بنوبه خود جهة دفع شرور و مفسد جاریه همچنین تهذیب قلوب و تثقیف افکار و تقویت حیات

عمومیة اجتماع فراخوانده شوند در انجام وظیفه مستعدتر و مقتدرتر خواهند بود .
این حقیقت نیز نباید در نظریاران الهی پوشیده و مستور ماند که نظم جهانی بهائی که هم اکنون بانیان این صرح مشید اساس و بنیان آن را بمنزله پیشقدمان نسلهای آتیه بهائی از مردم آن مرز و بوم در مقام تأسیس و ارتفاع اند هرگز متحقق نخواهد شد و استقرار و تمکن تام نخواهد پذیرفت مگر آنکه قاطبه ملتی که بدان متعلقند از امراض مزمنه سیاست و اغراض فاسده اجتماع که عصر حاضر را بجمیع جهات احاطه نموده رهائی یابد و از اسقام و آلام طاریه فراغت پذیرد .
حال با ملاحظه احتیاجات مبرمه جامعه و تعمق و تدبیر در موانع و مشاکل عظیمه ای که در راه تحقق نوایا و انجام خدمات منظوره موجود و بالأخره نظر بوظیفه خاص و خدمت اعلی و اجلی که در آتیه ایام بحکم لزوم بدان مواجه خواهند گردید این عبد تکلیف خویش می شمارد که با نهایت تأکید توجه مخصوص و دقیق یاران امریک از شیخ و شاب و سفید و سیاه و ناشرین نفحات مسکیه یا خادمین تشکیلات و دوائر امریه همچین مقبلین قدیم و یا نفوس جدید الاقبال کل را علی حد سواء بحقایقی که با اطمینان و ثقه کامل عوامل و مقتضیات اصلیه پیشرفت وظائف آنانرا تشکیل میدهد جلب نماید و اهمیت

و عظمت آنرا بیان کند وظائفی که تحقق آن همفکری و اشتراک مساعی یارانرا بنحو
 اتم و اکمل ایجاب مینماید . هر چند تهیّه اسباب و لوازم و تمهید وسائل و وسائط و
 تکمیل دواير و شعب اداری بمنظور تنفیذ دو وظیفه اصلیّه که ظلّ نقشه هفت ساله
 بدان مبادرت گردیده حائز نهایت اهمیّت است همچنین اقدامات و تصمیمات متّخذه و
 طرحها و نقشه ها و ذخائر مالی که برای اجراء سریع و مؤثر این دو امر عظیم یعنی
 امر مهمّ تبلیغ و تکمیل و اختتام معبد جلیل القدر پیش بینی شده کلّ دارای ضرورت
 و موقعیّت اساسی مخصوص بوده و هست لیکن عوامل روحانی و غیر قابل توصیفی که با
 حیات خصوصی و احوال درونی افراد جامعه سروکار داشته و روابط اجتماعی و شؤون
 انسانی آنان بر اساس آن مؤسس است آن نیز دارای همان درجه از اهمیّت بوده و
 بهمان میزان قابل توجه و عنایت است و باید همواره مورد تفرّس و تمعّن دوستان
 رحمانی قرار گیرد بنحوی که در جمیع احوال بمطالعه حالات خود پردازند و سکنات و
 رفتار خویش را با موازین الهیّه سنجش نمایند مبادا در اثر غفلت قدر و ارزش این
 مقام مستور ماند و عظمت حیاتی آن در انظار محو و زائل گردد .

از بین عوامل و مقتضیات روحانی که تنفیذ نقشه‌های تبلیغی و طرحهای مشرق‌الاذکار و تصمیمات و اجراءات مالی کلاً مؤسس بر آن و بمنزله پایه و اساس کافهٔ موفقیت‌های جامعه محسوب است مسائل ذیل در رتبهٔ اولی و درجهٔ اعلی از اهمیت قرار دارد و شایسته چنان است که جامعه بهائی امریک نسبت بدان نهایت غور و تدقیق و تأمل و تحقیق مبذول دارند. در حقیقت میزان موفقیت یاران و جلب الطاف و مواهب لا نهایتاً حضرت یزدان موقوف بر آن است که این عوامل و مقتضیات تا چه مقدار کسب گردد و یاران راستان بچه نحو آن را در حیات یومیّه خویش بکار بندند و در فعالیت‌های اداری و روابط اجتماعی بمنصّهٔ ظهور رسانند و آن عبارت از توجه دقیق نسبت بمبادی اخلاقی و رعایت اصل صحت و صداقت در خدمات اجتماعی و اداری همچنین تمسک شدید بذیل عفت و عصمت در حیات فردی و خصوصی و بالأخره حریت تامّ و آزادگی مطلق از قیود تعصبات مضرّهٔ سخیفه در معاملات و روابط با افراد ناس از اجناس و الوان مختلفه و احزاب و طبقات متنوعه است.

نخستین شرط از شرایط مذکوره با آنکه مربوط بکافّة یاران الهی است ولی در مقام
 اوّل متوجّه نمایندگان منتخب جامعه اعمّ از ملّی و محلی و ناحیه‌ای میباشد که
 درزیّ خدام و اعضاء مؤسّسات جدید الولاده آئین مقدّس حضرت بهاءالله وظیفه
 خطیر و مسئولیت شدیدی در استقرار اساس و بنیان قویم و لا یتزعزع دیوان عدل
 الهی بر عهده دارند مرکز عظیم و معهد رفیع المناری که طبق نام و عنوان آن مظهر
 عدالت رحمانیه و حافظ و حارس معدلت ربّانیه است عدالت و معدلتی که یگانه عامل
 استقرار حکومت نظم و قانون و ضامن امن و امان در جهان پرهممه و هیجان است . شرط
 ثانی یعنی عفت و عصمت بنحو مستقیم و اخصّ مربوط بجوانان بهائی است که می‌توانند
 نسبت بپاکی و طهارت و تحرک و فعّالیّت حیات جامعه کمکهای قاطع و مؤثر مبذول
 داشته و در تعیین مقدرات و خطّ مشی آن در مستقبل ایام همچنین ظهور کامل قوا و
 استعداداتی که بمشیت نافذه رحمانیه در نهاد آن ودیعه گذاشته شده سهم عظیمی بر
 عهده گیرند . شرط ثالث اجتناب از ابراز تعصّب در جمیع شئون و احوال است که به
 یکایک اعضاء جامعه راجع در هر مرحله از عمر وارد و در هر رتبه و مقام قائم و از
 هر گونه تجربه و اطلاع بهره‌مند

و یا به هر طبقه و لون منتسب باشند . این امر فوری و حیاتی باید مطمح نظر عموم قرار گیرد و کلّ بلا استثناء با شرور و مفاسد آن یعنی انحراف از این اصل اصیل مبارزه نمایند زیرا جمیع در اجراء موجبات و مقتضیات آن شریک و سهیمند . فی الحقیقه هیچ فردی از افراد نمی تواند مدّعی شود که در انجام مسئولیتهای خطیره‌ای که این شرط قویم مستدعی آنست بنحو کمال توفیق یافته و بسر منزل مقصود واصل گردیده است ولو در این سبیل سالک و بقطع مراحل ناایل آمده باشد .

علو رفتار و سمو کردار و تمسک شدید بحبل عدالت الهیه مقدّس از تأثیر و نفوذ عوامل مخربه که خود از مقتضیات حیات پرمفسدت سیاسی محسوب همچنین حسن نیت

و خلوص طویّت و تقدیس و تنزیه منزّه از افعال سخیفه رذیله و شئون و موازین غیر مرضیه که اصول منحطّ و سافل عصر حاضر آن را تأیید بل تقویت و تشدید مینماید و بالأخره اخوّت و محبّت خالصه عمومیّه فارغ از تعصّبات جنسیّه و حمیّات جاهلانه که چون سرطان انساج حیات ناتوان جامعه بشریه را ضعیف و افسرده نموده کلاً شیم ممدوحه و سجایای فاضله‌ای را تشکیل میدهند که احبّای امریک باید از هم اکنون منفرداً و مجتمعاً در حیات خصوصی و اجتماعی

خود بکار بندند . این است صفات و کمالاتی که چون قوهٔ محیطه نباضه گردش تأسیسات و تقدّم مشروعات و اقدامات جامعه همچنین پیشرفت طرحها و نقشه‌های موضوعه را باحسن وجه تضمین و عظمت و تمامیت آئین الهی را تثبیت و هر مانع و رادعی را که در مستقبل ایّام در مسیر ترقّی و تعالی آن قرار گیرد بنحو شدید محو و نابود مینماید .

حسن اخلاق و اصالت کردار که از مقتضیات آن صدق و صفا و محبّت و وفا و امانت و دیانت و انصاف و عدالت و پاکی و طهارت است باید در جمیع شئون و احوال ما به الامتياز حیات جامعه و صفت ممیّزهٔ هر فرد بهائی مستظلاً در ظلّ کلمه ربّانی قرار گیرد . حضرت بهاءالله بنفسه المهیمنه علی الکائنات میفرماید " الیوم اصحاب الهی مایه احزاب عالمند باید کلّ از امانت و صدق و استقامت و اعمال و اخلاق ایشان اقتباس نمایند " " قسم ببحر اعظم که در انفاس نفوس مقدّسه تأثیرات کلّیه مستور است علی شأنِ یؤثرفی الاشیاء کُلّها " . و در مقام دیگر این کلمات درّیات از مخزن قلم اعلی نازل قوله العظیم " خادم امر امروز کسی است که اگر برمدائن ذهب و فضّه مرور نماید چشم نگشاید و قلبش پاک و مقدّس باشد

از آنچه مشاهده میشود یعنی از زخارف و آلاء دنیا قسم بآفتاب حقیقت نفسش مؤثر
 و کلمه اش جاذب " . و همچنین بنهایت تأکید میفرماید " قسم بآفتاب افق تقدیس که
 اگر جمیع عالم از ذهب و فضّه شود نفسی که فی الحقیقه بملکوت ایمان ارتقاء جسته
 ابداً بآن توجّه ننماید تا چه رسد باخذ آن الیوم ساکنین بساط احدیه و
 مستقرّین سُرر عزّ صمدانیه اگر قوت لا یموت نداشته باشند بمال یهود دست دراز
 نکنند تا چه رسد بغير حقّ ظاهر شده که ناس را بصدق و صفا و دیانت و امانت و
 تسلیم و رضا و رفق و مدارا و حکمت و تُقی دعوت نماید و به اثواب اخلاق مرضیه و
 اعمال مقدّسه کلّ را مزین فرماید " " جمیع احبّای الهی را وصیت فرمودیم که
 ذیل مقدّس را بطین اعمال ممنوعه و غبار اخلاق مردوده نیالایند " . و نیز میفرماید
 " یا اهل بهاء بتقوی الله تمسّک نمائید هذا ما حکم به المظلوم و اختاره المختار
 " . و در لوح مقدّس طرازات این بیان احلی از قلم اعلی نازل " طراز سوم فی الخلق
 انه احسن طرازٍ للخلق من لدی الحقّ زین الله به هیاکل اولیائه لعمری نوره
 یفوق نور الشمس و اشراقها " " یک عمل پاک عالم خاک را از افلاک بگذراند و بال
 بسته را بگشاید و قوت رفته را باز آرد " " یا حزب الله التّقدیس التّقدیس التّقوی التّقوی "

" بگو یا حزب الله ناصر و معین و جنود حق در زیر و الواح بمثابه آفتاب ظاهر و لائح آن جنود اعمال طیبه و اخلاق مرضیه بوده و هست هر نفسی الیوم بجنود اخلاق و تقوی نصرت نماید و لله و فی سبیل الله بر خدمت قیام کند البتّه آثارش در اشطار ظاهر و هویدا گردد " و ایضاً میفرماید " اصلاح عالم از اعمال طیبه طاهره و اخلاق راضیه مرضیه بوده ". همچنین این کلمات نصیحتات از فم مشیت حضرت ربّ الآیات البینات ظاهر قوله تعالی " ان اعدلوا علی انفسکم ثمّ علی الناس لیظهر آثار العدل من افعالکم بین عبادنا المخلصین " " اول انسانیت انصاف است و جمیع امور منوط بآن ... ان انصفوا یا اولی الالباب من لا انصاف له لا انسانیه له ". و نیز میفرماید " قل یا قوم زینوا لسانکم بالصّدق و نفوسکم بالأمانة ایّاکم یا قوم لا تخانوا فی شیء کونوا امناء الله بین بریتّه و کونوا من المحسنین ". و در لوح دیگر این بیانات باهرات از افق عنایت مالک قدم مشرق و لامع " کونوا فی الطّرف عفیفاً و فی الید امیناً و فی اللسان صادقاً و فی القلب متذکراً " ... " کن ... لوجه الصّدق جمالاً و لهیکل الأمانة طرازاً و لیت الأخلاق عرشاً و لجسد العالم روحاً و لجند العدل رایهً و لافق الخیر نوراً ". و در مقام دیگر مذکور " هیکل خود را بطراز راستی و ادب

مزین دارید و خود را از حلیه عدل و اصطبار محروم مسازید تا روایح طیبه تقدیس از شطر قلوبتان بر جمیع ممکنات متصوّع گردد (۱) " . . . " بگو ای اهل بها در سبیل نفوسی که اقوال و اعمالشان مخالف یکدیگر است سالک نشوید همّت گمارید تا آیات حقّ بر اهل ارض مکشوف و احکام و اوامرش واضح و معلوم گردد باعمال سبب هدایت من

فی البلاد گردید چه که اقوال اکثر ناس از وضع و شریف با افعالشان مغایر و مباین است کردار نیک است که مستظّلین در ظلّ سدره رحمانیه را از مادون ممتاز و گیتی را بروشنی خویش روشن و منور سازد طوبی از برای نفسی که نصایح قلم اعلی را بسمع قبول اصغا نمود و بآنچه از سماء اراده خداوند علیم و حکیم نازل گشته تمسک جست (۱) "

در این مقام حضرت عبدالبهاء روح الوجود لرمسه الاطهر فداء میفرماید " ای حزب الهی بعون و عنایت جمال مبارک روحی لاجبّائه الفداء باید روش و سلوکی نمائید که مانند آفتاب از سائر نفوس ممتاز شوید هر نفسی از شما در هر شهری که وارد گردد بخلق و خوی و صدق و وفا و محبّت و امانت و دیانت و مهربانی بعموم عالم انسانی مشارّ بالبنان گردد جمیع اهل شهر گویند که این شخص یقین است (۱) - ترجمه

که بهائی است زیرا اطوار و حرکات و روش و سلوک و خلق و خوی این شخص از خصائص

بهائیان است تا باین مقام نیائید بعهد و پیمان الهی وفا ننموده‌اید " . و در لوح دیگر مرقوم " الیوم الزم امور تعدیل اخلاق است و تصحیح اطوار و اصلاح رفتار باید احبّای رحمن بخلق و خوئی در بین خلق مبعوث گردند که رائحهٔ مشکبار گلشن تقدیس آفاق را معطر نماید و نفوس مرده را زنده کند زیرا مقصود از جلوۀ الهی و طلوع انوار غیب غیر متناهی تربیت نفوس است و تهذیب اخلاق من فی الوجود " . و نیز میفرماید " صدق و راستی اساس جمیع فضائل انسانی است اگر نفسی از آن محروم ماند از ترقّی و تعالی در کلیّۀ عوالم الهی ممنوع گردد و چون این صفت مقدّس در نفسی رسوخ نماید سائر صفات و کمالات قدسیّه بالطبع حاصل شود و فرد کامل گردد (۱) "

این صحّت و صداقت و تشبّث بحقّ و حقیقت باید با قدرت زائد الوصفی در کلیّۀ آراء و تصمیمات متّخذۀ از طرف امنای منتخب جامعه در هر رتبه و مقام مرعی گردد و همواره در معاملات افراد یاران و حیات خصوصیهٔ آنان همچنین در اجراء حرف و مکاسب و احراز مشاغل و مناصب و یا هر

(۱) ترجمه

گونه خدمت و وظیفه‌ای که ممکن است در آتیه ایّام نسبت بملت یا حکومت متبوعه خویش در عهده گیرند ظاهر و هویدا باشد و نیز همین اصل راستی و حقیقت و حسن نیت و خلوص طویّت است که باید زینت بخش حالات و سکنات منتخبین بهائی هنگام انجام وظیفه مقدّس انتخاب و استفاده از چنین حقّ متعالی مشروع قرار گیرد و وجه امتیاز و صفت مشخصه هر یک از دوستان رحمانی نسبت بعدم قبول وظایف سیاسی همچنین عدم

عضویّت در تشکیلات و معاهد سیاسی و دینی و اختیار مسالک و مشارب حزبی و بالأخره امتناع از ورود در مبارزات و مخاصمات سیاسی عالم شناخته شود. همین شئون و ملکات فاضله است که باید در اتباع بلا شرط پیروان آئین مقدّس رحمانی از پیرو برنا از اصول و تعالیم اساسیه که در بیانات و خطابات حضرت عبدالبهاء بنحو صریح و روشن مذکور همچنین حدود و احکام منزله از مخزن قلم اعلی که در کتاب مستطاب اقدس امّ الکتاب آئین بهائی مدوّن و مضبوط است قطعاً و مؤکداً ملحوظ گردد. این اصل اصیل یعنی سلوک در منهج حقیقت باید در رفتار و تماسّ حامیان شریعه الله نسبت بمعاندین امر الهی و اذعان و شناسائی هر نوع لیاقت و شایستگی که ممکن است در افراد معارض

موجود و یا ادای هرگونه تعهد و تکلیف که احیاناً نسبت بچنین افراد در بین باشد محسوس و جلوه‌گر گردد و جمیع این مراتب با روح و محبت و وفاق و فارغ از هرگونه تعصب و شقاق مجری و معمول شود. این حالات و سجایا مبلّغین بهائی و ناشیرین نفعات سبحانی را احسن طراز است که باید در جمیع احیان در اقوال و اعمال و مساعی و مجهوداتشان در داخل و خارج بنحو اکمل و اجمل مشهود باشد خواه در صف اول رافعین لواء امر الله وارد و یا در سلک نفوسی که دایره خدمات و وظائفشان محدودتر است منسلک باشند. این ملکات و فضائل کلاً اوصاف و احوال و شیم و آثار ممیّزه نمایندگان و وکلای ملّی هر جامعه بهائی محسوب هیأتی که از لحاظ تعداد قلیل ولی دارای قدرت و مسئولیتی بس عظیم و خطیر است چه که رکن رکن و یگانه مرجع انتخاب بیت العدل اعظم الهی در هر یک از جوامع بهائی است معهد جلیل و بنیان قویم و رفیع المقامی که طبق آنچه از قلم شارع مقدّس این امر اعظم در شأن آن عزّ نزول یافته و بدان نام و نشان منعوت گردیده مظهر عدالت کلّیه الهیه و مصدر صفات و سنوحات رحمانیه است صفات و سنوحاتی که تحکیم و تنفیذ و صیانت و وقایت آن اعلی رسالت آن هیأت مقدّسه را تشکیل میدهد.

اصل عدالت که اکیلی جلیل و ما به الامتیاز کافه محافل محلیه و ملیه ارکان و قوائم دیوان عدل الهی محسوب بدرجه ای عظیم و منیع و اعلی و فخیم است که حضرت بهاءالله بنفسه المقدسه عن الکائنات اراده مهیمنه خویش را تفویض شرایط و مستدعیات این اصل اصیل میفرماید بقوله تبارک و تعالی " حق شاهد و گواه اگر چنانچه مخالف شریعه الله نبود دست قاتل خویش را می بوسیدم و از مال خود او را ارث میدادم ولی چه توان نمود که حکم محکم کتاب روا نداشت و حطام دنیا در نزد این عبد نبود " و بکمال تأکید بیان میفرماید " بیقین مبین بدان (۱) این ظلمهای وارده عظیمه تدارک عدل اعظم الهی مینماید " و در مقام دیگر مذکور " قل انه ظهر بعدل تزیّن به العالم و القوم اکثرهم من التائمین " همچنین " سراج عباد داد است او را به بادهای مخالف ظلم و اعتساف خاموش منمائید و مقصود از آن ظهور اتحاد است بین عباد " و نیز میفرماید " هیچ نوری به نور عدل معادله نمی نماید آن است سبب نظم عالم و راحت امم ". " یا حزب الله مرّی عالم عدل است چه که دارای دورکن است مجازات و مکافات و این دورکن دو چشمه اند از برای حیات

(۱) ترجمه

اهل عالم ". " عدل و انصاف دو حارسند از برای حفظ عباد و از این دو کلمات محکمه مبارکه که علت صلاح عالم و حفظ امم است ظاهر گردد ". و در مقام دیگر این بیان اسنی بنحو صریح و مؤکد از قلم اعلی نازل قوله العظیم " أن ارتقبوا یا قوم ایام العدل و انها قد اتت بالحق ایاکم أن تحتجبوا منها و تکوئن من الغافلین " " عنقریب یومی خواهد رسید که مؤمنین آفتاب عدل را در اشد اشراق از مطلع جلال مشاهده خواهند نمود " (۱) ". بذلتی ظهرت عزّة الکائنات و بابتلائی اشرقت شمس العدل علی العالمین " و نیز میفرماید " عالم منقلب است و افکار عباد مختلف نسأل الله ان یزینهم بنور عدله و یعرفهم ما ینفعهم فی کلّ الأحوال " " فی الحقیقه اگر آفتاب عدل از سحاب ظلم فارغ شود ارض غیر ارض مشاهده گردد " .

حضرت عبدالبهاء روح الوجود لرمسه الاطهر فداء در این باره میفرماید " الحمد لله آفتاب عدل از افق بهاء الله طالع شد زیرا در الواح بهاء الله اساس عدلی موجود که از اول ابداع تا حال بخاطری خطور ننموده " همچنین " خیمه وجود بر ستون عدل قائم نه عفو
(۱) ترجمه

و بقای بشر بر عدل است نه عفو"

با توجه به بیانات مذکوره در فوق معلوم میشود که چگونه شارع مقدّس این شرع اعظم مشروع عظیمی را که تاج و هاج و اکلیل جلیل مؤسّسات نظم بدیع جهان آرای امر اقوم افخم اوست آنرا بصفت فضل و عفو موصوف نفرموده بلکه بیت عدل الهی نام نهاده است .

زیرا عدالت یگانه اساس و بنیان رصین و مؤبّد صلح اعظم یزدانی است و آن است آن حقیقت متعالیه‌ای که در کلمات مبارکه مکنونه بابدع اذکار مذکور و باجمل اوصاف موصوف و به " احبّ الأشياء " در ساحت قدس حضرت مولی الأسماء تجلیل و تکریم گردیده است . در این مقام بر خود فرض و لازم می‌شمارد که بنحو اخصّ از یاران عزیز امریک بنهایت تأکید تقاضا نماید که شئون و لوازم این مقیاس اجلّ اعلی و میزان اتمّ اسنی یعنی صحّت و صداقت و راستی و صراحت را فرداً و مجتمعاً مورد مطالعه دقیق قرار دهند و بهمتّ تامّ و خالی از هرگونه شائبه قید و شرط بموقع اجرا گذارند و بجان و دل حمایت و صیانت کنند میزان و مقیاسی که اصل عدالت حصن

حصین

و ملجاء قویم و متین

(۱) ترجمه

آن است .

امّا تقدیس و تنزیه آن نیز یکی از عوامل مهمّه و شرایط لازمه ضروریّه است که در اعتلاء حیات و تقویت و تشیید مبانی جامعه که خود مایه بسط و ترقی مجهودات و توسعه و تقدّم مشروعات امریّه است تأثیر عظیم داشته و دارد و در این ایّام که عواصف بیدینی و عدم تعلق باحساسات و عواطف روحانی مبادی اخلاقی را ضعیف و بنیان

ملکات انسانی را سست و متزعزع ساخته امر پاکی و طهارت و تمسک بذیل عفت و عصمت

باید بنهایت همّت نصب العین یاران الهی قرار گیرد و در خدمات فردیّه و شئون اجتماعیّه آنان بعنوان حارسان امر حضرت یزدان و حافظان شریعت سبحان بنحو اتمّ و اجلی مشهود شود بالأخصّ در این اوان که اوضاع و احوال در اثر تمسک شدید بعلائق مادّیّه و انهماک در شئون نفسانیّه که حال در آن اقلیم بکمال شدّت حکمفرماست وجهه مخصوص حاصل نموده انجام این وظیفه خطیر یعنی تجرّد از نفس و هوی و تشبّث بحبل ورع و تقوی در درجه اول از اهمّیّت واقع و مستلزم بذل جهد و توجه خاصّ از طرف آن خدام ملکوت است . احبّای رحمانی رجالاً و نساءً باید در این ساعت مهیب

که انوار دیانت در پی افول و ارکان و قوائم آن یکی بعد از دیگری در معرض سقوط و هبوط اعمال و افعال خویش را مورد تأمل و تدقیق قرار دهند و با عزم جزم و تصمیم راسخ بتهذیب ارواح و تعدیل افکار و تزکیه حیات جامعه پردازند و از هر تزلزل و انحطاط اخلاقی که نام و شهرت و تمامیت و جامعیت چنین امر اعزّاعلائیه را لگه دار نماید بشدت تامّ جلوگیری و ممانعت کنند .

طهارت و تقدیس باید اصل مسلم و میزان مکمل رفتار و اطوار یاران در روابط اجتماعی آنان با اعضاء داخل جامعه همچنین در تماس و ارتباطشان با عالم خارج باشد و نیز باید این صفت متعالی طراز هیکل و مایه تقویت مساعی و مجهودات لایقّه نفوسی قرار گیرد که به نشر نفحات مسکینه الهیه قائم و به تمشیت امور امریه مألوف و بخدمت آستان مقدّس حضرت بهاءالله مفتخر و متباهی اند . دوستان الهی و مستظّلین در ظلّ لواء سبحانی چه در حضر و چه در سفر چه در مجامع عمومیّه و چه در محافل و مجالس خصوصیه چه در مکاتب و مدارس و چه در معاهد علمیّه و ادبیّه باید این شیوه مرضیه را در جمیع شئون و احوال حلیه و دثار خویش قرار دهند و بکمال دقت و اتقان در حرکات

و سکنات یومیّه خود ظاهر و عیان سازند همچنین در فعالیتّهای مدارس تابستانه و یا هر فرصت و موقعیت دیگری که حیات جامعه بهائی مورد تقویت و تحکیم واقع گردد باید باین امر دقیق عنایت مخصوص مبذول شود . بالأخره این حقیقت شاخصه باید صفت

مشخصه و غیر قابل انفکاک جوانان و ملازم با مأموریت و رسالت فخیم ایشان تلقی شود هیاتی که جامعه بهائی را عنصری عظیم و ترقّی و هدایت آتیّه نسل جوان کشور را عاملی بس مؤثر و قویم محسوب میگردد .

این تقدیس و تنزیه با شئون و مقتضیات آن از عفت و عصمت و پاکی و طهارت و اصالت و نجابت مستلزم حفظ اعتدال در جمیع مراتب و احوال از وضع پوشش و لباس و ادای الفاظ و کلمات و استفاده از ملکات و قرائح هنری و ادبی است همچنین توجّه و مراقبت تامّ در احتراز از مشتهیات نفسانیّه و ترک اهواء و تمایلات سخیفه و عادات و تفریحات رذیله مفرطه ایست که از مقام بلند انسان بکاهد و از اوج عزّت بحضیض ذلّت متنازل سازد و نیز مستدعی اجتناب شدید از شرب مُسکرات و افیون و سایر آلیشهای مضرّه و اعتیادات

دنیئه نالایقه است . این تقدیس و تنزیه هر امری را که منافی عفت و عصمت شمرده شود خواه از آثار و مظاهر هنر و ادب و یا پیروی از طرفداران خلع حجاب و حرکت بلا استتار در مرآی ناس و یا آمیزش بر طریق مصاحبت و یا بیوفائی در روابط زناشوئی و بطور کلی هر نوع ارتباط غیر مشروع و هرگونه معاشرت و مجالست منافی با احکام و سنن الهیه را محکوم و ممنوع مینماید و بهیچ وجه با اصول و موازین سیئه و شئون و آداب غیر مرضیه عصر منحط و رو بزوال کنونی موافقت نداشته بلکه با ارائه طریق و اقامه برهان و دلیل بطلان این افکار و سخافت این اذکار و مضار و مفسدت اینگونه آلودگیها را عملاً مکشوف و هتک احترام از نوامیس و مقدسات معنویه منبعث از تجاوزات و انحرافات مُضَلَّه را ثابت و مدلل میسازد .

در این مقام این کلمات عالیات از سماء مشیت حضرت ربّ الآیات البینات نازل قوله العزیز " قسم بحقیقت الهی عالم و آنچه در اوست مع جمال و جلال و لذات و مسرات فریبنده آن کلّ در نظر حقّ چون تراب و رماد بل پستتر مشاهده میشود ای کاش قلوب عباد آن را

درک مینمود ای اهل بها از آلودگیهای ارض و زخارف فانیه آن خود را پاک و منزّه سازید حقّ شاهد و گواه که این مراتب دنیّه لایق مقام یاران الهی نبوده و نیست شئون دنیا را باهلهش واگذارید و عیون خود را باین منظر اقدس منیر متوجّه سازید (۱) . و نیز دوستان خویش را باین بیان امنع اکرم نصیحت میفرماید " ای احبّاً ذیل مقدّس را بطین دنیا میلائید و بما اراد النّفس و الهوی تکلمّ مکنید " همچنین " ای احبّای حقّ از مفازه ضیقّه نفس و هوی بفضاهای مقدّسه احدیه بشتابید و در حدیقه تقدیس و تنزیه مأوی گیرید تا از نفعات اعمالیه کلّ بریه بشاطی عزّ احدیه توجّه نمایند " و در مقام دیگر مذکور " خود را از تعلّقات و آایشهای دنیا پاک و منزّه نمائید و هرگز بدان تقرّب نجوئید زیرا شما را باتّباع از هواجس نفسانیّه ترغیب و از سلوک در منهج قویم و صراط مستقیم منع مینماید (۱) " ... " ان اجتنبوا الاثم و انه حرمّ علیکم فی کتاب الذی لا یمسه الا الذین طهرهم الله عن کلّ دنسٍ و جعلهم من المطهّرين " . و نیز این بشارت مبین در کلمات حضرت ربّ العالمین مسطور " خلقی با صفات و فضائل ممتازه مبعوث گردند (۱)

(۱) ترجمه

كه " قدم انقطاع بر كل من فى الارضين و السموات گذارند و آستين تقديس بر كل
 ما خلق من الماء و الطين برافشانند " همچنين اهل عالم را باين بيان عظيم
 تحذير ميفرمايد قوله العزيز " ان التمدن الذى يذكره علماء مصر الصنائع و
 الفضل لو يتجاوز حد الاعتدال لتراه نقمة على الناس انه يصير مبدأ
 الفساد فى تجاوزه كما كان مبدأ الاصلاح فى اعتداله و همچنين ميفرمايد " آنچه
 حق جل ذكره از براى خود خواسته قلوب عباد اوست كه كنائز ذكر و محبت ربانيه
 و خزائن علم و حكمت الهيّه اند لم يزل ارادة سلطان لايزال اين بوده كه قلوب
 عباد را از اشارات دنيا و ما فيها طاهر نمايد تا قابل انوار تجليات مليك
 اسماء و صفات شوند " و در مقام ديگر نازل " قل الذين ارتكبوا الفحشاء و
 تمسكوا بالدنيا انهم ليسوا من اهل البهاء هم عباد لو يردون وادياً من
 الذهب يمرّون عنه كمر السحاب و لا يلتفتون اليه ابداً الا انهم منى
 ليجدن من قميصهم الملاً الأعلى عرف التقديس ... و لو يردن عليهم ذوات
 الجمال باحسن الطراز لا ترتد اليهن ابصارهم بالهوى اولئك خلقوا من التقوى
 كذلك يعلمكم قلم القدم من لدن ربكم العزيز الوهاب " . و نيز اندازاً للعباد
 ميفرمايد " ان الذين اتبعوا الهوى

ضلّ سعيهم في الدنيا وفي الآخرة لهم سوء العذاب " " ينبغي لاهل البهائم ان ينقطعوا عمّن على الأرض كلّها على شأن يجدنّ اهل الفردوس نفحات التّقدّيس من قميصهم انّ الذين ضيّعوا الأمر بما اتّبعوا اهوائهم انّهم في ضلال مُبين " و ايضاً ميّفرمايد " طراز اعظم از برای اماء عصمت و عفتّ بوده و هست لعمر الله نور عصمت آفاق عوالم معانی را روشن نماید و عرفش بفردوس اعلى رسد " و نیز این کلمه علیا از مخزن قلم اعلى نازل " انّ الله قد جعل العصمة اكليلاً لرؤس امائه طوبى لامةٍ فازت بهذا المقام العظيم " . همچنين ياران و احبّای خویش را باین بشارت صريح مفتخر و مستبشر میسازد قوله العزيز " خداوند در کتاب الهی برای نفوسی که از اعمال سیئه خبیثه اجتناب و بافعال طیّبه طاهره اقبال نمایند اجر جزیل و ثواب جمیل مقدّر فرموده اوست بخشنده عظیم و فضال (۱) و در مقام دیگر نازل " انا حملنا البلائيا كلّها لتطهير انفسكم و انتم من الغافلين انا نراکم فی اعمالکم اذا وجدنا منها الرّائحة المقدّسة الطیّبة نُصلّي علیکم و بذلك ينطق لسان اهل الفردوس (۱) ترجمه

بذکرکم و ثنائکم بین المقربین " .

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مقدّسه میفرماید " اما شراب بنصّ کتاب اقدس شربش ممنوع زیرا شربش سبب امراض مزمنه و ضعف اعصاب و زوال عقل است " .
 در این مقام حضرت بهاءالله بنفسه الأقدس میفرماید " ان اشربن یا اماء الله
 خمر المعانی من کؤوس الکلمات ثم اترکن ما یکرهه العقول لانتها حرمت
 علیکن فی الألواح و الزیرات ایاکن ان تبدلن کوثر الحیوان بما تکرهه انفس
 الزاکیات ان اسکرن بخمر محبة الله لا بما یخامر به عقولکن یا ایتها
 القانتات انتها حرمت علی کل مؤمن و مؤمنة کذلک اشرق شمس الحکم من افق
 البیان تستضیء بها اماء المؤمنات " .

باید در نظر داشت که حفظ حدود و موازین عالیه اخلاقی و ابتعاد از مکاره
 و مناهی که از قبل بدان اشاره گردید بهیچوجه با اصل عزلت و انزوا و ترک
 شئون حیاتیّه دنیا بنحو افراط و منافی با عقل سلیم قابل قیاس و التباس نیست .
 معیاری که شارع مقدّس این امر اعظم در این مقام مقرر و بدان امر و دلالت
 فرموده اند مستلزم آن نیست که احدی از آحاد بشر به نحوی از انحاء از نعم و آلاء

الهی محروم و از حقوق مشروعۀ انسانی ممنوع و بی نصیب گردد بلکه میتوان در ظلّ شریعت الهیّه و اتّباع از احکام و سنن سماویّه از لذائذ حیات بهره‌مند و از مواهب طبیعت برخوردار گردید و از مراتب جلال و جمال و آنچه در عالم خلقت باراده ربّ ودود من غیر حصر و حدود در اختیار من فی الوجود گذاشته شده بقدر مقدور استفاده نمود قوله تبارک و تعالی " إِنَّ الَّذِي لَنْ يَمْنَعَهُ شَيْءٌ عَنِ اللَّهِ لَا بَأْسَ عَلَيْهِ لَوْ يُزَيِّنُ نَفْسَهُ بِحُلَلِ الْأَرْضِ وَزِينَتِهَا وَمَا خَلَقَ فِيهَا لِأَنَّ اللَّهَ خَلَقَ كُلَّ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لِعِبَادَةِ الْمُؤْمِنِينَ كَلُوا يَا قَوْمِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَلَا تَحْرَمُوا أَنْفُسَكُمْ عَنْ بَدَائِعِ نِعْمَاتِهِ ثُمَّ اشْكُرُوا وَكُونُوا مِنَ الشَّاكِرِينَ " .

اما تعصّب جنسی که قریب یکقرن در عروق و شرائین مردم امریک نفوذ نموده و ارکان و جوارح اجتماع را سُست و متزلزل ساخته فی الحقیقه مهمترین مسأله حیاتی است که جامعه بهائی در مرحله کنونی ترقی و تکامل خویش با آن مواجه است . این امر خطیر که یاران امریک نسبت بحلّ رضایت‌بخش آن هنوز توفیق کامل حاصل ننموده‌اند بدرجه‌ای

حائز اهمیت است که فوق آن قابل تصوّر نه و بهمین لحاظ مستلزم آنست که نسبت بدان اهتمام بلیغ مبذول

و استقامت و پایداری و شهامت و فداکاری و حسن تدبیر و همدردی و توجه و هشیاری و فیر معمول گردد. دوستان رحمانی از سفید و سیاه ضیع و شریف پیر و برنا یاران قدیم و جدید که در ظلّ آئین الهی مستظلّ و باین نام پرافتخار معروف و مشتهراند باید کلّ در این امر مهمّ شرکت نمایند و هر یک بر حسب ظرفیت و استعداد و تجربه و مقدرات خویش باین وظیفه عمومی یعنی تنفیذ وصایای حضرت عبدالبهاء و تحقیق آمال

و نوایای عظیمه آن مولای حنون و اتباع از حیات مقدّسش که مثل اعلائی تعالیم مقدّسه ربّانیه است مبادرت ورزند و بذل هرگونه سعی و مجاهدت نمایند. هیچیک از افراد بهائی اعمّ از سیاه و سفید نمی تواند خود را بحقّ و حقیقت از این تکلیف شدید معاف شمارد و مدّعی گردد که امیال و مقاصد آن قائد آسمانی را کما هو حقّه بمنصّه ظهور رساننده و بجان و وجدان در پی اقدام مبارکش متحرک و پویان است. در حقیقت راهی بس طویل و دشوار که مملوّ از مخاطر و مهابط بیشمار است هنوز در مقابل رافعان لوای اسم اعظم و پیروان امر آن محیی رمم از سیاه و سفید باقی است که باید با قدم صبر و استقامت پیموده شود. فی الحقیقه نفوذ معنوی و غیر محسوسی که لازمه نصرت و موفّقیت روحانی یاران امریک و تقدّم

و پیشرفت آنان در مشروع جلیلی است که اخیراً بدان مبادرت نموده تا میزانی که
 قلیلی از بین ایشان تصوّر و تدبّر آن را توانند نمود ظهور و پیدایش موكول
 بمراحی است که در این سیل طیّ طریق نموده همچنین روش و طریقه‌ای که برای وصول
 باین منظور در پیش گرفته‌اند .

در این مقام یاران الهی باید روش و سلوک مرکز عهد و پیمان رحمانی را هنگامی که
 آن شمس سماء قدس سبحانی در افق دیار غربیه طالع و در بین آن جمع باشراق انوار
 و اضائۀ قلوب و ارواح مألوف بود بخاطر آرند و با عزمی راسخ و تصمیمی خلل
 ناپذیر رفتار و کردار آن مظهر الطاف ربّانیّه و مصدر صفات و سنوحات قدس سبحانیّه
 را سرمشق خویش قرار دهند شجاعت و محبّت سرشار و رأفت و عطوفت بیکران که از
 صمیم

قلب و روان و خالی از هرگونه تکلف نسبت بعموم طبقات علی حدّ سواء مبذول
 میفرمود و انزجار و نفرتی که بنهایت حکمت و اتقان نسبت بانتقادات بیجا از خود
 ظاهر و آشکار میساخت همچنین خاطرات فراموش نشدنی از مواقع و موارد تاریخی را در
 نظر مجسم و در مرآت ضمیر مرتسم سازند که چگونه هیکل مبارکش بوضع صریح و قاطع
 احساسات شدید و عمیق خود را راجع باصل عدالت اظهار و عنایت و ملاطفت ذاتیّه
 خویش را در مورد فقرا

و ملهوفین و عجزا و مستضعفین ابراز میداشت و عشق و علاقه بی پایان که خارج از حدّ وصف و بیان است نسبت بوحدت عالم انسان و اعضاء و اجزاء این خاندان عظیم در دل و جان می پرورانید و بالأخره در باره نفوسی که افکار و عواطف مبارکش را بسخریه گرفته و در مقام مخالفت با اصول و مبارزه با بیانات و تعالیم حضرتش برآمدند اظهار بی میلی و عدم رضایت میفرمود. این شئون و اوصاف و این احوال و آثار باید پیوسته در خاطر احبّای الهی مصوّر و با عزمی جزم و اراده‌ای محکم و متین فارغ از هرگونه خوف و بیم مورد تأسی و اجراء دقیق واقع گردد.

اعمال تبعیض نسبت بهریک از اجناس و اقوام و شعوب و قبائل عالم بمناسبت تأخر آنها در امور اجتماعی و یا عدم بلوغ سیاسی و یا قلت عدد و وجودشان در اقلّیت منافی با تعالیم الهی و مغایر با روح مودوع در شریعت رحمانی است روحی که آئین مقدّس حضرت بهاءالله بدان زنده و نبّاض و انوارش پرچنده و فیّاض است. تصوّر و تخطّر هر نوع جدائی و انشقاق و تفکیک و افتراق در صف پیروان امر مبارک بمنزله نقض صریح و مخالفت بین با اصول و مبادی سامیه این آئین اقوم است. بمجرّد آنکه اعضاء جامعه مقاصد و دعاوی شارع این امر

اقدس اعظم را چنانکه باید و شاید دریافته و خود را در ظلّ نظم اداری امرالله
 وارد و اصول و احکام و اوامر و مناهی منزله از سماء مشیّت الهیّه را خالی از
 قید و شرط قبول نمودند این افکار باید بالمرّه فراموش و قلوب از شائبه بیگانگی
 و تبعیض پاک و منزّه گردد و هرگونه تشخیص و امتیاز و تقيید و تحدید چه از لحاظ
 عقیده و لون و چه از نظر ملیّت و قوم منسوخ و ملغی شمرده شود. یاران الهی نباید
 بخود اجازه دهند که تحت هیچ عنوان و مجوزی ولو مقتضیات امور در بین و فشار
 عقاید جمهور در اشدّ ظهور محسوس و مشهود باشد این صفت در بین آنان رسوخ کند و
 این فکر در هیکل جامعه حلول و نفوذ نماید. حال اگر بفرض محال موقعی چنین ملاحظه
 و رعایت لزومیّت حاصل نماید و چنین تفاوت و تمایز مقتضی شناخته شود آن ملاحظه و
 رعایت باید در جهت مصالح اقلیّت باشد یعنی بنفع آنها تمام شود نه بزیان آنان
 خواه در مسأله نژادی یا غیر آن. هر جامعه متشکله که در ظلّ لوای اسم اعظم
 مستظّل و باین نام پرافتخار مفتخر و متباهی است باید برخلاف ملل و نحل ارض
 چه شرقی چه غربی چه حکومت عامّه و دمکراسی و چه سیاست مطلقه و استبدادی چه
 اشتراکی و چه سرمایه داری خواه مربوط بعالم قدیم و یا متعلّق بدنیای جدید که
 اقلیّات جنسیّه و دینیّه و سیاسیّه را در دایره قدرت و حکومت خویش نادیده
 انگاشته و یا حقوق آنان را پایمال نموده و یا بالمرّه از ریشه برافکنده اند این امر حیاتی را
 اولین

وظیفه خویش شمارد که هر اقلیتی را که در بین آن جمعیت موجود از هر جنس و ملت و از هر طبقه و رتبت تقویت و تأیید نماید و حفظ و حمایت کند. این اصل اصیل بدرجه ای مهم و حیاتی است که هرگاه در مواردی مانند امر انتخاب تعداد آراء در حق افرادی از اجناس مختلف و یا مذاهب و ملیتهای متنوع در داخل جامعه یکسان و یا خصائص و شرایط لازمه جهت احراز رتبه و مقامی بین افراد مذکور علی حدّ سواء باشد اولویت و تقدّم باید بالاترید بفردی تعلق گیرد که منتسب باقلیت است و این ترجیح و تقدّم صرفاً از لحاظ آنست که اقلیت مورد تشویق و ترغیب قرار گیرد و بآنان فرصت و موقعیت مساعد داده شود تا در خدمت جامعه و پیشرفت مصالح عمومیّه قدمهای بلندتر بردارند. نظر باین اصل خطیر و با توجه باین امر مبرم دقیق یعنی لزوم اشتراک افراد اقلیت در فعالیتهای امری و قبول مسئولیت آنان در تمشیت امور اجتماعی است که هر جامعه بهائی موظف است امور خویش را نوعی ترتیب دهد که افراد منسوب باقلیتهای مختلفه در داخل جامعه خواه از اقلیت جنسی و غیر آن چنانچه متّصف بصفات لازمه و واجد خصائص و شرایط مشخصه باشند تا آخرین مرحله امکان در مؤسّسات امریه اعم از محافل روحانیّه و انجمنهای شور و یا کنفرانسها و لجنه ها که فی الحقیقه نمایندگان جامعه محسوب شرکت و

عضویت یابند و خدماتشان در تشکیلات مذکوره مورد استفاده قرار گیرد. اتخاذ چنین رویه و تمسک شدید بآن نه تنها منشأ الهام و مایه تقویت و تشجیع عناصری است که از لحاظ تعداد قلیل و اشتراکشان در مسائل اجتماعی محدود و محصور بلکه در اثر اجراء این اصل عمومیت آئین حضرت بهاءالله معلوم و فراغت پیروانش از لوث تعصبات باطله و حمیات جاهلانه در انظار عالم و عالمیان ثابت و محقق گردد حمیات و تعصباتی که چنین انقلاب و تشنج عظیم در شئون داخلی ملل همچین در روابط و مناسبات خارجیشان در قبال یکدیگر ایجاد نموده است.

در این هنگام که قسمت عظیم و دائم التزاید جامعه بشری معرض چنین ظلم و اجحاف و محلّ اینگونه تعدی و اعتساف واقع گردیده انسلاخ از تعصبات جنسیه که هادم بنیان انسانی است بهر صورت و نوع باید شعار جامعه بهائی و محور آراء و مجهودات یاران معنوی قرار گیرد در هر ایالت مقیم و در هر اجتماع داخل و در هر مرحله از عمر وارد و بهرگونه آداب مؤدّب و از هر قسم خصائص و اوصاف مستفیض و بهره‌مند باشند. این شیوه مرضیه باید همواره در کلیّه شئون و مظاهر حیات و خدمات و فعالیت‌های یاران در داخل جامعه و یا خارج از آن چه در مواقع خصوصی و چه عمومی

چه رسمی و چه غیر رسمی چه فردی و چه اجتماعی و یا بصورت مشخص تشکیلاتی
مانند

هیأت‌های امریه و لجنه‌ها و محافل روحانیّه مشهود و جلوه‌گر باشد . این امر فحیم
و مقصد جلیل باید بجمیع وسائل و وسائط موجوده و فرصتهای ممکنه متصوره که در
حیات

یومیّه افراد پیش آمد نماید هر قدر جزئی و خالی از اهمیّت باشد تقویت گردد و
بکمال دقت و ممارست مورد تأکید و تشویق واقع شود خواه چنین فرصت و موقعیّت در
کانون خانواده یا در مراکز کسب و کار یا در مکاتب و معاهد علمیّه یا در حفله‌های
اجتماعیّه و یا میادین بازی و تفریحات فکری و بدنی و بالأخره در احتفالات
امریه و کنفرانسها و انجمنهای شور و مدارس تابستانه و یا محافل مقدسه روحانیّه
چهره گشاید . این امر اساسی یعنی احتراز از تعصبات جنسیّه باید مقدم بر کلّ مفتاح
سیاست و خطّ مشی هیأت عالیّه‌ای قرار گیرد که اقداماتشان بعنوان نواب و وکلاء
جامعه و مدیران و گردانندگان امور سرمشق عموم و محرک و موجد تسهیلات برای تنفیذ
چنین اصل اصیل نسبت بحیات و فعّالیّت افرادی میباشد که هیأت مذکور نمایندگان و
حافظان منافع آنان شمرده میشوند . در این مقام جمال اقدس ابهی جلّ ذکره الأعلی
میفرماید " ای اهل بینش آنچه

از سماء مشیت الهیه نازل گشته علت اتحاد عالم و الفت و یگانگی امم بوده از اختلافات جنسیه چشم بردارید و کلّ را در پرتو وحدت اصلیه ملاحظه نمائید (۱)"

همچنین " مقصودی جز ارتفاع کلمه الله و اصلاح عالم و نجات امم نبوده و نیست "

" جمیع ملل باید در ظلّ امر واحد و شریعت واحد در آیند و جمیع ناس چون برادر مهرپرور گردند روابط محبت و اتحاد در بین ابناء بشر مستحکم شود و اختلافات و منازعات جنسیه و مذهبیّه کلّ محو و زائل گردد (۱)".

همچنین از فم اطهر حضرت عبدالبهاء این بیان رفیع صادر " جمال مبارک میفرماید اجناس و الوان مختلفه موجب جلوه و جلال و هم آهنگی عالم امکان است کلّ باید در این بوستان عظیم انسانی چون گل‌های رنگارنگ بنهایت الفت و اتحاد پرورش یابند و فارغ از هرگونه نفرت و اختلاف با یکدیگر دمساز و مألوف گردند (۱) " و نیز میفرماید " حضرت بهاء الله هنگامی مردم سیاه را بمردمک سیاه چشم که حول آن را سفیدی احاطه نموده تشبیه فرموده‌اند در این مردمک سیاه همواره انعکاسی از صور اشیاء که در برابر آن واقع مشاهده گردد و از آن رو انوار و تجلیات روح

ظاهر و نمایان شود (۱) " و در مقام دیگر مذکور " خداوند امتیازی بین سفید و سیاه نمیگذارد اگر قلوب پاک و مقدّسند هر دو نزد حقّ مقبول اند خداوند نظر بلون یا جنس افراد ندارد جمیع الوان نزد حقّ یکسان است خواه سفید خواه سیاه خواه زرد زیرا کلّ بصورت و مثال الهی خلق شده و جمیع آثار مختلف صنع یزدانی هستند ما باید باین حقیقت واقف و باین معنی متذکّر و متوجّه باشیم (۱) " و نیز میفرماید "

در ساحت قدس الهی جمیع نفوس یکسانند و در ملکوت عدل و انصاف رحمانی امتیاز و رجحانی برای احدی متصوّر نه (۱) " همچنین " خداوند این حدود و تقسیمات را خلق نفرموده بلکه این اختلافات و تمایزات مولود افکار محدودۀ بشری است و چون با مقصد و ارادۀ متعالیۀ الهیۀ مغایر و مباین وهم صرف و خطای محض است (۱) " " در پیش خدا سفید و سیاه نیست جمیع رنگها رنگ واحد است و آن رنگ عبودیت الهی است بو

و

رنگ حکمی ندارد قلب حکم دارد اگر قلب پاک است سفید یا سیاه هیچ لونی ضرر نرساند

خدا نظر بالوان ننماید نظر بقلوب نماید هر کس قلبش پاکتر بهتر

(۱) ترجمه

هر کس اخلاقش نیکوتر خوشتر هر کس توجّهش بملکوت ابهی بیشتر پیشتر الوان در عالم وجود هیچ حکمی ندارد " و نیز میفرماید " طیور و حیوانات مختلف اللّون ابدأً نظر برنگ نمی‌کنند بلکه بنوع نظر دارند حال ملاحظه کنید در حالتی که حیوان عقل ندارد ادراک ندارد با وجود این الوان سبب اختلاف نمیشود چرا انسان که عاقل است اختلاف می‌کند ابدأً سزاوار نیست علی‌الخصوص سفید و سیاه از سلاله یک آدمند از یک خاندانند ... پس اصل یکی است این الوان بعد بمناسبت آب و اقلیم پیدا شده ابدأً اهمیّت ندارد " " انسان واجد عقل و ایقان و صاحب بصیرت و عرفان و مظهر الطاف و مواهب حضرت یزدان است آیا سزاوار است افکار و تعصّبات جنسیّه در بین بشر ظاهر گردد و مقصد عظیم خلقت یعنی وحدت من فی الامکان را از جلوه و لمعان باز دارد (۱)"

" یکی از اصول مهمّه که در وحدت و تمامیّت نوع انسان مؤثّر است حصول الفت و یگانگی و ترک نفاق و بیگانگی بین اجناس سیاه و سفید است ما بین این دو دسته بعضی جهات توافق موجود و پاره‌ای موارد اختلاف

و تمایز مشهود و محسوس که مستلزم بذل دقت و اتخاذ تصمیمات متقابل و تدابیر عادلانه حکیمانه است موارد ارتباط و وحدت بسیار است ... در این کشور یعنی ایالات متحده امریک حبّ وطن متعلق به هر دو جنس است جمیع از لحاظ عضویت جامعه در صقع

واحدند بیک لسان متکلم اند و از مواهب و برکات یک مدنیّت بهره مند بیک دین متدین اند و بیک اصول معتقد و پای بند فی الحقیقه موجبات الفت و محبت و اتحاد و اتفاق از جهات کثیره بین این دو جنس موجود و حال آنکه یگانه مورد اختلاف و تباین مسأله لون است با این وصف آیا جائز است که این اختلاف جزئی علت افتراق گردد و این تفاوت مورث انشقاق و تجزی یک ملت و یک خاندان شود (۱) و همچنین مؤکداً میفرماید " این اختلاف صور و الوان که در عالم خلقت مشهود و بین کافه ممکنات موجود و محسوس مبتنی بر حکمت الهی و مشیّت بالغه سبحانی است (۱) " این تنوع در جامعه انسانی باید موجب محبت و یگانگی و مایه اتفاق و یکرنگی گردد بمثابه موسیقی که چون

(۱) ترجمه

الحن مختلفه ترکیب یابد و اصوات متنوعه مقترن و موزون شود نغمه بدیع فراهم آید و آهنگ دلپذیر آذان را متلذذ و محظوظ نماید (۱) " و نیز دوستان را باین بیان احلی نصیحت میفرماید قوله العزیز " اگر با افرادی از سایر اجناس و الوان برخورد نمائید نسبت بانان عدم اعتماد نشان ندهید و بتمامه بخود مشغول مگردید و بافکار و اذکار خود نپردازید بلکه بالعکس اظهار مسرت کنید و ابراز رضایت و عطوفت نمائید (۱) " " در عالم وجود اجتماعی مورد عنایت ربّ ودود است که افراد سفید و سیاه با نهایت الفت و و داد یعنی با روح الهی و وحدت آسمانی با یکدیگر محشور گردند و با عشق و علاقه سرشار و محبت و مودت بشمار امتزاج یابند و ارتباط حاصل کنند و چون چنین شود ملائکه علیین لسان بتحسین گشایند و جمال اقدس ابهی از ملکوت اعلی آن جمع متآلف را باین خطاب احلی مفتخر و متباهی فرماید طوبی لکم ثمّ طوبی لکم و چون محفلی مرگب از افراد این دو جنس انعقاد یابد آن محفل جالب

تأییدات ملاً اعلی گردد و جاذب الطاف و مواهب عالم بالا شود (۱) " و باز هر دو طبقه

یعنی سیاه

(۱) ترجمه

و سفید را باین بیانات عالیات نصیحت میفرماید قوله الکریم " نهایت اهتمام
 مبذول دارید و بجان و دل بکوشید تا این محبت استوار گردد و علائق دوستی و اخوت
 تحکیم پذیرد این موهبت رخ نگشاید و این موقیّت حاصل نگردد مگر با بذل همت و
 اعمال حسن نیت از هر دو طرف از یکطرف اظهار قدردانی و امتنان و از طرف دیگر
 ابراز مهربانی و تثبیت وحدت و برابری فی الحقیقه هر یک از طرفین باید طرف دیگر
 را در بسط و توسعه این منظور متقابله تقویت و مساعدت نماید ... و چون چنین شود
 الفت و یگانگی بین شما افزایش یابد و بالتّیجه موجبات تحقّق وحدت عالم انسان
 فراهم گردد زیرا حصول اتّحاد بین سفید و سیاه تضمینی برای استقرار صلح جهان و
 تشیید مبانی یگانگی در عالم امکان است (۱) " و نیز خطاب با افراد سفید میفرماید
 " امیدوارم که شماها سبب شوید که این جنس ذلیل عزیز شود و با سفیدها بنهایت صدق
 و وفا و محبت و صفا خدمت نماید این ضدّیت و اختلاف و این عداوت و اعتساف که در

میان سیاه

(۱) ترجمه

و سفید است جُز بایمان و ایقان و تعالیم مبارک زائل نگردد " و بالأخره بموجب این بیان اتمّ اقوم توجّه اهل عالم را بمقام و اهمّیت این امر خطیر معطوف میدارد قوله العزیز " این قضیّه اتّحاد سیاه و سفید بسیار مهمّ است و اگر حصول نیابد عنقریب مشکلات عظیمه حاصل گردد " و نیز میفرماید " اگر کار بر این منوال بماند روز بروز این عداوت ازدیاد یابد و عاقبت مورث مضرّات کلّیه شود و سبب خونریزی گردد "

اگر بخواهید در این عصر تاریک اعمال و رفتار و گفتار و احساسات شما از روح امر و تعالیم جمال اقدس ابھی حکایت نماید باید هر دو دسته یعنی سیاه و سفید متّحداً و متّفقاً سعی و همّت فراوان مبذول دارید و این فکر خطا و اندیشه ناصواب یعنی تفوّق و برتری جنسی را با شرور و مفسد حتمیّه آن یکباره برکنار نهید و آمیزش و امتزاج و تحبیب و تألیف اجناس را تشویق کنید و ترغیب نمائید هر پرده و حجابی که این دو فرقه را از یکدیگر دور و متباعد نماید مرتفع سازید

و هر حدّ و سدّی را که مانع ایتلاف و اتّحاد واقعی آنان گردد از پیش پا براندازید
شب و روز آرام نگیرید و روز و شب نیاسائید تا مسؤولیت عظیم و تکلیف شدید خویش
را در قبال این وظیفه مشترک و خطیر که باشد صولت و هیبت متوجّه یاران الهی است
انجام دهید و در این سبیل جهد مشکور و همّت موفور مجری دارید . افراد دوستان که در
حلّ این مسأله معضل و حیاتی شریک و سهیم اند باید اندازات حضرت عبدالبهاء روح
الوجود لمظلومیته الفداء را نصب العین خویش قرار دهند و تا فرصت باقی است اقدام
سریع معمول دارند و اثرات مولمه و خیمه‌ای را که در صورت عدم تعدیل اوضاع و اصلاح
احوال دامنگیر کافّه ملت امریک خواهد گردید در نظر مجسم سازند .
افراد سفید باید با عزم جزم و تصمیم خلل ناپذیر در رفع این مشکل عظیم بکمال جهد
و اهتمام اقدام و حسّ افضلیت و رجحان را که در وجود آنان مخمّر گردیده و یا در
مواردی خالی از توجه و التفات ابراز میشود بالمره ترک نمایند و این تصوّر و
احساس را که نسبت با افراد سیاه سمت سرپرستی و قیادت داشته و باین لحاظ باید آنان
را تحت جناح و قیمومت خویش قرار دهند اصلاح کنند و در اثر مصاحبت صمیمانه و
فارغ از هرگونه شائبه تکلف و تصنع آنان را بخلوص نیّت و محبّت و صمیمیت
حقیقیّه خویش معتقد و متقاعد سازند .

و چنانچه از طرف مردمی که در مدتی بس طولانی و بعید قلوبشان جریحه دار گشته و مرهم مؤثری بر زخم آنان نهاده نشده جلب و جذب کمتری مشهود گردد بی صبری ننمایند و دامن حلم و اصطبار را از دست ندهند. سیاهان نیز باید بنوبه خویش قدم فراتر نهند و بجمیع طرق و وسائلی که در اختیار آنان موجود عشق و علاقه خویش را در قبال روابط جدیده بمنصه ظهور رسانند و عملاً اثبات کنند که حاضراند گذشته را فراموش و هر سوء ظن و اغبرار خاطری را که هنوز احیاناً در زوایای قلوب مستور و مکنون محو و زائل نمایند. ضمناً هیچیک از طرفین نباید تصور کنند که حلّ چنین معضل خطیر منحصراً مربوط باقدام و از حدود تکالیف دسته مقابل بوده و یا آنکه وصول باین منظور امری سهل و سریع الحصول است. همچنین نباید این فکر بر خاطرشان خطور نماید که برای اصلاح این منقبت باید منتظر زمان و مترصد فرصت باشند تا بدو در عالم خارج و بوسیله عواملی ماوراء دایره امر الله و تعالیم دین الله قدم مساعدی برداشته شود و اوضاع و احوال موافقی رخ گشاید آنگاه بانجام این مهم مبادرت نمایند و بهمان قرار نباید تخیل کنند که هیچ امری جز محبت خالص و صبر و شکیبائی تام و خضوع و خشوع حقیقی و اتخاذ تمهیدات بالغه و توسل بذیل حکمت و متانت و بذل همت و استقامت توأم

با ادعیه و مناجات بساحت قدس حضرت قاضی الحاجات میتواند این نقیصه مهم و عیب

آشکار که نام نیک وطن و کشور مألوفشان را لگه دار نموده منتفی سازد بلکه باید بجان و دل باین حقیقت مؤمن و مدعن گردند که صرفاً حسن تفاهم متقابل و ابراز محبت و معاضدت مستمر و مداوم آنان است که بیش از هر قوه و اجتماعی خارج از نطاق امر الله میتواند جریان مخاطره آمیزی را که حضرت عبدالبهاء پیوسته نهایت اضطراب و نگرانی خاطر نسبت بآن اظهار میفرمودند منحرف سازد و آمالی را که وجود اقدسش برای همکاری و اشتراک مساعی آنان در راه تحقق مقدرات درخشان آن سرزمین در دل و جان می‌پرورانید بحیز ظهور و ثبوت رساند .

یاران عزیز و محبوب صحت و صداقت و راستی و حقیقت که در جمیع شئون و مظاهر خویش

با خدعه و فساد و معرف حیات سیاسی ملت و احزاب و شعوب مرکبه آن مباین و معارض همچین تنزیه و تقدیس که با تزلزل اصول اخلاقی و عدم توجه بمبادی روحانی که دامنگیر قسمت عظیمی از افراد کشور گردیده شدیداً مخالف و مغایر و بالأخره الفت و اتحاد بین اجناس متنوعه که از لوث تعصبات جنسیه نشانه بارز اکثریت فاحش توده ناس بالمره مقدس و مبری است جمیع بمنزله

سلاح قاطعی است که یاران امریک باید در جهاد مضاعف خویش یعنی در مقام اول تجدید

حیات داخلی جامعه و در ثانی مقاومت و مبارزه با شرور و مفسد دیرینه که در عروق و شرائین هیأت اجتماعیّه نفوذ نموده است بکار برند . تکمیل سلاحهای مذکور و استعمال مؤثر و حکمت آمیز هر یک از آنها بنفسه لئفسه لئفسه بیشتر از پیشرفت و تقدّم هر نقشه خاصّ و یا اتخاذ هر طرح مشخصّ و یا تجهیز و تأمین هر مقدار از منابع مادّی میتواند جامعه یاران را برای موقعی آماده و مهیّا سازد که ید تقدیر آنان را در ابراز مساعدت نسبت با استقرار و تنفیذ نظم بدیع جهانی که هم اکنون در صدف نظم اداری امر الله مخزون و مکنون است هدایت و رهبری خواهد نمود .

در اقامه این جهاد مضاعف مبارزین سلحشوری که در سبیل نام و امر مقدّس حضرت بهاء الله قدم در میدان خدمت نهند قهراً با موانع شدید مواجه و با مشکلات و محظورات کثیره که سدّ راه و حاجز طریق است مقابل خواهند گشت در این مقام است که نحوه استقبال و استعداد افراد جامعه و چگونگی قیام و اقدامشان باید مورد توجه و امعان نظر قرار گیرد و منع و تعرّض عوامل محافظه کار همچنین مخالفت اصحاب ذی نفع با تصمیم قاطع مقاومت شود و اعتراضات نسل حاضر که

بمشتهیات نفسانیّه مألوف و درگرداب رذائل غوطه ور و مستغرقند کاملاً منهزم و مغلوب گردد . بلی چون اقدامات یاران برای دفاع و مبارزه‌ای که در پیش است متشکل گردد و دامنه آن بسط و اتّسع حاصل نماید طوفانهای شدیدۀ طعن و لعن در حرکت آید و اعلام تکفیر و تدمیر علیه آنان مرتفع شود و روزی درخواهند یافت که حریم مقدّس دین الله مورد هجوم و رجوم اعدا واقع مقاصدشان تعبیر و اهداف و مآربشان تکذیب و افکار و آرائشان تحقیر و مشروعات و مؤسّساتشان تحریم و قدرت و نفوذشان تضعیف و حقوق و اختیاراتشان تزییف خواهد گردید و در پایان پاره‌ای عناصر که یا از درک حقیقت گرانبھائی که در دست دارند ذاهل و یا از تحمّل ضربات و لطمات متکاثره‌ای که چنین مبارزۀ شدید قطعاً در برخواهد داشت عاجز و قاصر مشاهده میشوند حصن حصین امر الله را ترک خواهند نمود و این درّ ثمین را به ثمن بنخس از کف خواهند داد . در این مقام مولای عظیم و کریم با اخبار از وقایع مدهشۀ آتیه میفرماید قوله العزیز " بسبب عبدالبهاء بسیار امتحان خواهید یافت و زحمت و رنج خواهید دید " .

حال جنود مجتهد حضرت بهاء الله که در عالم غرب در یکی از مراکز پر عظمت و صحنه های پرمخافت و مهابت بخاطر نام و امر مقدس حضرتش بیکی از شدیدترین و پرافتخارترین مجاهدات مآلوفند نباید از هیچ مخالفتی مأیوس شوند و از هیچ مقاومت و ممانعتی افسرده و مخمود گردند هرگز از مفتریات مفتترین و معاندت معاندین که لسان به تنقید گشوده و مآرب سامیه یاران را در انظار کوچک و حقیر قلمداد نمایند آزرده نشوند و از منهج قویم و صراط مستقیم منحرف نگردند از تهدیدات متعصبین و تسویلات و دسائس مغلین که از هر جهت جامعه مظلوم را احاطه نموده نهراسند و مضمار خدمت را وا نگذارند چون جبلِ راسخ باشند و بمثابه طوقِ باذخ . اعتراض و مخالفت بذاته لذاته منادی آئین الهی است و انتقاد و مخاصمت مُمدّ و مؤید شریعت رحمانی عدم شهرت و مقبولیت امتیاز و اعتلاء امر الهی و نصرت و غلبه تعالیم ربّانی را بر افکار و احساسات بشری محسوس تر و لائح تر جلوه دهد و نفس دفع و منع چون قوه جاذبه الدّ اعداء را منقلب و منجذب نماید و در دایره امر الله وارد سازد انّ القضاء مؤیدٌ لهذا الامر و البلاء معینٌ لهذا الظهور . هم اکنون در سرزمینی که صحنه محاربات شدیدة دین الله و مرکز تجمع دشمنان حریص و پرکین شریعة الله بوده جریان حوادث و نفوذ تدریجی و مستمر تعالیم الهی

و تحقیق و عود و بشارت یزدانی موجب آن شده که نه تنها جمعی از اشدّ خصماء را خلع سلاح نموده و از مراتب بغض و عداوت آنان کاسته است بلکه پاره‌ای از عناصر مذکوره را در حلقهٔ آئین ربّانی وارد و باعثناق حقیقت فائضهٔ سبحانی و استظلال در ظلّ کلمه رحمانی مفتخر و متباهی گردانیده است. بدیهی است چنین تحوّل شدید و تغییر و انقلاب عظیم هنگامی ممکن است متحقق گردد که عواملی که دست قدرت یزدانی آنان را

برای ابلاغ پیام خویش بگرسنگان و بیچارگان و جمعیت‌های بیشمار که فاقد سرپرست و قائد مهربانند مبعوث فرموده بنفسهم از لوث نواقصی که خود در مقام اصلاح و تعدیل آنند منزّه و مبرّی باشند.

با توجه بمراتب مذکوره یاران الهی را کبین سفینه حمراء و مستظّلین شریعت سمحاء در قارهٔ امریکا را بکمال اشتیاق مخاطب ساخته اهمیت و عظمت وظیفه مقدّسی را که عهده دارند تأکید و تثبیت مینماید و امکانات بیشمار را که چنین وظیفهٔ متعالی نسبت بارتقاء حیات و فعالیت افراد جامعه بهائی در برداشته بلکه اعتلاء اصول و موازین حاکمه بر روابط موجوده بین ابناء آن سرزمین را نیز بنحو اتمّ و اکمل تضمین می نماید متذکّر میگردد و مطمئن و متیقّنم که آن جامعهٔ عزیز بدون آنکه از هیبت

و شدت این تکلیف شدید مرعوب و از تلونات و تطورات زمان خائف و هراسان گردند
 بنحو شایسته قیام و با شدائد ایام مقابله خواهند نمود ایامی که مشحون از
 مخاطر و مفسد قویّه و در عین حال آبستن آتیه ای بس درخشان و عظیم است آتیه ای که
 هیچیک از اعصار ماضیه تاریخ با رفعت شأن و علو مقام و جلوه و جلال آن رقابت
 و همسری نتوانست نمود .

دوستان عزیز در آغاز این اوراق شمه ای از فرصتهای بدیع و جلیل همچنین مسئولیتهای
 عظیم و خطیری که در اثر حملات و تضییقات وارده نسبت بامر مقدّس حضرت بهاء الله
 در چنین مرحله حسّاس از عصر تکوین امر بهائی و هنگام دقیق و پرتلاطم از تاریخ
 حیات بشری در قبال جامعه بهائی امریک قرار گرفته تبیین و بقدر مقدور نحوه
 رسالت و مأموریتی که بحکم اوضاع و احوال باید در فاصله بالنسبه قلیل اتخاذ
 و بمورد عمل و اجرا گذاشته شود تشریح و توجه آن خدّام ملکوت بآنچه که در نظر
 این عبد برای معرفت و تحقّق کامل وظایفی که در پیش دارند لازم و ضروری شمرده میشد
 معطوف گردید و باز تا آن درجه و میزان که در قوه این بنده آستان بود خصائل و
 ملکات فاضله و شئون و اوصاف شاخصه ای که تدارک آن صعب ولی از لوازم اساسیه
 موفقیت یاران در انجام

وظائف مذکوره است تذکر داده شد . اینک باید کلمه‌ای چند راجع بنحوه اجراء و تمشیت وظیفه فوری و مهمی که در دست اقدام است بیان گردد وظیفه‌ای که نه تنها ظهور مراحل بعدی فرمان تبلیغی حضرت عبدالبهاء باختتام موفقیت آمیز آن در میقات مقرر موکول و مربوط بلکه شمول تأیید و حصول قدرت و موهبتی که انصار شریعت الله را در زمان آخر با یفاء رسالت اعظم و انجام مأموریت اکرم افخم منزله از سماء مشیت مالک قدم مفتخر و متباهی خواهد ساخت از نتایج و ثمرات مترتبه بر آن بشمار میاید .

نقشه هفت ساله متضمن دو اصل مهم یعنی انجام تزیینات مشرق الاذکار و بسط و توسعه فعالیت تبلیغی در دو قاره امریکای شمالی و جنوبی اکنون مدارج ثانویه یعنی دومین سال افتتاح خویش را طی مینماید و در انظار نفوسی که پیشرفت و تقدّم آن را در شهر اخیر ملاحظه نموده آثار و علائم موفقیت که مایه تسریر قلوب و تزئید مراتب اطمینان نسبت به تحقق کلیه اهداف نقشه در تاریخ مقرر است از هر جهه متجلی و مشهود است . اقدامات و تمهیدات لازم بمنظور تسهیل و تقویت امور مربوط به تکمیل تزیینات خارجی آن معبد سرمدی الآثار قسمت اعظم آن متتابعاً مترادفاً

اتخاذ و مرحله اخیر که مبشر اتمام مظفرانه این مشروع سی ساله است وارد میدان عمل گردیده قرار داد اولیه راجع بطبقه اول و اصلی این بنای تاریخی بامضاء رسیده و صندوق مخصوص بنام خانم محبوب اهل بهاء حضرت ورقه مبارکه علیا تأسیس و بدین ترتیب ادامه انقطاع ناپذیر این امر خطیر تا آخرین نقطه اختتام تضمین و تأمین پذیرفته است . یقین است خاطرات پرشور و هیجان ذات مقدسی که قلبش از ملاحظه ارتفاع این معهد جلیل و معبد عظیم مالامال فرح و شادمانی مشاهده میگشت مساعی نهائی را که برای تشیید این بنیان رفیع بابدع وجه و احسن طراز لازم و ضروری است تقویت و تأیید خواهد نمود بنحوی که در خاطر احدی نسبت بقدرت و موفقیت بانیان این صرح مشید و تکمیل و تنفیذ این وظیفه منیع بنحو اعلی و اجل کمترین شائبه ظن و تردید باقی نخواهد ماند .

حال موقع آنست که جنبه تبلیغی نقشه را در نظر گرفت و درباره آن تمعن و تفرس نمود حدود و ثغورش را مطالعه کرد و لوازم و حوائجش را مورد دقت قرار داد و خود را برای اجراء شرایط و موجبات آن آماده و مهیا ساخت . در این مقام لازم است مشرق الأذکار اولین معبد بهائی در عالم غرب که جلال و عظمتش جالب انظار ابعادش قویم و جسیم و هندسه اش بدیع و اصیل و آمال

و اهدافی که آن مشروع فخیم معرّف و مبین آن است بس عزیز و شریف جهت ابلاغ دین الله و انتشار کلمه الله بنحو وسیعتر و مؤثرتری تلقی گردد و از این لحاظ بمنزله یکی از تأسیسات اداری امر الله که ناشر حقایق رفیعه و مروج اصول و مبادی متعالیه این آئین اقدس اعظم محسوب شمرده شود .

یاران امریک باید من بعد افکار خویش را بکمال همت و مراقبت در انجام تعهدات تبلیغی از نقشه هفت ساله محصور نمایند و اعضاء و اجزاء جامعه کثله واحده در اجراء این مقصد اعزّ اعلی قیام کنند . تبلیغ امر الله و نشر نفحات الله و ابلاغ حقایق روحانیّه و دفاع از مصالح عالیّه امریّه و اثبات علویّت و حقانیت کلمه جامعه رحمانیّه باقوال و اعمال همچنین اثبات لزومیت محضه و قدرت و قوت کامله و عمومیت و جامعیت تامّه قاطعه شریعه الله نباید در هیچ برهه ای از زمان وظیفه خاصّ و امتیاز مخصوص و منحصر مؤسّسات اداری امر الله اعمّ از محافل روحانیّه و یا لجنه های مخصوصه تلقی گردد بلکه باید جمیع در این وظیفه عظیمه شرکت نمایند هر چند اصل و نسبشان حقیر و تجاربشان محدود و بضاعتشان مزجاة

و معلوماتشان یسیر و مشاغل و غوائلشان فوری و کثیر و محیط زیست و اقامتشان نامساعد و غیر مطلوب باشد . حضرت بهاء الله بنفسه المقدسة عن الكائنات راجع باین امر جلیل یعنی تبلیغ امر الله و اعلاء کلمة الله بنحو اکید میفرماید قوله جلّ کبريائه " قد كتب الله لكلّ نفسٍ تبليغ امره " همچنین " يا ملأ البهاء بلّغوا امر الله لانّ الله كتب لكلّ نفسٍ تبليغ امره وجعله افضل الأعمال " .

چنانچه در صف مؤمنین و پیروان امر الله فردی واجد درجات و مراتب مخصوصه و یا حائز شئون و مقامات مشخصه باشد نفس این مقام و موقعیت بلا تردید مسئولیتی متوجه فرد مذکور میسازد که نمی تواند حقاً نسبت بانجام فریضه روحانیّه خویش یعنی قیام بامر مبرم تبلیغ و نشر نفحات ربّانیّه کوتاهی نماید بلکه احراز اینگونه مراتب و موقعیتهای در بسیاری از موارد فرصت بیشتر و تسهیلات و موجبات وسیعتری جهة صاحبان آن فراهم میسازد که به همت و استقامت تامّ با بلاغ کلمه الهیه و جلب انظار به عظمت و اهمیّت تأسیسات امریه پردازند . مع الوصف وجود این عوامل بهیچوجه من الوجوه مستلزم اعمال قوه ای شدیدتر و نفوذی فزونتر بر

افکار و قلوب مردمی که امر الله بآنان ابلاغ میشود نبوده و نخواهد بود. چه بسا مشاهده شده و شواهد بسیار جلی و نمایان در صفحات تاریخ این شرع اعظم موجود که در صدر امر در سرزمینی که منبت سدره مبارکه و مصدر و مطلع این نور اتم اکرم بوده نفوسی از اصحاب اولیّه که بظاهر در نهایت فقر و مسکنت مشهود مدرسه ندیده تجربه نیاندوخته و صاحب هیچگونه امتیاز و مقام مخصوص نبوده بلکه در بعضی موارد فاقد هوش و استعداد سرشار و عاری از نبوغ و فطانت ممتاز شمرده میشدند در میدان خدمت بفتوحات عظیمه ای نائل گردیده که موقّیتهای اعقل و افضل عناصر جامعه در مقابل جلوه و ضیاء آن بی نور و فروغ مشاهده میشده است.

حضرت عبدالبهاء روح الوجود لرمسه الأظهر فداء میفرماید " پطرس نیز بحسب تاریخ کلیسا حساب هفته را نمیتوانست نگاه دارد وقتی میخواست بصید ماهی برود هفت بسته غذا می بست هر روز یکی را میخورد چون آن هفتمین را میخورد میدانست روز سبت است آنوقت میامد سبت را نگاه میداشت ". حال چنانچه پسرانسان

میتوانست نفسی بظاهر ساده و ناتوان را بنفثات روح القدس چنان تأیید نماید و قدرت و توانائی بخشد که از لسان قدم به بیان " جری مِنْ فَمِهِ اسرارُ الحِکْمَةِ وَ الْبَيَانِ " مفتخر گردد و شأن و مرتبت وی را اعلی و اجلّ از سایر حواریّون مقرر و او را شایسته احراز مقام رفیع وصایت و مؤسس کنیسه مسیحیت مشخص نماید معلوم است پدر آسمانی یعنی وجود مقدّس حضرت بهاء الله چگونه ممکن است اضعف ناس را در بین بندگان خود برای تنفیذ مقصد متعالی خویش مبعوث و بامور عظیمه ای موفق فرماید که اجلی و اشرف توفیقات سابقین حتّی خدمات اول و اقدم حواری حضرت روح در مقابل آن کوچک و حقیر شمرده شود .

در مقام دیگر این بیانات عالیات از کلک اطهر مرکز عهد و میثاق الهی صادر قوله العزیز " حضرت اعلی روحی له الفداء میفرماید : " لو ارادت نملهُ ان تفسّر القرآن من ذکر باطنه و باطن باطنه لتقدر لأنّ السّرّ الصّمدانیّة قد تلجلج فی حقیقة الکائنات " چون مور ضعیف را چنین استعداد لطیف حاصل دیگر معلوم است که

در ظلّ فیوضات جمال قدم روحی لاجبّائه الفداء

چه عون و عنایت حاصل گردد و چه تأیید و الهام متواصل شود " .
 فی الحقیقه میدان خدمت چنان وسیع و ایام بدرجه ای خطیر و امر الله بشانی عظیم
 و خدام آستان بپایه ای قلیل و فرصت بحدی کوتاه و قصیر و افتخارات بمیزانی جلیل
 و پربها است که احدی از پیروان امر حضرت بهاء الله که خود را قابل انتساب
 بآستان مقدس الهی شمارد لحظه ای تأمل و تردید بخود راه ندهد و دقیقه ای در
 انجام وظایف روحانیّه خویش توقّف ننماید . قوه قدسیّه الهیه که سطوت و عظمتش
 مهیمن بر کلّ و قدرت و اقتدارش ماوراء احاطه و احصاء عباد و تصرفات عجیبه اش
 خارج از حیطة تصوّر و ادراک و تقدّم و تحرکش مستمدّ از تأییدات غیبیّه
 الهیه و آثار و مظاهرش حیرت بخش عقول و افهام بشریّه قوه ای که حضرت اعلی روح
 الوجود لرشحات دمه الأطهر فداء در آثار مقدّسه به بیان " قد تلجلج فی حقیقه
 الكائنات " توصیف و جمال اقدس ابهی جلّ ذكره الاعزّ الأعلی آن را حقیقت فائضه
 عظیمه ای که نظم عالم و نظام امم را مضطرب و منقلب ساخته تجلیل و تکریم فرموده
 است بقوله الکریم " قد اضطرب النّظم من هذا النّظم الأعظم و اختلف التّرتیب بهذا
 البدیع الّذی

ما شهدت عين الأبداع شبهه " چنین قوه قاهره ازلیه که در هویت این امر عظیم و بطون این دین مبین مکنون و مخزون بمنزله سیف دودم از یک جهت در مقابل دیدگان بشر روابط عتیقه و ضوابط بالیه منسوخه را که طی قرون و اعصار تار و پود جامعه متمدن عالم را بهم پیوسته متلاشی ساخته و از جهت دیگر قیود و علائقی را که هنوز موجود و امر نوزاد الهی را از تقدّم و حرکت سریع باز داشته است منقطع میسازد امر مقدّسی که تا زمان حاضر از ادیان و شرایع ماضیه انفصال نیافته و رسمیت و استقلال تامّ حاصل ننموده است . حال یاران امریک باید قیام عاشقانه نمایند و از فرصتهای بدیعه بهیه که چشم ابداع شبه و مثل آنرا مشاهده ننموده و قوه خلاقه الهیه از حیز غیب بعرضه شهود آورده است بکمال همت و ثبات قدم استفاده نمایند . حضرت عبدالبهاء روح الوجود لرمسه الاطهر فداء میفرماید " الیوم حقائق مقدّسه ملأ اعلی در جنّت علیا آرزوی رجوع باین عالم مینمایند تا موفّق بخدمتی به آستان جمال ابهی گردند و بعبودیت عتبه مقدّسه قیام کنند " .

اکنون در مقابل دیدگان بشر عالمی مشاهده میشود که بعلت اطفاء انوار دیانت تاریک و در چنگال قوای مدهشه تعصبات مفرطه وطنیه گرفتار و در نیران مظالم جنسیه و دینیّه

سوزان

وگدازان و در تیه افکار و آراء مضلّه و نظرات و عقائد باطله سخیفه که جای‌گزین پرستش خداوند یگانه و تقدیس و تکریم سنن و احکام مقدسه رحمانیه گردیده حیران و سرگردان و در گرداب علائق مادّیه که یوماً فیوماً در گسترش و نفوذ مستغرق و نالان و در بیداء مفساد اخلاقیّه و تزلزل مبادی روحانیّه که دایره آن رو به بسط و اتّسع است بی‌ملجأ و امان و در میدان منازعات و کشمکشهای اقتصادی افتان و خیزان . این اوضاع و احوال مولود انقلاب و تحوّل عظیمی است که در عالم وجود گشته و خود از مقتضیات طلوع نظم اعظم الهی و ظهور قوه دافقه صمدانی است که با آنکه هنوز در مراحل اولیّه نشو و ارتقاء خویش سالک حیات من فی الامکان را منقلب و انظمه سقیمه باطله را مضطرب و دگرگون ساخته است .

چنین منظره حزین و تأثر آمیز که هر ناظر غافل و بی‌اطلاع از مآرب حقیقیّه و عود و بشارات بهیّه شارع مقدّس این شرع ابدع افخم را دچار وحشت و حیرت شدید خواهد نمود نه تنها در افئده محبّان و پیروان امر اقدسش علّت حدوث خوف و هراس نخواهد گردید و مساعی آنانرا تضعیف و تهدید نخواهد نمود بلکه موجب مزید اشتعال و انجذاب و علّت تقویت ایمان و ایقان مستظّلین در

ظّلّ لوای حضرت رحمان خواهد گردید که با شوق و انبساط بی پایان در میدان وسیعی که کلک مقدّس مرکز عهد و پیمان برای آنان ترسیم فرموده داخل شوند و بقدر قدرت و استطاعت در استخلاص عالم انسان بنحوی که حضرت بهاءالله معلّم و مربّی عالم امکان مقرر فرموده بذل کوشش و اهتمام نمایند . جمیع شئون و مراتب دستگاه اداری که طیّ سنین متمادی با زحمت و مراقبت فراوان و جهد و استقامت نمایان تأسیس گردیده کلّ باید بحرکت آید و در خدمت هدف و مقصد مقدّسی که برای تحقّق آن بوجود آمده بکار افتد . مشرق الأذکار آن بنیان رفیع الشّان نیز که مظهر جلیّ و درخشنده روح خلوص و همّت و جانفشانی و مجاهدت یاران راستان خادمان امر حضرت رحمن است باید سهم خود را در تنفیذ و اجراء نهضت تبلیغی که بعون و عنایت الهی نیمکره غربی را بتمامه در بر خواهد گرفت ادا نماید .

و نیز باید فرصتهای گرانبھائی که انقلاب و التهاب عصر حاضر در دسترس یاران الهی میگذارد مع جمیع احزان و آلام و شدائد و اسقام و خوف و دهشت و انزجار و نفرت و عصیان و طغیان و اسف و حسرت و تلاش در راه آزادی و خلاص مورد استفاده واقع گردد

و بهمان قرار در سبیل اعلام و اشاعه قوّه ناجیه امر حضرت بهاء الله در جمیع
 اقطار و استظلال مقبلین جدید در ظلّ شریعة الله و دخولشان در صفوف دائم
 الأتّساع امر الله بکار افتد . فی الحقیقه برای ابلاغ کلمه الهی و نشر نفحات
 سبحانی چنین فرصت جلیل و موقع مساعد و فنخیم هرگز رخ نخواهد گشود زمان زمان قیام
 است و یوم یوم کفاح و اقدام . یاران امریک علمداران جند هدی و قائدان جیش عمرم
 حضرت کبریا باید بوسائل و وسائطی که نظم اداری امر الله برای آنان فراهم
 ساخته استعداد و شایستگی خویش را در نجات نسل رنجدیده و خسته و افتاده کنونی که
 علم خلاف علیه قدرت پروردگار برافراشته و نصائح و اندازات ناصح امین را بدیده
 ناچیز نگریسته بمنصّه ظهور رسانند و امنیّت و رفاه و سعادت و آسایشی را که صرفاً
 در ظلّ ظلیل امر الله و تحصّن در حصن حصین کلمة الله حاصل خواهد گردید در
 اختیار آنان بگذارند خفتگانرا از کابوس ثقیل نجات دهند و تشنگانرا از میاه
 تعالیم بدیعه که از سماء هوّیه در هطول و نزول است سیراب نمایند .
 علیهذا نهضت تبلیغی که در سراسر ایالات جمهوری امریکای شمالی و کشور کانادا
 آغاز و قدم در مرحله عمل و اقدام نهاده است وسعت و عظمت خواهد یافت و اهمیّت و
 قاطعیّت

حاصل خواهد نمود بنحوی که فوق آن قابل تصوّر نه . این نهضت مقدّس که در اثر قوای خلاقه منبث از اراده متعالیه مرکز عهد اقوم اتقن قدم بعرصه وجود نهاده و نیمکره غربی را به نیروی محرکه خویش فراگرفته است باید طبق پاره‌ای اصول و قوانین و شئون و موازینی اداره گردد که تنفیذ کامل و مؤثر اهدافش را تأمین و نیل بمآرب و مقاصدش را بنحو اتمّ و احسن تسریع نماید .

نفوسی که برای تمشیت چنین نهضت قویم و تحقّق این مقصد فخیم قیام نموده‌اند خواه در عداد مؤسّسین و متشکّلین و یا ارکان و اعضائی که اجراء این امر خطیر بعهدّه آنان محوّل گردیده کلّ باید در قدم اوّل بمنظور موقّعیّت در انجام وظیفه مرجوعه خود را بجهات مختلفه تاریخ و مبادی این شرع کریم و نبأ عظیم آشنا سازند و برای حصول این مقصود و توفیق در این مرام آثار امریه را بنفسه مطالعه و تعالیم رحمانیه و اصول و احکام مقدّسه را تحقیق و تدقیق نمایند و نصایح و انذارات و اشارات و بشارات منزله از قلم حضرت احدیه را تأمل و تدبّر کنند و بعضی از بیانات و ادعیه الهیه را در خاطر سپارند و نظامات اداری را کاملاً فراگیرند و خود را با تطوّرات و تحوّلات و پیشرفتهای و حوادث جاریه امر الله مانوس و مألوف سازند و نیز باید سعی نمایند که از منابع موثّق

و محلّ اعتماد که عاری از اغراض خصوصیه و آراء و مآرب شخصیه تدوین شده باشد عرفان کامل و دقیق نسبت باساس و تاریخ دیانت اسلام مصدر و مطلع این امر ابداع اعظم حاصل نمایند و با روحی فارغ از افکار و توهمات قبلیه قرآن کریم را که گذشته از آثار مقدسه حضرت باب و حضرت بهاءالله یگانه کتاب آسمانی و مصحف ربّانی و مخزن کلمات الهی است که از هرگونه تصرف و تبدل مصون و محفوظ مانده و مورد ثقه و اعتماد کامل میباشد با رعایت احترام و تکریم مورد فحص و تحقیق قرار دهند همچنین در شئون و احوالی که مستقیماً باصل و پیدایش آئین مقدس بهائی مربوط است امعان نظر کنند و مقامی که از طرف مبشّر اعظم این امر اقدس دعوی شده همچنین اوامر و نصوصی که از قلم مُلهم مظهر مقدس سبحانی و شارع شریعت رحمانی در این دور اعزّیزدانی عزّ نزول یافته کلّ را بکمال صحّت و اتقان بشناسند و بمعرفت و ایقان کامل پی برند .

حال چون این شرایط و مقتضیات مبانی ارکان آن تمهید گردید و لوازم و موجبات سبقت و تقدّم در میادین تبلیغ فراهم آمد هر هنگام اقدام و رسالت مخصوصی نسبت بممالک لاتین در نظر گرفته شد باید بقدر مقدور در السنه‌ای که در آن ممالک و بلدان معمول است

واهالی بدان تکلم می نمایند معلومات کافی بدست آورند و از سنن و آداب و رسوم و عادات و مسالک و مشارب آنان اطلاعات و سوابق لازم تحصیل کنند .
حضرت عبدالبهاء روح الوجود لعنایاته الفداء در یکی از الواح مقدسه تبلیغی با اشاره بجمهوریات امریکای مرکزی میفرمایند " همچنین نفوسی که بآن صفحات میروند باید بلسان

اسپانیولی مألوف باشند " و در لوح دیگر مذکور " جمعی زبان دان ... توجه بسه دسته جزایر عظیمه دریای پاسیفیک ... نمایند " و نیز میفرماید " مبلغین که باطراف میروند باید لسان هر مملکتی که داخل میشوند بدانند مثلاً نفسی که در لسان ژاپون ماهر بمملکت ژاپون سفر نماید نفسی که در لسان چینی ماهر بمملکت چین بشتابد و علی هذا المنوال " .

این فکر نباید در مخیله هیچیک از شرکت کنندگان نهضت تبلیغی بین القارات امریک خطوط نماید که مبادرت نسبت بهرگونه اقدام و فعالیت راجع باین امر جلیل صرفاً بعهدۀ محافل و دوائر امریه و بطور کلی مراجع و مقاماتی است که توجه مخصوص آنان معطوف بتمهید طرق و تهیه و تأمین وسائل برای فوز باین هدف عظیم از نقشه بدیعه هفت ساله است بلکه این تکلیف

شدید و وظیفهٔ خطیر متوجهٔ هر یک از یاران امریک امنای صدیق و با وفای فرمان
ملکوتی حضرت عبدالبهاء است که باید رجلاً و نساءً هر امری را که برای پیشرفت و
استحکام نقشهٔ منظوره در حدود و اصول و مبادی اداری امرالله مقتضی شمارند اقدام
نمایند و هر طریقی را لازم دانند تعقیب کنند و در اجراء آن کمال سعی و اهتمام
مبذول دارند. در این مقام وجود منابع مادی و استعدادات ذاتی و معلومات و تجارب
اکتسابی هر چند بنفسه ممدوح و مقبول ولی فقدان عوامل مذکوره همچنین ملاحظهٔ
اوضاع

و احوال آشفتهٔ جهان نباید هیچ مهاجر مجاهد و عنصر شایق و آماده بخدمت را از قیام
بامر تبلیغ و بتّ تعالیم رحمانیه باز دارد و از تصرف قوای لا ریبیّه الهیه
که مولای عظیم و کریم ما را بدان مطمئن و متیقن فرموده‌اند محروم سازد قوای
غیبیه‌ای که چون بحرکت آید مانند مغناطیس جاذب تأییدات ربّانیه و جالب الطاف
و توفیقات موعودهٔ صمدانیه است. در این سبیل احدی منتظر دستور نشود و مترصد
تشویق مخصوص از طرف امناء منتخب جامعهٔ خویش نگردد از هیچ مانعی که نزدیکان و
هموطنان وی در راه تحقّق اهدافش فراهم سازند نهراسد و از انتقاد معاندین و
اعتراض مفسدین و مغلین افسرده و ملول نشود بل

پیوسته به نسائم جنت ابهی مهتر و بتأییدات ملکوت ابهی مطمئن و مستظهر باشد .
 جمال قدم جلّ ذکره الاعظم نفوسی را که قصد قیام باین مقصد فخیم و خدمت قویم
 یعنی ابلاغ ندای الهی و نشر نفحات سبحانی دارند باین بیانات درّیّات نصیحت و
 دلالت میفرماید قوله الأعزّ الأقدس الأعلى " مثل اریاح باش در امر فالح
 الأصباح چنانچه مشاهده مینمائی که اریاح نظر بمأموریّت خود بر خراب و معمور
 مرور مینماید نه از معمور مسرور و نه از خراب محزون نظر بمأموریّت خود داشته و
 دارد " و در مقام دیگر میفرماید " و اذا اراد الخروج من وطنه لأمر ربّه يجعل
 زاده التوکل علی الله و لباسه التّقوی ... اذا اشتعل بنار الحبّ وزین بطراز
 الانقطاع یشتعل بذکره العباد " .

نفسی که بدلالت وجدان مصمّم بر اجابت این نداء و اجراء امر اعزّ اقدس ابهی گردید
 و به القآت دوستان و دشمنان که دانسته و ندانسته در مقام ایجاد مشکلات در تحقّق
 این مقصد امّنع اعلی بودند توجّه نمود باید با قلبی طافح بمحبّت الله و لسانی
 ناطق بذکر الله بجمیع وسائل ممکنه متشبّث شود و طرق مختلفه را بکمال دقت مورد
 مطالعه قرار دهد تا بجلب افکار و حفظ علائق و تحکیم و تقویت ایمان نفوسی که
 دخولشان را در ظلّ امر الله طالب و الحاقشان

را بجامعهٔ اسم اعظم شایق و آرزومند است توفیق یابد و نیز باید عوامل و امکاناتی را که شئون و مقتضیات محیط در اختیار وی گذاشته رسیدگی و مزایای آن را بررسی نماید و بمدد فکر و حکمت و تمسک بحبل اتقان و استقامت آن عوامل و امکانات را با انتظام کامل برای نیل بمقصود و هدف مطلوب بکار برد همچنین لازم است روشهایی اتخاذ نماید که بموجب آن باب معاشرت را با مجالس و مجامع و معارض و محافل مختلفه مفتوح و در جلسات نطق و خطابه که مواضعی ملایم و موافق با اصول تعالیم امریه مانند اعتدال در امور و تعدیل اخلاق و تأمین رفاه و سعادت اجتماع و تحمّل و شکیبائی در مسائل مذهبی و نژادی و تعاون و تعاضد اقتصادی همچنین حقایق مربوط بدیانت اسلام و مقایسهٔ مذاهب و ادیان مورد بحث و تحقیق قرار میگیرد مشارکت کند و با انجمنهای علمیّه و ادبیّه و اجتماعیّه و امور خیریه و مشروعاتی از این قبیل که در عین محفوظ ماندن شئون و مقامات امریه طرق و وسائط متنوعهٔ کثیره در برابر دیدگان فرد قائم بخدمت مفتوح نماید مجالست و مصاحبت کند تا بدینوسیله انظار نفوس را بتعالیم الهیه معطوف و آذان را باصغاء نغمات روحانیّه آشنا سازد و بالمآل آنان را بورود در ظلّ شجره ربّانیّه

و حمایت و پشتیبانی از کلمه جامعه رحمانیه نائل و موفق دارد. حال چون چنین معاشرت و مؤانست بدست آمد و ابواب مؤالفت مفتوح گردید باید پیوسته مصالح عالیّه امریه و اصالت شریعت سماویّه محفوظ و عمومیت و جامعیت احکام و مبادی سامیه ربّانیّه اثبات و منافع کثیره حیاتیّه آن خالی از هرگونه خوف و هراس پشتیبانی و حمایت گردد. هر نفسی که قدم در میدان تبلیغ نهد باید میزان ظرفیت و استعداد شخص سامع را در نظرگیرد و با ملاحظه جوانب و اطراف امر تشخیص دهد که ابلاغ کلمه الهی و اشاعه انوار سبحانی بچه نحو شایسته و مؤدّی بمقصود است مستقیم و یا غیر مستقیم تا بدان طریق اهمّیت حیاتی پیام یزدانی را بر متحرّی حقیقت مکشوف و با اقامه دلیل و برهان او را مطمئن و متیقّن سازد که خویشتن را در ظلّ کلمه جامعه ربّانیّه وارد و بجمع نفوسی که بانتساب با اسم اعظم الهی مفتخرو متباهی اند ملحق و منضمّ گرداند. در این مقام باید روش و سلوک حضرت عبدالبهاء مرکز عهد و پیمان رحمانی را در مدّ نظر داشت و نصایح مستمرّ آن وجود اقدس را همواره نصب العین خویش قرار داد و بفرموده مبارک چنان طالب حقیقت را در بحر محبّت و وداد مستغرق نمود و تعالیم قدسیّه را که القاء و ایجاد آن در روح مستمع منظور و مقصود است در اقوال و اعمال و کردار

و رفتار مجسم و ظاهر ساخت که شخص شنونده مسحور گردد و بطیب خاطر و انجذاب تامّ مایل و شایق آن شود که خود را در ظلّ امر عظیمی که چنین مکارم اخلاق تعلیم و چنین اصول و مبادی قیّمه ترویج نموده وارد و در حلقه پیروان شریعة الله داخل سازد. و نیز باید باین امر دقیق توجّه کامل مبذول داشت که در آغاز از تأکید و ابرام نسبت ببعضی از سنن و احکام الهیه که احیاناً از لحاظ معتقدات طالب حقیقت که تازه قدم در عرصه تحقیق گذاشته دشوار و غیر قابل تحمّل باشد خودداری نمود و با صبر و متانت تامّ و تصمیم و استقامت تمام او را از ثدی بیانات الهی و مائده روحانی پرورش داد و در مدارج صباوت و شباب مترقی ساخت و اعانت و دلالت نمود تا بسر منزل بلوغ رسد و اطاعت و انقیاد بلا شرط خود را نسبت بانچه شارع این امر اعظم مقرر و تعلیم فرموده اعلام دارد. پس از حصول این مقام و وصول بسر منزل ایمان و ایقان باید شخص جدید الأقبال را به جمعیت یاران معرفی نمود تا در اثر همکاری مستمرّ و اشتراک مساعی در فعالیتهای امریه آماده و مستعدّ آن شود که سهم خویش را در اعتلاء حیات و ایفاء وظائف و تقویت مصالح و تطبیق خدمات جامعه محلیّه با مجهودات سائر جوامع بهائی عملاً ادا نماید. نفس ابلاغ کننده کلمه الهی باید راضی و قانع نشود و از

پای ننشیند تا آنکه روح شوق و اشتیاق در مولود روحانی خویش بدمد و او را چنان مستعدّ و لائق سازد که بنوبت خود قیام نماید و بنفسه در احیاء نفوس و انتشار اصول و بثّ تعالیمی که بجان و دل قبول نموده سعی بلیغ و جهد جهید بمنصّه ظهور رساند .

نفوسی که در این نهضت وسیع که از طرف یاران امریک مبادرت و اقدام گردیده شریک و سهمند خصوصاً افرادی که در تنفیذ امر جلیل هجرت در اقالیم غیر مفتوحه ساعی

و جاهد باید متذکر باشند که تماسّ نزدیک و مستمرّ با شعب و دوائری که مسئول اداره این امر عظیم و تنظیم و تسهیل فعالیت‌های تبلیغی جامعه در سراسر قاره‌اند حائز نهایت اهمّیت و لزوم است . این نفوس زکیّه که بخدمت و ابلاغ کلمه الهیه مألوف باید پیوسته در اثر تبادل آراء و ارسال رسائل و متحد المآلها و اخبار و بشارات امریه و دیگر وسائل ارتباط و اختبار روابط خود را با مؤسّساتی که بمنظور پیشرفت امر الله و نشر نفحات الله مقرر گردیده خواه هیأت منتخب نمایندگان ملی جامعه خواه لجنه ملی تبلیغ که از ایادی و اجنحه آن هیأت محسوب یا تشکیلات ثانویه آن یعنی لجنه‌های تبلیغ ناحیه‌ای و یا محافل روحانیه محلیّه و لجنه‌های تبلیغ مربوطه برقرار نمایند تا بدینوسیله گردش سریع و منظم

دستگاه تبلیغی نظم اداری خالی از هرگونه ابهام و تعویق و صرف مساعی مکرر و اتلاف قوی و مجهودات بنهایت دقت تأمین گردد و سیل عظیم الطاف و مواهب لا نهایی حضرت بهاءالله بکمال قدرت و عظمت و بدون ادنی مانع و رادعی بوسیله این قنوات و مجاری اساسیه قلوب و ارواح را مسخر نماید و چنان موفّق و مؤید سازد که مراتب و مقاماتی را که مکرر از لسان و قلم مقدّس مرکز عهد و پیمان در حقّ آن خادمان امر حضرت رحمان پیش بینی شده بنحو اتمّ و اکمل مشهود و عیان گردد .

وظیفه روحانی هر یک از یاران الهی و انصار شریعت ربّانی در این قیام مشترک و مساعی دسته جمعی که در تاریخ جامعه بهائی امریک بی مثل و نظیر است آن است که امر جلیل تبلیغ را که بنحو مؤکّد بعهد کافّه مؤمنین و مؤمنات محوّل گردیده در سراسر حیات مطمح نظر و وجهه همّت خویش قرار دهد . هر فردی از افراد که حامل پیام رحمانی است باید در جمیع احیان خواه در فعالیتّهای جاریه و تماس روزانه خویش با سائر نفوس خواه در حضر و خواه در سفر بمنظور کسب معاش و یا مآرب آخری خواه در ایّام فراغت و صرف اوقات در مواقع تعطیل و یا هنگام مأموریت و انجام امری از امور ابلاغ کلمه الله و نشر نفحات الله را فریضه اولیّه خویش شمارد و این امر مقدّس را نه تنها

تکلیف خاصّ بل امتیاز و افتخار عظیم خود محسوب دارد که بذر تعالیم الهیه را در اراضی قلوب بیفشاند و مطمئن و متیقن باشد که کلمه رحمانیه بهر نحو تلقی گردد و هر مقدار وسیله ابلاغ ضعیف و غیر مکمل باشد قدرت محیطه شارع قدیر بنحوی که مشیت بالغه ربّانیه تعلق گیرد و حکمت نافذه سبحانیه اقتضا نماید آن بذر افشاندن را بوسائلی که بر خاطر احدی خطور ننماید سرسبز کند و حبه طیبه را شجره مبارکه مثمره فرماید و کشت دهقان الهی را زرع جسیم و خرمن عظیم گرداند .

اگر فردی افتخار عضویت محفلی از محافل روحانیه را داراست باید همواره محفل خویش را ترغیب و تشویق نماید و متذکر شود که قسمتی از اوقات هر جلسه را با توجه و تبّتل تامّ مصروف مطالعه طرق و وسائلی نمایند که موجب پیشرفت نهضت تبلیغی گردد و علت استحکام و توسعه این امر مبرم شود و اگر نفسی در مدرسه تابستانه مؤسسه‌ای که شرکت در آن بلا استثناء برای عموم دوستان حائز نهایت اهمّیت است حضور یابد این فرصت گرانبها را مغتنم شمرده اطلاعات و معلومات خویش را نسبت باصول و مبادی این امر اعظم از طریق خطابات و مطالعات و بحث و تحقیق در مسائل روحانیه تقویت و تحکیم نماید تا با قدرت و اطمینان بیشتر و عرفان و بصیرت کاملتر پیامی را که ید اراده رحمانی

باو عنایت فرموده بدیگران ابلاغ نماید . همچنین احبّای الهی باید هر موقع موجبات فراهم و تماس و ملاقات بین الجوامع میسر گردد حرارت و عشق تبلیغ را در قلوب القاء و در انظار نفوسی که از دایره امر الله خارج و از موهبت ایمان محرومند مراتب اشتیاق و تعلق خدام شریعت الله را مکشوف و وحدت اساسی تأسیسات امریه را روشن و مدلل سازند .

هر فردی از شرکت کنندگان در این جهاد روحانی که اجناس و احزاب و طبقات و مسالک و

جمهوریّات نیمکره غربی را بتمامه در بر دارد باید با ملاحظه اهمّیت امر و حصول موجبات توجه افراد سیاه و هندی و اسکیمو و یهود را بالأخصّ بتعالیم الهیه معطوف و وسائل هدایت و استتلال مطلق آنان را در ظلّ شریعت ربّانی فراهم سازد . در حال حاضر هیچ امری مقبول تر و هیچ خدمتی بآستان مقدّس یزدانی لایق تر و شایسته تر از آن نیست که در جلب و جذب ملل و شعوب و اجناس و اقوام مذکوره و ورودشان در دایره امر الله سعی مشکور مبذول و از این رو تعداد مستظّلین در ظلّ کلمه الله متزاید و بر تنوع اعضاء جامعه بهائی امریک افزوده گردد . اجتماع و بهم پیوستگی این عناصر مختلفه و نحل و قبائل متنوعه و امتزاج و امتشاجشان در ظلّ وحدت

وَأُخَوّتْ عَمُومِيَّةَ الْهَيْهَةِ وَانْجَذَابَ وَاجْتِدَابِشَانَ بِمَدَدِ قُوَّةٍ مُحَرَّكَةً نَظْمَ إِدَارِي
 شَرِيْعَتِ رَحْمَانِيَّةٍ كَمَا بِمَشِيَّتِ قَدْسِيَّةٍ صَمْدَانِيَّةٍ تَأْسِيْسَ كَرْدِيْدِهِ وَتَأْدِيَّةَ هَرِيْكَ سَهْمِ
 خُوِيْشَ رَا دَر تَقْوِيْتِ وَتَجْلِيْلِ حَيَاتِ جَامِعَةٍ بِهَائِي فِي الْحَقِيْقَةِ مَوْقِفِيَّتِ عَظِيْمِي اسْتَكَمَا
 تَصَوُّرَ وَتَدَبُّرَ أَنْ قَلْبَ هَر بِنْدَةٍ مُشْتَاقَ رَا قَرِيْنَ مَسْرَّتَ وَابْتِهَاجَ مِيْنَمَايْدَ . دَر اِيْنِ
 مَقَامِ حَضْرَتِ عَبْدِالْبَهَاءِ رُوحِ الْوَجُودِ لِالطَّافَةِ الْعَظِيْمَةِ فِدَاءَ مِيْفَرَمَايْدَ " مَلَا حَظْهَ
 نَمَايْدَ كَلْهَائِ حَدَائِقِ هَر چِنْدِ مَخْتَلَفِ النُّوعِ وَمَتَفَاوُتِ اللَّوْنِ وَمَخْتَلَفِ الصُّوْرِ وَ
 الْاَشْكَالَنْدِ وُلِيَّ چُونِ اَز يَكِ آبِ نُوْشَنْدِ وَ اَز يَكِ بَادِ نَشُوْ وَ نَمَا نَمَايَنْدِ وَ اَز حَرَارَتِ وَ
 ضِيَاءِ يَكِ شَمْسِ پَرُوْرَشِ نَمَايَنْدِ اَنْ تَنْوَعِ وَ اَخْتِلَافِ سَبَبِ اَز دِيَادِ جَلُوْهِ وَ رُوْنَقِ يَكِ دِيْگَرِ گَرْدَدِ
 اَكْرَ حَدِيْقَهْ اِي رَا كَلْهَاءِ وَ رِيَا حِيْنِ وَ شَكُوْفَهْ وَ اِثْمَارِ وَ اَوْرَاقِ وَ اِغْصَانِ وَ اَشْجَارِ اَز يَكِ
 نَوْعِ وَ يَكِ لَوْنِ وَ يَكِ تَرْكِيْبِ وَ يَكِ تَرْتِيْبِ بَاشَدِ بَهِيْچُوْجَهْ لَطَافَتِي وَ حَلَاوَتِي نَدَارَدِ وَ لَكِنْ
 چُونِ الْوَانِ وَ اَوْرَاقِ وَ اَزْهَارِ وَ اِثْمَارِ كَوْنَا كَوْنِ بَاشَدِ هَر يَكِي سَبَبِ تَرْزِيْنِ وَ جَلُوْهُ سَائِرِ
 الْوَانِ كَرْدَدِ وَ حَدِيْقَهْ اَنِيْقَهْ شُوْدِ وَ دَر نَهَائِتِ لَطَافَتِ وَ طَرَاوَتِ وَ حَلَاوَتِ جَلُوْهِ نَمَايْدِ وَ
 هَمْچِيْنِ تَفَاوُتِ وَ تَنْوَعِ افْكَارِ وَ اَشْكَالِ وَ آرَاءِ وَ طَبَايِعِ وَ اِخْلَاقِ عَالَمِ اِنْسَانِي چُونِ دَر
 ظَلِّ قُوَّةٍ وَاحِدَهْ وَ نَفُوْذِ

کلمه وحدانیت باشد در نهایت عظمت و جمال و علویت و کمال ظاهر و آشکار شود
 اليوم جز قوّة کلمة الله که محیط بر حقایق اشیاء است عقول و افکار و قلوب و
 ارواح عالم انسانی را در ظلّ شجره واحده جمع نتواند " و در مقام دیگر میفرماید
 " امیدوارم که شماها سبب شوید که این جنس ذلیل عزیز شود و با سفیدها بنهایت صدق
 و وفا و محبّت و صفا خدمت نماید ". و در یکی از الواح مقدّسه این بیان جلیل از
 کلک اطهر صادر " یکی از اصول مهمّه که در وحدت و تمامیت نوع انسان مؤثراست
 حصول الفت و یگانگی و ترک نفاق و بیگانگی بین افراد سیاه و سفید است (۱) " و در
 الواح تبلیغی مرقوم " اهالی اصلی امریکا یعنی هندیها را بسیار اهمّیت دهید زیرا
 این نفوس مانند اهالی قدیمه جزیره العرب هستند که پیش از بعثت حضرت محمد حکم
 وحوش داشتند چون نور محمدی در میان آنها طلوع نمود چنان روشن شدند که جهان را
 روشن کردند همچنین این هنود اگر تربیت شوند و هدایت یابند شبهه‌ای نیست که
 بتعالیم الهی چنان روشن گردند که آفاق را

(۱) ترجمه

روشن نمایند " و نیز میفرماید " اگر ممکن است مبلغین بسایر ولایات کانادا ارسال دارید و همچنین بگرین لند و بلاد اسکیموها مبلغین بفرستید " و در همان الواح مقدسه مذکور " بلکه انشاء الله نداء ملکوت الله بمسامع اسکیموها ... برسد ...

اگر همّتی نمائید که در میان اسکیموها نفحات الهی منتشر شود تأثیر شدید دارد " و همچنین میفرماید " الحمد لله آنچه در الواح مبارک باسرائیل تبشیر فرموده اند و در مکاتیب عبدالبهاء نیز تصریح شده جمیع در حیز تحقّق است بعضی وقوع یافته و بعضی وقوع خواهد یافت جمال مبارک در الواح مقدسه تصریح فرموده اند که ایام ذلت اسرائیل گذشت ظلّ عنایت شامل گردد و این سلسله روز بروز ترقّی خواهد نمود و از خمودت و مذلت هزاران سال خلاصی خواهد یافت " .

افرادی که در مؤسّسات اداری امر الله بخدمت قائم و به تنسیق و تنظیم امور مألوفند خواه اعضاء محفل روحانی مرکزی و یا لجنه های تبلیغ اعمّ از ملّی و ناحیه ای و محلّی باید همواره این مسأله مهمّ و حیاتی را نصب العین خویش قرار دهند و در تحقّق آن سعی مشکور مبذول دارند و آن تشکیل جمعیت های بهائی در کمترین فرصت ممکنه در چند ایالت و ولایت باقیمانده از جمهوری

امریکای شمالی و کشور کانادا است ولو جمعیت‌های متشکله در قدم اول ضعیف و محدود باشند همچنین تشبث بجمع وسایل لازمه تا مراکز جدید التأسیس تقویت و تکمیل پذیرد و با متانت و اتقان و سرعت و اطمینان بمحافل روحانی‌ای که قائم بذات بوده و راساً و مستقلاً به تمشیت امور و انجام وظائف مبرمه خویش موفق گردند تبدیل شود و صفت و سمت رسمی یابد . جامعه بهائی امریک باید فرداً فرد پشتیبانی و معاضدت مستمر و بیدریغ خود را نسبت بایجاد و استقرار چنین مراکز و پایه‌های اولیه که تشکیل آن بلا تردید خالی از زحمت و صعوبت نبوده ولی حائز نهایت ضرورت و موجب اعتلاء روح و انشراح صدور است بکمال اهتمام بمنصه ظهور رسانند . تصمیمات و اقدامات امنای منتخب جامعه هر قدر جامع و متین و خطط و نقشه‌های مطروحه هر مقدار متقن و رصین و با دقت و بصیرت تام تنظیم شده باشد مع الوصف این اقدامات و تصمیمات هرگز ثمرات مرغوب حاصل نخواهد نمود و نتایج مطلوب ببار نخواهد آورد مگر آنکه جمعی از مهاجران فداکار بر آن شوند که قیام عاشقانه نمایند و با ابراز همّت و استقامت نقشه‌های منظوره را بمورد عمل و اجرا گذارند . عقیده راسخ این عبد آنست که چون یکبار رایت

امر الهی در قلب اقالیم غیر مفتوحه افراشته شد و قوائم و دعائم قصر مشید نظم اداری در مدُن و قری منصوب گردید و تکیه‌گاه مُحکم و متین در افئده و قلوب ساکنین آن بلدان بدست آمد اولین و مهمترین قدم برای قطع مراحل بعدی مراحلی که نهضت تبلیغی متّخذه بموجب نقشه هفت ساله باید بتدریج طیّ نماید برداشته شده است

حال با آنکه تزینات خارجی مشرق الاذکار ظلّ همین نقشه در آخرین مرحله تکامل وارد گردیده نهضت تبلیغی هنوز در مدارج اوّلیّه خود قائم و در مراتب ابتدائیه خویش سائر و سالک است و مراحل عدیده باقی است تا اجزاء و شعب آن عملاً باقالیم غیر مفتوحه و یا جمهوریات واقعه در قاره امریکای جنوبی منبسط گردد . هرچند مساعی و مجهوداتی که برای تحقّق این اهداف لازم بی نهایت مبرم و شدید و شرایطی که مؤسّسات اوّلیّه بر ارکان و مبانی آن استوار شود اغلب نامساعد و غیرموزون و کارکنانی که اوضاع و احوالشان اجازه قبول و مباشرت چنین اقدام را دهد محدود و منابعی که در اختیار جامعه موجود و محلّ استفاده واقع گردد نارسا و معدود است ولی عنایات جمال مبارک بیکران و بشارات منزله از مخزن قلم اعلی نسبت بموقّیّت یاران

و مُجَاهِدَانِ امْرُؤَيْنِ رَحِمْنِ نَامُحْدُودٍ وَبِيْ بَيَانَ بِقَوْلِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى " لَوْ يَقُومُ
وَاحِدٌ عَلَى حَبِّ الْبُهَاءِ فِي أَرْضِ الْإِنشَاءِ وَيَحَارِبُ مَعَهُ كُلُّ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ
لِيُغْلِبَهُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَظْهَاراً لِقُدْرَتِهِ وَابْرَازاً لِسُلْطَنَتِهِ " . آيا اين وعده صريح و
اطمينان بليغ از قلم مُلَهَم جمال قدم جل اسمه الاعظم نازل نشده كه مي فرمايد "
فَوَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَوْ يَقُومُ وَاحِدٌ مِنْكُمْ عَلَى نَصْرَةِ أَمْرِنَا لِيُغْلِبَهُ اللَّهُ
عَلَى مِائَةِ الْفِ وَ لَوْ أَزْدَادٌ فِي حَبِّهِ لِيُغْلِبَهُ اللَّهُ عَلَى مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ " . در
اين مقام حضرت عبدالبهاء روح الوجود لعناياته الفداء مي فرمايد " در اسلاف
ملاحظه نمايد كه در ايام مسيح نفوس مؤمن ثابت معدود قليلي بودند ولي چنان
بركت آسماني نازل شد در سنين معدوده جم عظيمي بظل انجيل در آمدند در قرآن
مي فرمايد كه يك حبه هفت خوشه برآرد و هر خوشه صد دانه بدهد يعني يك دانه هفتصد
دانه گردد و خداوند اگر بخواهد مضاعف مي فرمايد چه بسيار واقع كه نفس مباركي سبب
هدايت مملكتي شد حال نظر باستعداد و قابليت خويش نبايد نمائيم بلكه نظر بعنايت
و فيوضات الهيّه در اين ايام نمائيم كه قطره حكم دريا يابد و ذره حكم آفتاب
جويد " . عليهذا مجاهدين غيوري كه ميخواهند در اين ميدان قدم نهند و تحت چنين
شرائط و احوال و در چنين ممالك و اقطار پرچم امرالله

را در صفوف مقدّم برافرازند باید کلمات روح بخشنده حضرت بهاء الله را بخاطر آرند و "حبّ بهاء" را درع خویش قرار دهند حبّ و اشتیاقی که با ادامه خدمت و ابراز ثبات و استقامت تزیید یابد و مصداق "ولو ازداد فی حبّه لیغلبه الله علی من فی السموات و الارض" گردد و چون توفیق رفیق شود با اعمال و افعال خود مشعشع ترین صفحاتی را که تا کنون در تاریخ حیات روحانی موطن مألوفشان مُدوّن و مضبوط گردیده مزین و مطرّز خواهند ساخت .

در این مقام حضرت عبدالبهاء روح الوجود لمظلومیّه الفداء در منشور ملکوتی تبلیغ میفرماید "هر چند در اکثر مدائن ایالات متّحده الحمد لله نفحات الله منتشر و جمّ غفیری بملکوت الله متوجّه و ناظرولی در بعضی ایالات چنانچه باید و شاید علم توحید بلند نگشته و اسرار کتب الهیه منتشر نگردیده باید بهمتّ یاران علم توحید در آن دیار موج زند و تعالیم الهیه انتشار یابد تا آنان را نیز از موهبت آسمانی و هدایت کبری بهره و نصیب داده شود" و نیز در یکی دیگر از الواح مذکوره این بیانات عالیات نازل "اقلیم کانادا مستقبلش بسیار عظیم است و حوادثش بی نهایت جلیل مشمول نظر عنایت الهیه خواهد گشت و مظهر الطاف سبحانیّه خواهد شد" و در همان

لوح مبارک این وعد کریم و بشارت قویم بار دیگر بنحو مؤکد تصریح گردیده قوله
 العزیز " لهذا دوباره نگاشته میشود که مستقبل کانادا بسیار عظیم است چه از
 حیثیت ملک و چه از حیثیت ملکوت " .

و چون قدم اول متضمن تشکیل لا اقل یک هسته مرکزی در هر یک از ایالات و ولایات
 غیر مفتوحه در قاره امریکای شمالی برداشته شد باید افکار بلاد رنگ متوجه
 امریکای لاتین گردد و اقدامات وسیعه بمنظور بسط و تقویت مساعی مشترکه یاران
 معمول و مجهودات مشکوره ای که حال از طرف شرمه قلیلی از دوستان منفرداً نسبت
 بایقظ اقوام و ملل آن سرزمین و دعوت آنان به ندای جانفزای حضرت بهاء الله مبذول
 گردیده بکمال جد و اهتمام تعقیب و تکمیل شود . فی الحقیقه تا در اجراء این امر
 قویم یعنی تنفیذ مرحله ثانوی از نهضت تبلیغی که تحت نقشه هفت ساله تنظیم گردیده
 قدم مثبت و قاطعی برداشته نشود نمی توان تصور نمود که نهضت مذکور بنحو کمال
 اجراء و یا نقشه اصولاً بمرحله قاطعی از بسط و تکامل خویش واصل گشته است . یقین
 است با تشبث باین امر مواهب و الطاف الهیه آن جامعه شجیع را که هم اکنون در

دایره اداری امرالله بارتفاع مشروع عظیم و سرمدی الآثار مع ترینات خارجی آن بکمال جلوه و شکوه توفیق یافته و در میدان تبلیغ و نشر نفحات الهیه باقامه لواء شریعت الله در هر یک از ایالات و ولایات قاره امریکای شمالی نایل گردیده است بنهایت شدت و عظمت احاطه خواهد کرد و یاران راستان را چنان تأیید و تقویت خواهد نمود که خود را در قبال شواهد قوه محرکه خویش متحیر و مبهور بل مسحور و مجذوب مشاهده خواهند نمود .

لجنه بین القارات امریکا با حلول چنین مرحله خطیر حتی قبل از آنکه این مرحله از نهضت تبلیغی عملاً آغاز شود و پا در دایره تحرک گذارد باید استعداد و آمادگی خود را در استفاده از فرصتهای موجوده بمنصه ظهور رساند و با ابراز همت و جانفشانی بقیام و اقدامی مبادرت ورزد که با مسئولیتهای عظیمه ای که بر ذمه خویش گرفته همدوش و همعنان باشد . این حقیقت نیز نباید لحظه ای از خاطر دور و از نظر محو و فراموش گردد که امریکای مرکزی و جنوبی از بیست ملت مستقل ترکیب یافته که بنفسه قریب ثلث دول مهمه عالم را تشکیل میدهند و مردم آن در تعیین مقدرات آتیه جهان سهم عظیم و دائم التزایدی را عهده دار خواهند بود . حال چون

ممالک و دیار بتدریج بیکدیگر نزدیک و سرنوشت اقوام و ملل و اجناس و نحل عالم با یکدیگر مرتبط و ممتزج گردد ارزش فواصل منتفی شود و بُعد دول نیمکره غربی از سایر دول و ممالک عالم قهراً زائل و مقدرات و امکاناتی که در کمون هریک از ملل مذکوره مودوع و مکنون است یوماً فیوماً مشهودتر و لائح تر خواهد گردید .

و چون این مرحله ثانی از بسط و توسعه تدریجی اقدامات و فعالیت‌های تبلیغی ظلّ نقشه هفت ساله آغاز گردید و دستگاه لازم برای تنفیذ این مقصد فخیم شروع بجنبش و حرکت نمود یاران امریک مهاجران و مجاهدان شجاع و قویدل این نهضت قویم باید بمدد انوار مشرقه از افق اقدس ابهی و رعایت دقیق و کامل نقشه مطروحه از طرف سالار جند هدی مرکز عهد اتقن اوفی قیام نمایند و تحت دلالت و ارشاد محفل روحانی مرکزی و استظهار بهمکاری و معاضدت لجنه بین القارات امریکا علم هدایت کبری برافرازند و بحمله وسیعی علیه قوای مظلومه جهل و غفلت مباشرت نمایند حمله‌ای که باید تا اقصی نقاط قاره جنوبی امتداد یابد و ملل مذکوره در فوق را کلاً در نطاق خویش وارد سازد .

شایسته و سزاوار آنکه در این لحظه خطیر جمعی منجذب و فداکار دامن همت برکمرزنند و از

مدن و دیار و اوطان و اوکار خویش درگذرند و چون طیور شکور در اوج عزت ابدیه پرواز نمایند و بموجب بیان اقدس اعظم اکرم که میفرماید " ینبغی لهؤلاء ان یکون زادهم التوکل علی الله " با توشه توکل و انقطاع باقالیم شاسعه بعیده و اشطار غیر مفتوحه توجه کنند و بکمال ثبات و استقامت به تسخیر مدائن قلوب پردازند قلبی که بفرموده مبارک بقوه وحی و الهام منقلب گردد و بمدد ذکر و بیان تصرف شود بقوله العزیز " و انھا یسخر بجنود الوحی و البیان " . باری تأخیر در این امر را بهیچوجه جائز نشمارند و حاضر نشوند که همگان در انجام مرحله اولای نهضت تبلیغی خویش از آنان سبقت گیرند بلکه از همین آن قیام نمایند و منقطعاً عن الجهات بتمهید مقدمات در اجراء خدمتی که بعداً یکی از مشعشعترین فصول در تاریخ بین المللی امر الهی محسوب خواهد گردید مبادرت ورزند و در قدم اول این ندای احلی را که از مکمن اسنی و رفرف اعلی بسمع مشتاقان جمال اقدس ابھی میرسد شعار خویش قرار دهند و در اجراء منطوق آن جهد بلیغ مبذول دارند قوله الکریم " و منکم من اراد ان یبلغ امر مولاه فلینبغی له بان یبلغ اولاً نفسه ثم یبلغ الناس لیجذب قوله قلوب السامعین " و نیز نصرت و اعانت امر الله را هدف غائی و مقصد نهائی

خویش قرار دهند که میفرماید " و يجعل همّه نصره الأمر في كلّ الأحوال " و در
 جمیع احیان در ابلاغ کلمه الله باین حقیقت کلیّه ناظر باشند که در الواح
 الهیه نازل " اصل الیوم اخذ از بحر فیوضات است دیگر نباید نظر بکوچک و بزرگی
 ظروف باشد " و همچنین " من اراد التبلیغ ینبغی له أن ینقطع عن الدّنیاء " و با
 روح انقطاع و تفویضی که حضرت عبدالبهاء روح الوجود لعنایاته الفداء در حیات
 مبارک ابراز و احبّا را بآن تشویق و تعلیم میفرمود قیام نمایند و ملل و نحل
 عالم و مدن و دیار ارض را بذکر حقّ و توجّه بمظهر کلیّه رحمانی متذکر گردند و
 لثالی محبّت الهیه را در خزائن قلوب " محفوظ دارند " فی یوم ارتعشت الأركان و
 افسعرت الجلود و شاخصت الابصار " و " جانهای خویش را بآتش فروزانی که در قطب
 امکان در احتراق و لمعان است مشتعل سازند بشأنی که میاه عالم از اخماد آن عاجز
 باشد (۱) " و چون اریاح براقطار و اشطار حرکت نمایند اریاحی که " بر خراب و
 معمور مرور مینماید نه از معمور مسرور و نه از خراب محزون " " لسان بذکر حقّ
 گشایند و امرش را در جمیع احیان اعلام نمایند (۱) "

و " آنچه را که روح اعظم در خدمت امر مالک قدم بانان القا نماید علی رؤس
 الأشهاد اظهار کنند (۱) " " ایاکم ان لا تجادلوا مع نفسی بل ذکرها بالبیان الحسنه
 و المواعظ البالغة " و همچنین " لله تبلیغ امر نمائید باعراض و اقبال ناظر نباشید بلکه
 ناظر بخدمتی که بآن مأمورید من لدی الله " و در یک لحظه این عنایت عظیم را که در
 حق مهاجرین و ناشرین نفحات سبحانیّه از قلم عزّ احدیّه نازل گشته از خاطر محو
 نمایند بقوله الکریم " ان الذین هاجروا من اوطانهم لتبلیغ الأمر یؤیدهم
 الروح الامین و یرج معهم قبیل من الملائکة من لدن عزیز علیم " و همچنین این
 بیان مبارک را همواره نصب العین خویش قرار دهند که میفرماید " طوبی لمن فاز
 بخدمه الله " و متذکر باشند که بفرموده مبارک این خدمت اعظم خدمات است و این
 قیام زینت بخش هر اقدام و اهتمام " إنه لسیّد الأعمال و طرازها " و بالأخره
 هنگامی که عرض و طول قاره امریکای جنوبی را بقدم انقطاع برای ابلاغ شریعه
 الله پیمایند این کلمات روح بخشنده حضرت بهاءالله را بر زبان رانند و تسلی
 قلب و چراغ راه و توشه طریق و انیس شفیق در وحدت و خلوت خویش شمارند که
 (۱) ترجمه

میفرماید قوله الأبدع الأعزّ الأسنى " ان یا ایها المسافر الی الله خذ نصیبک من هذا البحر ولا تحرم نفسك عما قدر فیہ ... ولو یرزقن کلّ من فی السموات و الارض بقطرة منه لیغنینّ فی انفسهم بغناء الله المقتدر العلیم الحکیم خذ بید الأنقطاع غرفة من هذا البحر الحیوان ثمّ رشّح منها علی الکائنات لیطهرهم عن حدودات البشر و یقرّبهم بمنظر الله الأكبر هذا المقرّ المقدّس المنیر و ان وجدت نفسك وحیداً لا تحزن فاکف برّبک ... بلّغ امر مولاک الی کلّ من فی السموات و الأرض ان وجدت مقبلاً فاطهر علیه لثالی حکمة الله ربّک فیما القاک الروح و کن من المقبلین و ان وجدت معرضاً فاعرض عنه فتوکّل علی الله ربّک وربّ العالمین تالله الحقّ من یفتح الیوم شفّتیہ فی ذکر اسم ربّه لینزل علیه جنود الوحی عن سماء اسمی الحکیم العلیم و ینزلنّ علیه اهل ملاً الأعلى بصحائفٍ من النور کذلک قدر فی جبروت الأمر من لدن عزیز قدیر " .

و نیز این ندای جانفزای الهی را که از خلال الواح مقدّسه تبلیغی بسمع سالکان سییل هدی و محرمان حریم کبریا و اصل و مایه حصول اطمینان و مسرت جان و وجدان است بیاد آریم که میفرماید (ای حواریون بهاء الله روحی لکم الفداء ... ملاحظه نمائید که حضرت بهاء الله چه ابوابی از برای شما

گشوده است و چه مقام بلند اعلیٰ مقدر نموده است و چه موهبتی میسر کرده است " ... " الآن بباد شما مشغولم و این قلب در نهایت هیجان اگر بدانید که این وجدان چگونه منجذب یاران است البتّه بدرجه ئی فرح و سرور یابید که کلّ مفتون یکدیگر گردید " " حال موقّیّت شما هنوز معلوم و مفهوم نگشته عنقریب خواهید دید که هریک مانند ستاره‌های درّی درخشنده در آن افق نور هدایت بخشیدید و سبب حیات ابدیّه اهل امریک شدید " " امیدوارم که بزودی موقّیّت شما زلزله در آفاق اندازد " " البتّه عون و عنایت الهیّه بشما خواهد رسید و قوای الهیّه و نفتات روح القدس تأیید شما خواهد کرد " " نظر بقلّت خویش و کثرت اقوام ننمائید " " این کار عظیم است اگر بآن موفّق شویم تا امریک مرکز سنوحات رحمانیّه گردد و سریر ملکوت الهی در نهایت حشمت و جلال استقرار یابد " .

باید در خاطر داشت که تنفیذ نقشه هفت ساله از لحاظ امر تبلیغ متضمّن تأسیس لا اقلّ یک مرکز امری در هریک از جمهوریات امریکای مرکزی و جنوبی است حال چنانچه نقشه‌ای که اکنون آغاز شده با موقّیّت مواجه گردد جشن مئوی ولادت امر حضرت بهاءالله شاهد استقرار پایه

و اساسی در هر یک از اقالیم مذکوره خواهد گردید بنحوی که نسل آتی احبای امریک
 بتواند بر مبنای آن هر چند ساده و در رتبه ابتدائیه باشد در سنین اولیه قرن
 ثانی دور بهائی بنیان رفیعی بنا نهد و چون این مقصود باعانت ربّ ودود تحقّق یافت
 وظیفه حتمیه یاران آنست که در طی عقود متتابعه پایه های منصوبه را تقویت نمایند
 و اساس موضوعه را وسعت بخشند و جمعیت های مختلفه بهائی را که در دیار و ممالک
 مذکوره منتشر و پراکنده اند بتأسیس محافل مستقلّه محلیّه با اصول و موازین کافیه
 تشویق کنند و بذل مساعدت و رهنمائی نمایند و بدین طریق ارکان اولیه نظم اداری
 امر الله را در مراکز مربوطه مستقرّ و مؤسس سازند . استقرار چنین بنیان در مقام
 اول متوجه افرادی است که بهمت جامعه دوستان در امریکای شمالی به پیام الهی
 آشنا و در سراپرده امر یزدانی وارد گردیده اند . این امر خطیر گذشته از تقویت سریع
 هر جمعیت بهائی و تبدیل آن بمحفل محلی متضمّن برقراری دستگاه کامل نظم اداری
 طبق اصول و موازین روحانی و اداری امر الهی است که بر حیات و فعالیت هر جامعه
 متشکل بهائی در سراسر عالم حکم فرماست انحراف از این اصول متقنه متینه و موازین
 صریحه قاطعه که در مقررات و نظامات ملی و محلی بهائی مثبت و مسطور و در

جوامع امریه علی العموم ممضی و مجری است بهیچوجه من الوجوه جائز نه . در هر حال اقامه این وظیفه متوجه نفوس مخلصه ایست که من بعد بتأیید من الله و توفیق من لدنه قیام و در بسط و پیشرفت این خدمت عظیم که میتوان گفت هنوز بجمیع جهات و بنحو قاطع و مؤثر آغاز نشده سعی موفور مبذول خواهند نمود .

استقرار اساس و پایه متینی که بتوان بر قواعد و قوائم آن بنیان رصین تأسیسات دائم ملی و محلی را با نظم و اتقان کامل مرتفع و بنحو مطمئن مستقر و مؤسس ساخت مستلزم تهیه و تمهید وسائلی است که بزودی توجه شدید واضعان نقشه هفت ساله را بخود معطوف و افکار و اذکار آنان را در حول خویش متمرکز خواهد نمود . حال بمجرد آنکه وظیفه فوری و کنونی مربوط بفتح معدودی از نقاط باقیمانده در ایالات متحده امریک و کانادا تحقق پذیرفت باید طرحی جامع و دقیق بمنظور تأسیس چنین پایه و شالوده عظیم در نظر گرفته شود و عوامل و موجبات آن فراهم گردد . فی الحقیقه تهیه مقدمات برای تحقق و تأمین اقدامات مذکوره که دامنه آن وسیع و حوزه جمهوریات امریکای مرکزی و جنوبی را بتمامه در بر خواهد گرفت چنانکه قبلاً یادآور گردید هسته مرکزی و نقطه اتکاء نهضت

تبلیغی را که تحت نقشه هفت ساله تنظیم شده است تشکیل خواهد داد و سرنوشت نهائی آن را تعیین خواهد نمود. حال نه تنها اجراء کامل وظایف خطیره‌ای که بموجب نقشه حاضر تعهد گردیده موقوف بقیام و اقدام مذکور است بلکه ظهور و پیدایش تدریجی مراحل بعدی نیز که برای تحقق نوایای مقدسه حضرت عبدالبهاء نسبت بموقفیت یاران امریک امری قطعی و ضروری است بدان موکول و معلق میباشد و آن خدمتی است که احبای آنسامان باید در بٲ تعالیم الهی و اشاعه انوار سبحانی در سراسر کره ارض من اقصاها الی اقصاها انجام دهند.

این اقدامات هر چند نسبت بمجهودات قویّه متشکله‌ای که نسلهای آتیه یاران در ممالک لاتین بدان مفتخر و متباهی خواهند گردید در حقیقت بمنزله قدمهای اولیه در ابلاغ کلمه الهیه و نشر نفحات سبحانیه محسوب مع الوصف بنوبه خود مستلزم امعان نظر و تحقیقات دقیقه عمیقه بمنظور استقرار مهاجرین و اعزام مبلّغین سیار بممالک مذکوره است تا ندای یوم جدید را در قاره جدید مرتفع سازند و اعلام فتح و فیروزی در قطب آن دیار برافرازند. این است

تصمیمات لازمه‌ای که باید از جانب محفل روحانی مرکزی همچنین دو لجنه مربوطه یعنی لجنه ملی تبلیغ و لجنه بین القارات امریکا بدون ادنی تأخیر و تعویق اتخاذ و بموقع اجرا گذاشته شود.

با توجه بحمل ثقیل و مسئولیت عظیمی که آن برگزیدگان امر الهی بر عهده داشته و باید چنین انقطاع و از خود گذشتگی بمنصه ظهور رسانند همچنین نظر بعشق و علاقه شدید نسبت بابر از خدمت و معاضدت در حق آن یاران عزیز رحمانی بر خود فرض و متحتم می‌شمارد که توجه آنان را بنکاتی چند که بلا تردید نسبت بانجام امر بزرگی که در پیش دارند کمک مؤثر مبذول و تسهیلات لازم فراهم خواهد نمود معطوف دارد و متذکر شود که حال قوا و مجهودات اعضاء جامعه باید بالتمام با تصمیم و اراده خلل ناپذیر برای تحقق این امر خطیر که با اکمال آن موقیبت تاریخی درخشانی نصیب آن خادمان آستان ربّانی خواهد گردید و صفحه جدیدی در تاریخ خدمات

روحانی آنان خواهد گشود متمرکز و مصروف گردد تعداد مبلغین و ناشرین نفعات یزدانی اعم از نفوسی که در مراکز مختلفه متوطن و یا بسیر و حرکت مألوف بنحو محسوس ازدیاد یابد و منابع مادی که باید در اختیار آنان قرار گیرد توسعه پذیرد و تحت مراقبت و انتظام کامل در آید دایره نشریات و آثار امریه که باید بدان مجهز باشند اتّسع

یابد و تبلیغاتی که آنانرا در بٲ آثار و اشاعهٔ انوار کمک و معاضدت نماید تکمیل شود و در مرکز مخصوص متشکل و منتظم گردد امکاناتی که در این ممالک بالذات مودوع و موجود با تبصّر و توجه تامّ مطالعه و مورد استفاده واقع گردد و با انتظام کامل توسعه و تقویت پذیرد همچنین موانع و مشاکل کثیره که از نظر اوضاع و احوال سیاسی و شرایط و مقتضیات اجتماعی بانحاء مختلف در هر یک از اقالیم مذکوره موجود و مشهود دقیقاً رسیدگی و بنحو قاطع بر آنها تفوّق حاصل گردد . بعبارةٔ اُخری هیچ فرصتی از دست نرود و هیچ کوشش و مجاهدتی فروگذار نگردد . تا آنکه اساس وسیع

و بنیان متینی برای بسط و توسعهٔ بزرگترین اقدام تبلیغی که تا کنون از طرف جامعهٔ بهائی امریک اتخاذ گردیده نهاده شود و بنحو احسن تقویت و تشیید پذیرد . ترجمهٔ دقیق آثار مهمّهٔ بهائی و صحف قیمهٔ ربّانی راجع بتاریخ این امر اعظم و ذکر تعالیم سماویّه و یا مسائل مربوط بنظم اداری آئین الهی و نشر و توزیع آنها در بین جمهوریات مذکوره با ترتیب و اتقان کامل و بمقادیر عظیمه و به لغاتی که با احتیاجات ساکنین آن ملایم و موافق باشد اهمّ و الزم اقدامی شمرده میشود که بایستی مقارن با ورود خادمین و مهاجرین امر الله در میادین

خدمت جدید اتخاذ و تا آخرین مرحله امکان تعقیب و تکمیل گردد . حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح مقدسه تبلیغی میفرمایند " کتب و رسائلی بلسانهای این ممالک و جزائر یا ترجمه نمایند و یا تألیف کنند و در این ممالک و جزائر نشر دهند " . این اقدام بایستی در ممالکی که از جانب مصادر امور و یا محافل و دوائر ذی نفوذ بالمره اشکال و ایرادی متوجه نگردد با درج مقالات و لوائح ثمینه متینه در نشریات و مطبوعات جاریه کشور تقویت یابد . مقالات و لوائح مورد نظر باید بکمال دقت تنظیم و متضمن پاره ای از خصوصیات تاریخ پرهیجان این امر اقدس اعظم و وسعت و عظمت تعالیم این شرع اقوم افخم باشد تا افکار را بخود جلب نماید و بر افنده و قلوب مؤثر واقع گردد .

احساس من آنست که هر یک از یاران الهی که در آن اقطار بخدمت امر الله قائم و باعلاء کلمه الله مألوف خواه از مبلغین سیار و یا مهاجرین مقیم باید پیوسته این نکته دقیقه را نصب العین خویش قرار دهد و در تنفیذ و اجراء آن کمال همت مبذول دارد که با طریقی محبت آمیز با جمیع اهالی از اعالی و ادانی از هر طبقه و ملت و قوم و قبیلت محشور گردد و خود را

با افکار و احساسات و آداب و شئون و عقائد و مسالک آنان آشنا سازد و احسن وجه و اتقن طریق برای تماس و مصاحبه با آنان را مطالعه کند و برگزیند و بکمال صبر و استقامت و حکمت و متانت توجّه خویش را معطوف معدودی نماید که استعداد و شایستگی

خود را برای پذیرش تعالیم الهی ظاهر ساخته‌اند آنگاه با ابراز محبت و صمیمیت حقیقی روح عشق و حرارت و انجذاب و اشتعال در قلوب طالبان القاء نماید تا نفوس مقبله مطمئنّه بنوبه خویش قیام کنند و بنفسهم منادی دین الله و مروج کلمه الله در اوطان و دیار خود گردند . در این مقام این کلمات نصیحت از مخزن قلم اعلی نازل قوله العظیم " ای اهل بهاء با جمیع اهل عالم بروح و ریحان معاشرت نمائید اگر نزد شما کلمه و یا جوهری است که دون شما از آن محروم بلسان محبت و شفقت القاء نمائید اگر قبول شد و اثر نمود مقصد حاصل و الا او را باو گذارید و در باره او دعا نمائید نه جفا لسان شفقت جذاب قلوب است و مائده روح و بمثابه معانی است از برای الفاظ و مانند افق است از برای اشراق آفتاب حکمت و دانائی " . علاوه بر آنچه ذکر شد همّت دیگر باید مبذول گردد و آن این است که نه تنها هیأت‌های منتخب

بهائی بلکه افراد یاران که قصد ورود در این میدان یعنی قیام باعلاء امر الهی و نشر نفحات سبحانی دارند همچنین سایر دوستان که از فیض حرکت بآن جهات و یا استقرار و توطن در آن دیار محرومند از هر فرصتی که ید تقدیر برای آنان فراهم نماید استقبال کنند و از هر موقعیتی استفاده نمایند و با نفوسی که از اهالی و اتباع آن بلاد بوده و یا به نحوی از انحاء با سگان آن ممالک در تماس و ارتباطند از هر مسلک و مرام و صاحب هر حرفه و مقام آشنائی حاصل کنند و علاقه حقیقیه آنان را نسبت بامر الهی برانگیزانند . یاران امریک می توانند با ابراز محبت نسبت بنفوس مذکوره یا تسلیم اوراق و آثار امریه و یا هر نوع ارتباط دیگر که مقتضی و میسر باشد بذر حقیقت را در قلوب مستعدّه بیفشانند تا بمرور ایام و مقتضای احوال تخم افشانده سرسبز شود و اثمار بهیّه جنیه ببار آرد و در هر حال باید در جمیع احیان توجه دقیق مبذول گردد که مبادا در اثر اشتیاق و فیر نسبت به پیشرفت مصالح امریه اقدامی معمول و بامری مبادرت شود که نتیجه آن خلاف مقصود باشد . علیهذا باید از هر روشی که به تحمیل و فشار و دعوت بترک معتقدات تعبیر گردد خودداری شود زیرا نفس این توهم سبب ابتعاد و مهجوریت افرادی خواهد گردید که میخواهند آنان را بدایره امر الله وارد و از نعمت ایمان

بهره‌مند و متنعم سازند .

در این مقام از خادمان امر حضرت رحمن در خطهٔ امریک که در حال حاضر با مسائل و وظائف متنوعهٔ خطیرهٔ دائم الاتساع مواجه و تحت فشار عظیم قرار گرفته‌اند مخصوصاً افرادی که امکان حرکت بنقاط اُخری برای آنان میسر و مقدور است تقاضا مینماید در هر رتبه و مقام واقف و بهر پیشه و اشتغالی قائم باشند اعمّ از مکاسب و مشاغل تجاری و یا آموزگاری در مدارس و معاهد علمیه و یا امر وکالت و طبابت و یا خدمت و کتابت در مؤسّسات اداری و امثال آن محلّ زیست و اقامت دائم خود را در بلدانی قرار دهند که موجبات تأمین معاش علی قدر مقدور موجود و ادامه حیات در آن نقاط برای آنان فراهم و میسر باشد . بدیهی است با چنین اقدام و مبادرت بچنین هجرت و

حرکت بالطبع از ثقل مصارف روز افزون جامعه کاسته و بصندوق تبلیغ که در صورت عدم قیام خصوصی افراد باید احتیاجات سفر و سایر مخارج مربوط به تنفیذ این طرح وسیع را با واردات محدود عهده گیرد کمک مؤثر مبذول خواهد گردید . حال چنانچه استفاده از این فرصت جلیل و حصول چنین منقبت و افتخار عظیم برای فردی از افراد

یاران رأساً و مستقیماً میسر نباشد باید با توجّه به بیان مقدّس جمال اقدس ابهی جلّ ذکرة الأعلى و ملاحظه امکانات و مقدورات خویش و کیلی از طرف خود معین و با اجراء این امر اعزّاسنی یعنی ابلاغ کلمة الله و نشر نفحات الله مبادرت نماید قوله الأهلی " جمیع همّت را در تبلیغ امر الهی مصروف دارید هر نفسی که خود لایق این مقام اعلی است بآن قیام نماید و الا له ان یأخذ وکیلاً لنفسه فی اظهار هذا الأمر الذی به تززع کلّ بنیان مرصوص و اندکّ الجبال و انصعقت النفوس "

اما نفوسی که بترک لانه و آشیانه و قیام بخدمت در آن اقالیم موفق گردیده خواه بنحو موقت و محدود و یا بصورت دائم و مستمرّ تکلیف خاصّ و وظیفه مخصوصی متوجّه آنان است که باید پیوسته در مدّ نظر داشته و آن را یکی از مآرب اصلیه خویش شمارند و آن این است که از یک طرف بکمال همّت و مراقبت با لجنه ملی که اداره و تقدّم امر هجرت بالأخصّ بعهدہ آن هیأت محوّل است در تماس و ارتباط دائم باشند و از طرف دیگر بجمیع وسائل ممکنه باب معاضدت و همکاری را بنهایت الفت و وداد و محبّت و اتحاد با سایر دوستان

مقیم آن ممالک و دیار مفتوح نمایند واجد هر مقام و موقعیتی باشند و صاحب هر قسم تجربه و فعالیت در اثر انجام وظیفه اولی یعنی تماس با لجنه ملی موجبات تشویق و ترغیب آنان فراهم و رهنمائی لازم که بتوانند رسالت و مأموریت خویش را بنحو کاملتر و مؤثرتری انجام دهند تحصیل خواهد گردید بعلاوه بوسیله ارسال تقاریر منظم بلجنه مذکور میتوانند اخبار ترقیات و فعالیتهای امریه حوزه خویش را بسمع دوستان الهی در سایر اقطار و اقطار برسانند و آنان را در مسرت و انبساط حاصل از استماع بشارات روحانی و موفقیتهای امریه سهیم و شریک سازند .

اما اجرای وظیفه ثانی موجب آنست که پیشرفت و حسن جریان امور تسهیل و از هر پیش آمد نامطلوب که تحقق اهداف مشترک جامعه را دچار وقفه و اشکال نماید احتراز گردد . حفظ ارتباط و هم آهنگی تام بین لجنه بین القارات امریکا که در مقام اول مسئول تنظیم و تمشیت چنین مشروع عظیم است و مهاجرین عزیز که عملاً باجاء این وظیفه جلیل قائم و به بسط و توسیع دایره آن مألوفند همچنین ارتباط و تماس نزدیک بین افراد مهاجرین بنفسهم علاوه بر آثار و نتایج مهمه قطعیه ای که در حال حاضر مترتب بر آن است سرمشق گرانها

و الهام بخشی برای نسلهای آتیه که باید امر خطیری را که هم اکنون آغاز شده تعقیب و با وجود مشاکل و محظورات دائم الاتّساع بسر منزل مقصود واصل نمایند خواهد بود .

مخصوصاً در این اوان که مشکلات و تضییقات مختلفه در ممالک مورد نظر مانع از آن است که عدّه قابل ملاحظه‌ای از یاران و مجاهدان امر حضرت رحمن باستقرار محلّ اقامت خویش در آن اقالیم موفّق و بتأمین وسائل معیشت نائل گردند این مسأله حائز نهایت اهمّیت و لزوم است که اگر پاره‌ای از افراد دوستان که عوایدشان ولو قلیل زندگانی مستقلّی را در نقاط مذکوره اجازه دهد امور خود را نوعی ترتیب دهند که بتوانند در آن ممالک و دیار متوطن گشته و بطور نامحدود سکونت پذیرند بدیهی است قیام باین خدمت مستلزم ثبات و استقامت فراوان و ابراز شهامت و فداکاری بی پایان است . فی الحقیقه قدر و منزلت این اقدام کما هو حقّه در این ایّام معلوم نه و اجر و ثواب عظیمی که بقائمین باین خدمت راجع قابل شرح و توصیف نیست . در این مقام احسن و اولی آنکه بیان مبارک حضرت بهاءالله را بخاطر آریم و در بحر زخار کلمات روح پرورش تعمّق کنیم که میفرماید قوله الأبدع الأعزّ الأسنی " إنّ الدین هاجروا من اوطانهم

لتبليغ الأمر يؤيدهم الروح الأمين ... لعمرى لا يقابله عملٌ من الأعمال
 إلا ما شاء ربك المقتدر القدير أنه لسيد الأعمال و طرازها " . فى الحقيقه
 اين اجر جزييل و پاداش جميل محدود ببركات و مواهب لا تحصى در عالم بالا و نشأه
 أخرى نبوده بلکه ابراز چنین شجاعت و ايمان و تمسک بحبل اطاعت و ايقان در حيز
 ادنى نیز موجب ظهور اثرات محسوس و نتایج و ثمرات مخصوص است . موفقیتهای
 جسيمه

روحانى و ادارى که در قاره نائیه استراليا و اخيراً در خطه بلغار بهمت
 مهاجران عزيز نمايندگان جامعه بهائى در دو کشور کانادا و ايالات متحده امريکا
 بدست آمده دليل قاطع و برهان لامع براين حقيقت مبرمه است که قيام و جانفشانى
 در سبيل قدس الهى حتى در جهان ترابى مغناطيس تأييدات سماوى و جاذب الطاف و
 مواهب سبحانى است . جمال قدم جل ذکره الأعظم در يکى از الواح قدسيه در تشریح
 مقامات دوستان که بخدمت امر حضرت رحمان قائم باين بيانات عاليات ناطق قوله
 العظيم " و نفسه الحق سوف يزين الله ديباج كتاب الوجود بذكر احبائه الذين
 حملوا الرزايا فى سبيله و سافروا فى البلاد باسمه و ذكره و يفتخر كل من فاز
 بلقائهم بين العباد و يستنير بذكرهم من فى البلاد " .

در این مقام چون خدمات گرانبھائی را که حضرات اماء الرحمن کنیزان جمال اقدس ابھی از بدو طلوع و اشراق امر مقدس الھی در دیار غریبہ نسبت بتسخیر مڈن و فتح اقطار در سراسر کرۂ ارض فریداً و حیدراً انجام داده‌اند در نظر آرم خود را ملزم می‌شمارم که نہ تنها مراتب تجرد و انقطاع و قیام و ہمت و استغنا و شہامت آنان را کہ فی الحقیقہ خاطرات جانفشانی مردان دلاوری را کہ در صدر امر مایہ بسط و اعتلاء آئین اعزّ اقدس ابھی گردیدہ‌اند تجدید مینماید تمجید و تقدیر نمایم بلکہ اہمیت چنین سہم عظیمی را کہ نساء غرب در تقویت و استقرار امر الھی در بسط غبرا بمنصۃ ظهور رسانندہ و میرسانند بیان کنم و بستایم . حضرت عبدالبہاء بنفسہ المقدس بر این حقیقت متعالی یعنی علو مرتبت و سمو منزلت نسوان در ظلّ این امر اعظم شہادت دادہ میفرمایند " از جملہ مسائل خطیرہ کہ فی الحقیقہ از خوارق عادات محسوب و از خصائص این دور مقدس شمرده میشود آن است کہ چون نساء در

ظلّ کلمۃ اللہ مستظلّ و بصفوف مؤمنین و مروّجین امر اللہ ملحق گشتند شجاعت و بسالت بیشتری نسبت برجال از خود بمنصۃ ظهور رسانند (۱) "

(۱) ترجمہ

این شهادت جلیل و قویم بنحو اخصّ باشطار غریبه راجع و هر چند تا این تاریخ مصادیق درخشنده و تابان آن بنحو جلیّ مشهود و ملحوظ ولی امید چنان است که چون یاران امریک بمجّلل ترین مرحله از خدمات تبلیغی خویش تحت نقشه هفت ساله قدم نهند

مظاهر این حقیقت در طیّ شهور و اعوام شاخص تر و قوی تر جلوه نماید . " شجاعت " که در کلمات مبارک مذکور و مساعی و مجهودات ماضیه اماء الرّحمن بدان موصوف و منعوت

چون در آستانه خدمات عظیم تر و مشعشع تری قرار گیرد البتّه مقنوع نشود و از جلوه و لمعان نیفتد بلکه باید بمرور زمان و در طول و عرض این اقالیم وسیعه غیر مفتوحه در امریکای لاتین بنحو شدیدتر ظاهر و نمایان گردد و بفتوحاتی اعلی و اجلّ از آنچه تا کنون بدان توفیق یافته اند در خدمت امر اعزّ ابهی نایل آید .

همچنین با ملاحظه قیام و فعّالیّت یاران و توجه بامکانات عظیمی که چنین نهضت فخیم روح مشتاق و پرانجذاب جوانان بهائی امریک را در خدمت امر حضرت منّان تهییج مینماید احساس میکنم که باید کلمه ئی چند خطاب بآن نورسیدگان دوحه عرفان و گلهای حدیقه ایمان و ایقان بنحو اخصّ در این اوراق بنگارم . هر چند تجارب ایشان قلیل و بضاعتشان مزجاة و زهید است

ولی روح همّت و شهامت و فعّالیّت و آمادگی بخدمت و بالأخره امید و اطمینان که تا کنون با علاقه و تمسّک تامّ از خود ظاهر و آشکار ساخته‌اند آنان را مستعدّ و لائق آن میسازد که در آن اقالیم در برانگیختن افکار جوانان و جلب و جذب آنان بآئین حضرت رحمن سهم بزرگی بر عهده گیرند . هیچ امری نمیتواند مانند شرکت مداوم و مؤثّر و خردمندانه جوانان بهائی از هر طبقه و ملت و قوم و عشیره در دایره خدمات تبلیغی همچین مجهودات اداری روح جوان و نیروی فعّاله‌ای را که ممدّ حیات و محرک تأسیسات امر نوزاد الهی است در انظار ناس در هر دو قاره مشهود و جلوه‌گر سازد . این تعاون و تعاضد در خدمات و مجهودات امریّه بهترین وسیله‌ایست که بموجب آن اعداء دین الله که ترقّی و تکامل آئین رحمانی و مشروعات و مؤسّسات یزدانی را با شدّت و ضعف با نظر مخالفت و تنقید و بی‌ایمانی و تردید مینگرند باین حقیقت مسلمّه پی برند و موقن و مدعن گردند که شریعه الله زنده و نبّاض و اساسش محکم و متین و مقدّراتش مستحکم و رصین است . امیدوارم و بجان و دل دعا و

مناجات نمایم که چنین اشتراک مساعی نه تنها موجب ازدیاد افتخار و قدرت و مزید اعتلاء و شهرت امر الله

گردد بلکه نفس همکاری در حیات روحانی جوانان و تقویت قوای آنان چنان نافذ و مؤثر افتد و ارکان و جوارح جامعه جوانان بهائی را بدرجه‌ای متحد و مرتبط نماید که بیش از پیش با برآز قابلیت و استعداد ذاتیّه خویش موفق و بمرحله‌ی بدیعی از تکامل روحانی در ظلّ امر حضرت سبحانی نایل و مفتخر گردند .

با تمسّک شدید بمنشور مقدّسی که بقلم معجز شیم مولای توانا حضرت عبدالبهاء ترقیم گردیده و با اشتیاق تامّ نسبت باجاء دقیق و کامل مندرجات آن فرمان ملکوتی این عبد وظیفه خویش می‌شمارد که توجّه مخصوص یاران الهی و دوستان رحمانی را که این امانت عظیم و سند متقن قویم بکف کفایت آنان سپرده شده باحتیاجات شدید و مقام و موقعیّت خاصّ جمهوری پاناما هم از لحاظ قرب جوار بقلب و مرکز امر الهی در امریکای شمالی و هم از نظر وضع جغرافیائی که در حقیقت نقطه ارتباط و حدّ فاصل بین دو قاره شمالی و جنوبی است جلب نمایم . در یکی از الواح مهیمنه تبلیغی که ذکر ممالک لاتین از یراعه مبارک صادر گشته این بیان صریح مدوّن و مسطور " جمیع ممالک اهمیّت دارد علی الخصوص جمهوری پاناما

که در آن مرکز محیط آتلانتیک و محیط پاسیفیک بهم ملحق میشوند و مرکز عبور و مرور از امریکا بسائر قطعات عالم است و در آینده اهمیّت کبری خواهد یافت " و در مقام دیگر راجع بانتشار نفحات الهیّه در مُدن و اقالیم مخصوصه میفرماید " همچنین جمهوری پاناما زیرا در آن نقطه خاور و باختر با یکدیگر اتصال یافته و در میان دو محیط اعظم واقع این موقع در مستقبل بسیار مهمّ هر تعالیم که در آنجا تأسیس یابد شرق و غرب و جنوب و شمال را بیکدیگر ارتباط دهد " . بدیهی است چنین موقع خاصّ و مقام ممتاز مستلزم بذل توجه مخصوص و اقدام سریع از طرف جامعه بهائیان امریک فارسان مضممار احدیّه است که علم امر الله را در آن قطر برافرازند و رایت دین الله را مرتفع سازند . اکنون با فتح جمهوری مکزیک و دخول آن در نطق آئین الهی و با وجود تأسیس محفل روحانی مستقلّ در عاصمه آن اقلیم نفوذ و سرایت امر الله از جانب جنوب در یک کشور مجاور امری طبیعی و منطقی است امید چنان است که در تحقّق این منظور محظوری فراهم نگردد و در اجراء این مقصود مانعی رخ نگشاید . فی الحقیقه هر گونه سعی و مراقبت در این خصوص مبذول و هر میزان فداکاری و مجاهدت معمول شود شایسته و برازنده است تا بعنایت الهی بتشکیل جمعیتی هر چند محدود و معدود در

چنین خطه‌ای که از لحاظ روحانی و موقعیت ارضی چنین جنبه حسّاس و سوق الجیشی را داراست موفق گردند جمعیتی که بمجرد تأسیس و استقرار با استظهار بقوت و قدرت مودعه در کلمات مبارک حضرت عبدالبهاء بجلب برکات و مواهب ملکوت ابهی فائز و

با سرعت حیرت انگیز رهسپار ترقی و تکامل که موجب تحیر و اعجاب کلّ حتی نفوسی که خود شواهد جلیّه قدرت و عظمت امر حضرت بهاءالله را برای العین از قبل و بعد مشاهده نموده‌اند خواهد گردید . بلا تردید نفوسی که در مقام هجرت و ترک اوطان مألوفه‌اند همچنین اعضاء لجنة بین القارّات امریکا باید احتیاجات معنوی این جمهوری ممتاز یعنی جمهوری پاناما را بر قسمتهای دیگر مرجح شمارند و رابطه انفصام ناپذیری بین قسمت مذکور و محافل روحانیّه در قاره امریکای شمالی که مولود جدید را بمنزله امّ روحانیند برقرار کنند ولی این اقدام نباید موجب آن شود که معرفی امرالله در جمهوریّات گواتمالا و هندوراس و السالوادرو نیکاراگوا و کستاریکا نیز ولو بنحو بسیط و در رتبه اولیّه از نظر دور ماند و این امر مهمّ بعهدہ تعویق افتد . موانع و محظورات هر چند شدید و پرمهابت باید بقوّه ثبات و استقامت مرتفع و منابع مالی جامعه بکمال همت و سخاوت در راه وصول

باین منظور مصروف و مساعی جمیله قویه در ایفاظ روحانی این سرزمین مبذول شود . نظر قاطع این عبد آنست که تأسیس پایگاه دیگری از امر الهی در قلب جمهوری پاناما صفحه جدیدی در تاریخ وقایع مهمه و حوادث درخشان عصر تکوین امر حضرت بهاءالله در عالم جدید مفتوح خواهد نمود و فرصتهای بدیعه در دسترس نفوسی که بتحقق این مقصد اعزّاعلی مبادرت نمایند خواهد گذاشت مساعی آنانرا تشدید و حیات روحانیشانرا تقویت و تأیید خواهد نمود همچنین مسرت و شهامت بی پایان در قلوب افراد و جمعیتها و مراکز منفرد در جمهوریات قریب و بعید ایجاد خواهد کرد و نفوذ معنوی بس شدید در حیات و ترقیات آتیه مردم آن بلاد بر جا خواهد گذاشت نفوذی که بظاهر از انظار مستور ولی در باطن و حقیقت امر واجد قدرت و تأثیر بی منتها است .

دوستان عزیز و محبوب این است دورنمای مجللی که اکنون در برابر دیدگان جامعه بهائی امریک لائح و نمایان و مستدعی بذل همّت و مجاهدت فراوان در سنین اخیره قرن اول امر حضرت یزدان است . این است شئون و احوال و این است شرایط و اوصاف که

برای شمول توفیق در انجام وظائف و مسئولیتهای خطیره یاران بنحو اکمل

و اتمّ مورد نیاز و ضرورت است . این است مقتضیات و امکانات و این است اهداف
نقشه منیعه‌ای که مستلزم قیام و اقدام تا آخرین سرحدّ توانائی و امکان است . در
این سنین معدوده زود گذر جهان بشریت آستن حوادث عظیمه و بلا یای عقیمه
سقیمه‌ایست که چشم عالم شبه آن را ندیده و در انتظار انقلاب و وقایع هائله‌ایست
که صفحات تاریخ نظیر آن را درج ننموده است . خطرات و آفات هر چند صائل و مهیب و
هبوب عواصف امتحان هر قدر پروحشت و شدید و سیل جارف بلیات هر مقدار مُدهش و
وییل هرگز نباید اشعه فروزان ایمان را در قلوب دوستان افسرده نماید و اعین و
ابصار را مقنوع و تصمیماتشان را متزلزل و مقطوع سازد و تهدیدات و تضییقات بهر
میزان پر دغدغه و آشوب و مخاطر و مهالک بهر درجه مقاوم و مُهاجم هرگز نباید از
مراتب خلوص و اشتیاق احبّای الهی نسبت بآئین رحمانی بکاهد و آنان را از
طریقی که بجان و دل اختیار نموده و باهتمام تمام در پی آن پویانند منحرف سازد .
نقشه حاضر که جوهر آمال و گل شکفته مآرب و نوایای مولای عظیم حضرت عبدالبهاء
را در ملکوت ابهی تشکیل میدهد باید من غیر توجه بآنچه احیاناً در آتیه ایّام
بر خادمان امر حضرت

رحمن وارد آید و یا هر اضطراب و بحران که سرزمین آنان و یا سراسر جهان را فرا گیرد بکمال جدّ تعقیب و با انجذاب و حرارت بی پایان دنبال گردد. یاران الهی و حامیان شریعت ربّانی باید بدون آنکه ادنی خللی در عزم و اراده آنان راه یابد و یا در کمترین لحظه وظیفه خطیر و متعالی خویش را بدست فراموشی و نسیان سپارند این لطیفه دقیقه را هر قدر اوضاع و حوادث عالم تیره و شدید گردد و زوابع افتتان ارکان وجود را متزلزل سازد از خاطر محو نمایند که تقارن چنین بحران و تحوّل عظیم که عالم وجود را مندهش و مرتعش نموده با علوّ و امتناع امر الله و سموّ و اعتلاء کلمه الله و اقتطاف اثمار رسالتی که از جانب حیّ قدیر برافغان امر الهی اعطا شده بنفسه لِنَفْسِهِ مِنْبَعَثُ مِنْ مَشِيَّتِ نَافِذِهِ رَحْمَانِي وَ حَكْمَتِ بَالِغِهِ سُبْحَانِي وَ ارَادَةُ غَالِبِهِ مَحِيْطُهُ يَزِدَانِي اِسْتِ اراده و مشیّتی که در طریقی مستور از انظار و ماوراء عقول و افکار سرنوشت امر الله همچنین مقدرات جامعه بشریه را توأمّاً هدایت و بسر منزل مقصود و منظور حقیقیّه خویش دلالت مینماید. این صعود و نزول و تألیف و تحلیل و انتظام و انقلاب که بموازات یکدیگر در عالم وجود مشهود و تأثیرات متقابله اش مستمرّ و محسوس انعکاسی از عالم بالا و جلوه ای از نقشه

اعظم اقدس ابھی است نقشہ واحد و غیر قابل انفصالی کہ مبدئش غیب مکنون و مؤسس و موجودش شارع این امر اعزّاعلی و دایره تصرفاتش بسیط غیرا و مقصد و هدف نہائیش وحدت عالم انسان و استقرار صلح و سلام در بین کافّہ انام است .

این حقایق و دقایق است کہ جامعہ بھائی را باید بتمامہ در تصمیمات خویش راسخ و ہرگونہ بیم و ہراس و یأس و نومیدی را از صفحہ ضمیرشان محو و زائل نماید و آنان را بر آن دارد کہ با تمسک شدید بہ یک یک از مندرجات منشور مقدّسی کہ خطوط اصلیّہ آن از قلم توانای حضرت عبدالبہاء ترسیم یافتہ بار دیگر حیات خویش را وقف اجراء موجبات و تأمین مقتضیات آن نمایند . نقشہ ہفت سالہ چنانکہ از پیش مذکور گردید صرفاً مرحلہ اولی در تدرّج بمدارج عالیہ و تحقّق نوایای مکنونہ در این رقّ عظیم و فرمان فحیم آسمانی است قوہ نباضہ کہ در اثر حرکت قلم مقدّس ایجاد گردید و اکنون با سرعت دائم التّزایدی مشروعات و مؤسسّات نقشہ بدیعہ را پیشرفت و تقدّم میدہد باید در سنین اولیّہ قرن ثانی این امر اعظم جنبش تازہ یابد و بسط و انبساط بی اندازہ حاصل نماید و جامعہ بھائی امریک را

بر آن دارد که مراحل جدیدی را در تنفیذ و تحقّق نقشه ملکوتی الهی آغاز نمایند
 مراحلی که خدمات و مشروعات حاصله را از اقطار نیمکره شمالی بسرزمینهای تازه
 منتقل و بین مردمی که اجلی و اعلیٰ مساعی فداکارانه یاران باید در میان آنان
 تمکّن و استقرار پذیرد متواصل خواهد گردانید .

آنانکه نسبت بموقّیّت این جامعه معزز و مدارجی که بتقدیرات غیبیّه الهیّه
 باید بمرور ایّام بدان ارتقاء یابد ادنی تردید در قلب و روان بیورانند آن به
 که بجواهر کلماتی که در صدف الواح تبلیغی حضرت عبدالبهاء خطاب بجمهور مؤمنین
 و مؤمنات ایالات متّحده امریک و کانادا مکنون و به ممرّ دهور و اعصار درخشنده
 و تابان و پرجذبه و لمعان باقی خواهد ماند توجّه نمایند و در بحر زخار حقایق
 و دقایق آن تعمّق و تبخّر کنند قوله الاحلی " حال موقّیّت شما هنوز معلوم و
 مفهوم نگشته عنقریب خواهید دید که هریک مانند ستاره‌های درّی درخشنده در آن
 افق نور هدایت بخشیدید و سبب حیات ابدیّه اهل امریک شدید " همچنین موقّیّت شما
 حال معلوم نه امیدوارم که بزودی موقّیّت شما زلزله در

آفاق اندازد لهذا عبدالبهاء را آرزو چنان است که مثل خطّه امریک در سائر قطعات عالم نیز موفق و مؤید شوید یعنی صیت امرالله را بشرق و غرب رسانید و در جمیع قطعات خمسّه عالم بشارت بظهور ملکوت ربّ الجنود دهید " و در مقام دیگر بکمال تجلیل و تأکید میفرماید " این نداء الهی چون از خطّه امریک باروپ و آسیا و افریک و استرالیا و جزائر پاسیفیک رسد احبّای امریک بر سریر سلطنت ابدیه جلوس نمایند و صیت نورانیّت و هدایت ایشان بآفاق رسد و آواز بزرگواریشان جهانگیر گردد ". هر نفسی در این کلمات درّیات که حاوی وعود و بشارات جلیّه عظیمه است تمعّن و تدبّر نماید هرگز تصوّر آن نتواند نمود که جامعه‌ای که چنین مقامات متعالیه در شأن وی مقدر گشته و بچنین مواهب جلیله عظیمه مفتخر و متباهی گردیده است با وجود وعود و بشارات مصرّحه که حتّی اختتام موفّقیّت آمیز نقشه هفت ساله تحقّق کامل آن محسوب نگردد خود را صرفاً بآنچه که در آتیه نزدیک نصیب وی گردد راضی و خوشنود

سازد و آن را سرحدّ کمال و مفخرت خویش شمارد . فی الحقیقه قناعت و اکتفاء بدین مقدار از فتوحات و انتصارات

بمنزله غفلت و عدم مراقبت در حفظ ودیعه گرانبھائی است که هیکل میثاق آن جامعه خدمت عنایت فرموده بلی چنانچه رشته فتوحات منقسم گردد و فعالیت‌های جامعه جهة حصول موفقیت نهائی که بفرموده مبارک " زلزله در آفاق اندازد " انقطاع پذیرد آمال و نوایای حضرتش بمرحله عمل وارد نشود و وصایا و نصایح مقدّسش بموقع اجرا گذاشته نگردد . تزلزل و تردید در فوز باین مقصد اعزّاعلی یعنی " ایصال نداء الہی از خطّہ امریک باروپ و آسیا و افریک و استرالیا و جزائر پاسیفیک " و ارتفاع کلمة اللہ در آن قطعات بمتابہ آنچه در قطعہ امریک ملحوظ و مشہود احبّای آن سامان را از درک این موهبت عظمی و عنایت کبری یعنی جلوس بر " سریر سلطنت ابدیہ " محروم و عدم توفیقشان در بشارت به " ظہور ملکوت ربّ الجنود " در " قطعات خمسہ عالم " آنان را از نیل باین فیض عظیم و فوز فخیم یعنی انتشار " آوازہ بزرگواریشان " در شرق و غرب عالم ممنوع خواهد ساخت صیت و صوتی کہ در صورت موفقیت " جهانگیر " گردد و انعکاس آن بسیط غیرا را احاطہ نماید . این عبد را عقیدہ راسخ چنان است کہ احبّای امریک رافعان لوای امر جمال

اقدس ابھی و متمسکین بعروه وثقی هرگز چنین تردید و غفلت بخود راه نخواهند داد
 و چنین فتور و رخوت از خود ظاهر نخواهند ساخت و چنین ثقه و اعتماد عظیم را عاطل
 و باطل نخواهند گذاشت بلی چنین اشواق و آمال هرگز افسرده نگردد و چنین افتخار
 و مباهات از کف نرود و چنین تحسین و تکریم نگفته و نهفته باقی نماند بلکه نسل
 حاضر که مورد عنایات و اعطاف قلبیّه مبارک و محلّ الطاف و توجّهات مخصوصه مرکز
 عهد و میثاق الهی روح الوجود لعظمته الفداء واقع قدم بقدم پیشرفت خواهد نمود
 و روز بروز تقویت و تقدّم خواهد یافت تا با اختتام قرن اول دور بهائی مشعل
 هدایت الهیه را که بیقین مبین از تند باد حوادث و تطوّرات عالم کون مصون و
 محفوظ باقی خواهد ماند به نسلهای آتی که در قرن ثانی این دور اعظم جانشین آن
 خدام ملکوت خواهند گشت و آگذارد تا آنان نیز بنوبه خویش با اطمینان تامّ و
 تمسک شدید باراده متعالیه حضرت عبدالبهاء و اتباع از تعلیمات و ارشادات آن
 وجود اقدس این نور مبین و پرتو امر حضرت ربّ العالمین را با همان شور و انجذاب
 و همّت و قدرت و پایداری و استقامت به مظلم ترین زوایای ارض کشانند و از اشراق
 انوار هدی و شعشعات ملکوت ابھی عالم و عالمیان را روشن و

دوستان محبوب با اشتیاق موفوری که بابر از کمک و معاضدت نسبت بفرد فرد یاران عزیز داشته و دارد این عبد بر خود فرض و متحتم می‌شمارد که آنچه در قدرت و توانائی اوست در اختیار احبای الهی و خادمان امر رحمانی بگذارد تا بعون و عنایت یزدانی و وظائف دائم التزاید خویش را که باراده محتومه الهیه مقدر و مقرر گردیده بنحو مؤثرتری انجام دهند . این است که در این ساعت خطیر و موقع حساس و دقیق توجه مخصوص دوستان را باین بیانات عالیات که از بحر زخار آثار و کلمات مقدس شارع این امر اعظم اقتباس گردیده است معطوف میدارد آثار و کلماتی که هنوز قسمتی از آن غیر مطبوع و از لغت اصلیه بلغات اخری انتقال نیافته است . این بیانات مقدسه که بعضی در تبیین مقام و وظائف اولیای الهی و برخی در ذکر عظمت و اعتلاء آئین ربّانی و تأکید در لزوم و اهمیّت امر جلیل تبلیغ و تشریح خطراتی که عالم وجود را تهدید مینماید با بیان نصایح و اندازات و وعود و بشارات و توصیف آتیه درخشان امر الله از سماء قدرت و اراده مطلقه حضرت بهاء الله نازل گردیده شمه‌ای از آثار

مقدّسهٔ هیكل معبود و لمعه‌ای از انوار ساطعه از جمال مقصود است که هر یک را بذاته لذاته نسبت بوظائفی که عملاً در برابر جامعه بهائی قرار گرفته دارای تأثیر قویم و ارتباط مستقیم است . حال چون نفسی با خضوع و خشوع تامّ و انجذاب و اجتناب بی‌پایان باین کلمات درّیّات توجّه و در حقایق مودوعهٔ در آن تمعّن و تفرّس نماید ابواب جدیدی بروجّهش مفتوح و اشراقات بدیعی بر قلب و روانش مشرق و لامع گردد بنحوی که زیت وجودش مشتعل شود و در انجام مهمّ و خدمات فائقهٔ روحانیّه تقویت و تأیید عظیم حاصل نماید قوله الأبدع الأعزّ الأعلى " ای دوستان قدر و مقام خود را بدانید ... شمائید انجم سماء عرفان و نسائم سحرگاهان شمائید میاه جاریه که حیات کلّ معلّق بآن است و شمائید احرف کتاب " " یا اهل البهاء انتم نسائم الرّبيع فی الآفاق بکم زینّنا الأمکان بطراز عرفان الرّحمن و بکم ابتسم ثغر العالم و اشرفت الأنوار تمسّکوا بحبل الاستقامة علی شأن تنعدم منها الأوهام . ان اخرجوا من افق الأقتدار باسم ربّکم المختار و بشّروا العباد بالحکمة و البیان بهذا الأمر الذی لاح من افق الأمکان ایاکم ان یمنعکم شیء عمّا أمرتم به من القلم الأعلى اذ تحرک علی اللّوح بسطان العظمة

والاقتدار طوبی لمن سمع صريره اذ ارتفع بالحق بين الأرضين والسّموات ... يا
 اهل البهء قد جرى كوثر الحيوان لأنفسكم ان اشربوا منه باسمى رغماً للذين
 كفروا بالله مالک الأديان " " قد جعلناكم ايدى الأمر ان انصروا المظلوم
 إنه ابتلى بين ايدى الفجّار انه ينصر من نصره و يذكر من ذكره يشهد بذلك هذا
 اللّوح الذى لاح من افق عناية ربكم العزيز الجبّار " " طوبى لأهل البهء حق شاهد
 وگواه که اين جمع قرّة عين خلقت اند و نور ديده ابداع و فطرت بوجود آنان عوالم
 الهى زينت يافته و لوح محفوظ سبحانى بطراز بديع مطرّز گردیده است .
 آنانند نفوسى که بر سفينه استقلال راكب اند و ابصارشان بمطلع جمال
 متوجه . حبّذا لهم که بآنچه خداوند علیم و حکيم برای آنان اراده
 فرموده موفق گشته اند . بروشنى ايشان آسمانها مزین و وجوه مقربين الى الله
 درخشنده و تابان گردیده است (۱) " " قسم بحزن جمال ذوالجلال که از برای
 مقبل مقامى مقدّر شده که اگر اقلّ من سمّ ابره از آن مقام براهل ارض ظاهر
 شود جميع از شوق هلاک شوند اين است که در حيات ظاهره مقامات
 (۱) ترجمه

مؤمنین از خود مؤمنین مستور شده " " لو كشف الغطاء لينصعق من فى الأماكن
من مقامات الذين توجهوا الى الله وانقطعوا فى حبه عن العالمين " " براستی
میگویم احدی از اصل این امر آگاه نه " " در این یوم باید کلّ باعین
الهی ببینند و با اذن رحمانی بشنوند . من ينظرنى بعين غيرى لن يعرفنى ابداً
مظاهر قبل هیچیک بر کیفیت این ظهور بتمامه آگاه نه الا على قدر معلوم "
" تالله الحقّ إنّ الأمر عظیم عظیم هذه كلمة كررها فى اكثر الألواح لعلّ
يتنبه بها العباد يشهد بذلك لسانى العزيز المبین " " امر عظیم است و نبأ عظیم "
" در این ظهور ابداع اقوم ظهورات ماضیه کلّ بمقصد اعلى و غایت قصوای
خویش فائز گشته اند (۱) " " قد انتهت الظهورات الى هذا الظهور الأعظم "
" آنچه در این ظهور امانع اعلى ظاهر شده در هیچ عصری از اعصار ظاهر نشده و
نخواهد شد " " مقصود از آفرینش ظهور این یوم اقدس که در کتب و صحف و
زُبر الهی بیوم الله معروفست بوده و جمیع انبیا و اصفیا و اولیا طالب لقای این یوم بوده اند "
(۱) ترجمه

" آنچه از لسان و قلم ملل اولی از قبل ظاهر فی الحقیقه سلطان آن در این ظهور اعظم از سماء مشیت مالک قدم نازل " " این رحمت مخصوص این ایام است و این کرم لایق این اوقات " " امروز روزی است که بحر رحمت ظاهر است و آفتاب عنایت مشرق و سحاب

جود مرتفع " " لعمری ان الامر عظیم عظیم و الیوم عظیم عظیم " " بشر کلّ نبیّ بهذا الیوم و نأخ کلّ رسولٍ حبّاً لهذا الظهور " " ظهوری که چون از آسمان اراده رحمان اشراق نمود السن کائنات باین بیان منادی گشت الملک لله العلیّ العظیم (۱) " " یوم موعود فرا رسید و آنکه ظهورش در کتب و صحف الهیه بشارت داده شده باعلی النداء من فی الأرض و السماء را باین خطاب اعلی مخاطب میسازد لا اله الا هو المهیمن القیوم (۱) " " تالله قد ظهر ما کان مخزوناً فی ازل الازال فی علم الله عالم الغیب و الشهود " " طوبی از برای چشمی که مشاهده نمود و وجهی که بوجه الله ربّ ما کان و ما یكون توجه کرد (۱) " " امروز عظیم است چه که در جمیع کتب بیوم الله معروف جمیع انبیا و اصفیا (۱) ترجمه

طالب لقای این یوم بدیع بوده‌اند و همچنین احزاب مختلفه ارض " " امروز بابی مفتوح است اوسع از سموات و ارض و لحاظ فضل مقصود عالمیان متوجه کل عمل بسیار جزئی در مرآت علم الهی اکبر از جبل مشاهده میشود یک قطره آب اگر در سیلش داده شود در آن مرآت دریا دیده میشود چه که این یوم یومی است که در جمیع کتب حق جلّ جلاله انبیا و اصفیای خود را بآن بشارت فرموده " " این است امری که اگر یک قطره در سیلش گم شود صد هزار بحر مکافات آنرا مشاهده نماید یعنی مالک شود " " یک آن این یوم عند الله افضل است از قرون و اعصار... آفتاب و ماه شبه این یوم را ندیده " " هذا یومٌ فیه یقول اللّاهوت طوبی لک یا ناسوت بما جعلت موطیء قدم الله و مقرّ عرشه العظیم " " امروز عالم بانوار ظهور منور و جمیع اشیاء بذکر و ثناء و فرح و سرور مشغول در کتب الهی از قبل و بعد بیاد این یوم مبارک عیش اعظم برپا طوبی از برای نفسیکه فائز شد و بمقام یوم آگاه گشت " " امروز آفتاب دیگر اشراق نموده و

آسمان دیگر به ثوابت و سیارات مزین گشته عالم عالم دیگر است و امر امر دیگر " " هذا يوم لا تعادله القرون اعرفوا ولا تكونوا من الغافلين " " هذا يوم " " فيه فازت الآذان باصغاء ما سمع الكلیم فی الطور والحییب فی المعراج والروح اذ صعد الى الله المهیمن القيوم " " يوم يوم الله است و امر امر او طوبی از برای نفسی که از عالم گذشت و بمشرق وحی الهی پیوست " " هذا سلطان الايام قد اتی فيه محبوب العالمین و هذا لهو المقصود فی ازل الازال " " امروز سید روزها و سلطان ایامهاست مبارک نفسی که از نفحات این ایام بحیوة باقیه فائز شد و باستقامت کبری بر امر مالک اسماء قیام نمود اوست بمنزله بصر لهیکل البشر " " این یوم را مثلی نبوده و نیست چه که بمثابه بصراست از برای قرون و اعصار و بمثابه نور است از برای ظلمت ایام " " این یوم غیر ایام است و این امر غیر امور " " از ساحت الهی مسألت نمائید که اعین ناس را از مشاهده آیاتش محروم نسازد و آذان را از استماع صریر قلم اعلی منع ننماید (۱) .

" ایام ایام الله است بیک آن آن قرون و اعصار معادله نمی نماید . ذرّه این
یوم بمثابه خورشید مشاهده میگردد و قطره اش مانند دریا اگر نفسی یک نفس فی
حبّ الله و لخدمته برآرد او از سیّد اعمال از قلم اعلی مسطور " " اگر فضائل
این یوم ذکر شود کلّ منصعق مشاهده شوند الا من شاء ربّک " " تالله الحقّ تلک
ایام فیها امتحن الله کلّ النّبیین و المرسلین ثمّ الذین هم کانوا خلف
سرادق العصمة و فسطاط العظمة و خباء العزة " " اگر مقام این یوم ظاهر شود
آنی از او را بصد هزار جان طالب و آمل شوند تا چه رسد بارض و زخارف آن "
" خدای واحد شاهد و گواه امروز روزی است که هر صاحب بصری باید مشاهده نماید و

هر

صاحب سمعی باصغاء فائز گردد و هر قلب مُدرکی بدرک حقیقت نایل آید و هر لسان
ناطقی این نام اعزّ اقدس اعلی را بمسامع من فی الأرض و السّماء برساند (۱) "
" بگو ای مردمان امروز روزی است که شبه و مثل آن در عالم وجود موجود نه پس باید
لسانی که بحمد و ثنای حضرت مقصود مألوف و کرداری که آرزومند قبول در ساحت امنع
(۱) ترجمه

اقدس اوست آن نیز خالی از مثل و نظیر باشد عالم انسانی همواره مشتاق طلوع این
یوم عظیم بوده شاید بآنچه در خورشان و لایق مقام آن است فائز گردد (۱)"

" از حرکت قلم اعلی روح جدید معانی با امر حقیقی در اجساد الفاظ دمیده شد و
آثارش در جمیع اشیای عالم ظاهر و هویدا " " یا قوم تالله الحق انّ هذا لبحر
الذی منه ظهرت البحور و الیه یذهب کلّها و منه اشرقت الشّمس و الیه یرجع
کلّها و منه اثمرت سدرات الأمر باثمار الّتی کلّ واحدةٍ منها بعثت علی هیکل
نبیّ و ارسل الی عالم من عوالم الّتی ما احصاها احدٌ الاّ نفس الله الّتی
احاطت الموجودات بحرفٍ من کلمة الّتی خرج من قلمه الذی کان محکوماً تحت اصبعه
الذی کان علی الحقّ قویاً " " تالله الحقّ الیوم اگر ذره از جوهر در صد
هزار من سنگ مخلوط باشد و در خلف سبعة ابحر مستور هر آینه دست قدرت الهی او را
ظاهر فرماید و آن ذره جوهر را از آن فصل نماید " " هر حرف که از فم مشیت
صادر گردد دارای قوه خلاقه و احیا کننده ایست که میتواند خلق بدیعی مبعوث
(۱) ترجمه

نماید خلقی که مقام و عظمت آن بر کلّ مستور مگر خداوند علیم که بر حقایق اشیاء واقف و آگاه است (۱) " و لو نرید ان نظهر من ذرّة شموساً لا لهنّ بدایة و لا نهایة لنقدر و نظهر کلّهنّ بامری فی اقلّ من حین و لو نرید ان نبعث من قطرة بحور السموات و الارض و نفصل من حرف علم ما كان و ما يكون لنقدر ان هذا لسهل یسیر " و " عنده لاسم لو یلقیه علی السمّ لینقلب بالدّریاق الأعظم " " ایام رو بانتهاست و هنوز اهل ارض در گرداب غفلت مستغرق و در بیداء ضلالت سرگشته و حیرانند (۱) " و الأمر عظیم عظیم زود است که انقلاب اکبر ظاهر فو نفسه الحقّ که تفصیل فرماید ما بین کلّ حتی بین طائفین حول " " تالله قد اتی الیوم الموعود یوم یعشیهم العذاب من فوقهم و من تحت ارجلهم و تقول ذوقوا ما کنتم تعملون " " هنگام فناء عالم و اهل آن رسید آمد آن کسی که باقی بود تا حیات باقیه بخشد و باقی دارد و مایه زندگی عنایت فرماید ". و نسبت بمدنیّت (۱) ترجمه

مادّیه و تجاوز از شئون معتدله آن میفرماید " سوف تحترق المّدن من ناره و ينطق لسان العظمة المّلك لله العزيز الحمید " " بگو ای نادانان گرفتاری ناگهان شما را از پی کوشش نمائید تا بگذرد و بشما آسیب نرساند " " ای اهل ارض براستی بدانید که بلای ناگهانی شما را در پی است و عقاب عظیمی از عقب گمان مبرید که آنچه را مرتکب شدید از نظر محو شده " " ای عباد غافل اگر چه بدایع رحمتم جمیع ممالک غیب و شهود را احاطه نموده و ظهورات جود و فضلم بر تمام ذرات ممکنات سبقت گرفته و لکن سیاط عذابم بسی شدید است و ظهور قهرم بغایت عظیم " " از نفوسی که بزخارف فانیه ارض مشغول و از ذکر حقّ غافل گردیده اند محزون مباش قسم بحقیقت مقدّسه ازلیّه روزی نزدیک است که قهر خداوند متعال آنان را اخذ نماید و بسیط زمین را از لوث مفسد ایشان پاک و مبرّی سازد و این میراث را به بندگان مقربّ خویش عطا فرماید اوست مقتدر و قدیر و قهار (۱) " " عنقریب از جمیع اقطار عالم ندای بلی بلی و لبّیک لبّیک مرتفع خواهد شد چه که مفرّی از برای احدی نبوده و نیست " " و اذا

(۱) ترجمه

تمّ الميقات يظهر بغتة ما ترتعد به فرائص العالم اذا ترتفع الأعلام و تغرد العنادل على الأفنان " .

" در اول هر ظهور سختی و شدت و تنگی و عسرت از هر جهت صائل و هائل و لکن در

نهایت این شدت برخاء و این عسرت بعزت بی منتهی مبدل گردیده است (۱) "

" قل يا حزب الله اياكم ان تخوفكم قدرة العالم او تضعفكم قوة الأمم او

تمنعكم ضوضاء اهل الجدال او تحزنكم مظاهر الجلال كونوا كالجبال في امر ربكم

المقتدر العزيز المختار " " بگو ای اهل بهاء مبدا سطوت اقویا قوت شما را

سلب نماید و یا شوکت امرای ارض شما را خائف و هراسان سازد بحق توکل کنید

و امور را بحفظ او سپارید خداوند به نیروی حقیقت شما را مظفر و منصور خواهد

ساخت آنه هو المقتدر على ما يشاء وفي قبضته زمام القدرة و الاقتدار (۱) "

" لعمرى ما قدر من التقدير لاحبائه الا ما هو خير لهم بر این گفتار

خداوند مقتدر عزیز و محبوب شاهد و گواه (۱) " همچنین میفرماید " حوادث عالم

کون شما را متأثر نسازد تالله الحق دریای سرور

(۱) ترجمه

مشتاق لقای شماست زیرا هر امر خیری برای شما خلق شده و بمقتضای زمان بر شما ظاهر و هویدا خواهد گردید (۱) " ای عباد اگر در این ایام مشهود و عالم موجود فی الجمله امور بر خلاف رضاء از جبروت قضاء واقع شود دلتنگ مشوید که ایام خوش رحمانی آید و عالمهای قدس روحانی جلوه نماید و شما را در جمیع این ایام و عوالم قسمتی مقدر و عیشی معین و رزقی مقرر است البتّه بجمیع آنها رسیده فائز گردید "

" امروز روز بیان است باید اهل بهاء بکمال وفق و مدارا اهل عالم را بافق اعلی هدایت نمایند اجساد طالب ارواح است باید نفوس ملکوتیه به نفحات کلمه الهیه اجساد را بارواح تازه زنده نمایند در هر کلمه روح بدیع مستور طوبی از برای نفسی که باو فائز شد و به تبلیغ امر مالک قدم قیام نمود " بگوای عباد غلبه و نصرت این امر موقوف بظهور هیاکل قدسیّه و سطوع افعال جیده منیره و اشراق کلمات حکمتیه بوده و خواهد بود (۱) " جمیع همّت را در تبلیغ امر الهی مصروف دارید هر نفسی که خود لایق این مقام اعلی است بآن قیام نماید و الا له ان (۱) ترجمه

يأخذ وكيلاً لنفسه في اظهار هذا الأمر الذى به تززع كلّ بنيان مرصوص و
اندكت الجبال و انصعقت النفوس " " همتان اين باشد كه نفسى را از غرقاب فنا
بشريعة بقا هدايت نماييد و درميانه عباد بقسمى رفتار كنيد كه آثار حقّ از شما
ظاهر شود چه كه شمائيد اول وجود و اول عابدين و اول ساجدين و اول طائفين "

" ان يا احبّاء الله لاتستقروا على فراش الرّاحة و اذا عرفتم بارئكم و سمعتم
ما ورد عليه قوموا على النّصر ثم انطقوا و لا تصمتوا اقلّ من آن و إنّ هذا خير
لكم من كنوز ما كان و ما يكون لو انتم من العارفين " " و نفسه الحقّ سوف يزيّن
الله ديياج كتاب الوجود بذكر احبّائه الذين حملوا الرّزايا فى سبيله و سافروا
فى البلاد باسمه و ذكره و يفتخر كلّ من فاز بلقائهم بين العباد و يستنير بذكرهم
من فى البلاد " " در خدمت حقّ و امر او بريكديگر سبقت گيريد اين است آنچه كه
شما را در اين جهان و جهان ديگر بكار آيد خداوند پروردگار كريم بر هر امرى واقف
و آگاه است از آنچه در اين يوم بر شما وارد گردد محزون باشيد روزى خواهد رسيد
كه السنه امم بدين ذكرا تم افخم ناطق الملك

لله المقتدر الفرد الواحد العليم (۱) " طوبى لمحلّ و لبيت و لمقام و
 لمدينة و لقلب و لجبل و لكهف و لغار و لاودية و لبر و لبحر و لجزيرة
 و لدسكرة ارتفع فيها ذكر الله و ثنائه " " نفس حركت لوجه الله در عالم
 مؤثر بوده و هست و در كتب قبل مقام توجه مخلصين باطراف لاجل هدايت عباد مذکور
 و مسطور " و نیز میفرماید " تالله الحق آنچه از برای اصحاب ثبوت و استقامت
 مقدر گشته بدرجه ای عظیم است که اگر بقدر سم ابره ای از آن بر اهل ارض و سماء
 تجلی نماید کل منصعق شوند الا من شاء الله رب العالمين (۱) " و همچنین "
 لعمر الله از برای ناصر مقدر شده آنچه که خزائن ارض بآن معادله ننماید "
 من يفتح اليوم شفّتيه في ذكر اسم ربّه لينزل عليه جنود الوحي عن سماء اسمى الحكيم
 العليم وينزلنّ عليه اهل ملاء الأعلى بصحائف من النور كذلك قدر في جبروت
 الأمر من لدن عزيز قدير " " فوالذي ينطق حينئذ في كلّ شيء بانّه لا اله
 الا هو كه اگر نفسی در ردّ من ردّ علی الله كلمه مرقوم دارد مقامی باو عنایت
 شود که جمیع اهل ملاء اعلى حسرت آن مقام برند و جمیع اقلام ممکنات از ذکر آن مقام

عاجز

(۱) ترجمه

والسن کائنات از وصفش قاصر " انشاء الله کلّ موفق شونند بما اراده الله
و مؤید گردند بر عرفان مقامات اولیای او که بخدمت قائم و به ثناء ناطقند
علیهم بهاء الله و بهاء من فی السموات و الأرض و بهاء من فی الفردوس الأعلى
و الجنة العلیا " ای اهل بهاء بعنایت الهی احدی با شما مقابله نتوانست
نمود خمر بقاء از کأس عطا نوشید رغماً للذین کفروا بالله مولی الأسماء و فاطر السماء (۱)
"

" قسم بخداوند متعال این یوم یوم نفوسی است که از ما سوی الله منقطع و بوحدانیت
الهیّه مُقرّ و معترف گشته اند یومی که خداوند کریم بایادی قدرت حقایق رحمانیه
و جواهر مجردّه را خلق فرمود هیاکل قدسیّه ای که از دنیا و ما فیها در گذشته و
بچنان ثبات و استقامتی در امر الله ظاهر خواهند گردید که هر قلب روشن و مدرکی
را غرق دریای حیرت و شگفتی نماید (۱) " و لله خلف سرادق القدس عبادٌ یظهِرنَّ
فی الأرض و ینصُرُنَّ هذا الأمر و لن یخافنَّ من احدٍ و لو یحاربنَّ معهم کلَّ
الخلائق اجمعین اولئک یقومنَّ بین السموات و الأرض
(۱) ترجمه

وَيَذْكُرَنَّ اللَّهُ بِأَعْلَىٰ نَدَائِهِمْ وَيَدْعُونَ النَّاسَ إِلَىٰ صِرَاطِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ " "سوف يبعث بارادته خلقاً ما اطلع بهم احدٌ الا نفسه المهيمن القيوم " "سوف يخرج الله من اكمام القدرة ايدى القوّة والغلبة وينصُرُ الغلام و يطهّرُ الأرض من دنس كلّ مشركٍ مردود و يقوّمُ على الأمر و يفتحُ البلاد باسمى المقتدر القيوم و يدخلنّ خلال الدّيار و يأخذ رعبهم كلّ العباد هذا من بطش الله انّ بطشه شديد " .

در خاتمه متذکر میشود که در بین پاره‌ای از خطابات و ابلاغات منیعه که از فم مطهّر حضرت عبدالبهاء طیّ سفرهای تاریخی آن حضرت در قارهٔ امریکای شمالی صادر گردیده بیانات ذیل دارای اهمّیت و مقام مخصوص است قوله العزیز " امید است ملت امریک اوّلین ملت و جمعیتی باشد که اساس اتّفاق و آشتی بین ملل را بنیان نهد و اتّحاد و یگانگی نوع انسان را اعلان نماید پرچم صلح اعظم برافرازد و رایت محبّت و وداد در قطب امکان مرتفع سازد (۱) " همچنین " فی الحقیقه ملت امریک را چنان لیاقت و شایستگی موجود که خیمه صلح عمومی را برپا نماید و وحدت عالم انسانی را (۱) ترجمه

اعلام کند و در این امر مبرم بر سایر امم پیشقدم گردد ... زیرا این کشور از لحاظ قدرت و قوت و عظمت و قابلیت بنحوشگفت انگیزی بر ملل و نحل اُخری تقدّم جسته ... این ملّت بزرگ میتواند در اثر استعداد و قدرت حاصله بأمور عظیمه‌ای موفق گردد که صفحات تاریخ بدان تزیین یابد و السنه امم در شرق و غرب عالم بذکر خیر و ثنای او مألوف شود مغبوط جهانیان گردد و مورد نظر عالمیان (۱) "

" در امریک آثار تقدّم و پیشرفت از هر جهت نمایان و آینده آن اقلیم بس روشن و تابان چه که آرائش نافذ است و افکارش فائق و در عوالم روحانیّه گوی سبقت از سایر ملل و طوایف عالم خواهد ربود (۱) ."

قوة خلاقه که باراده غیبیّه الهیّه از تصرفات اولیّه نظم جهانی حضرت بهاءالله که در حال جنین است سرچشمه گرفته چون در بین ملّتی که بتقدیرات صمدانیّه و اراده قاطعه رحمانیّه مهد آن نظم و رافع لوای آن مقرر گردیده سریان پذیرفت آن ملّت را بخلعت استعداد و لیاقتی مخّلع ساخت و توانائی و قدرتی بخشود و از نظر روحانی چنان مجهّز و مکمل نمود که در تحقّق

(۱) ترجمه

مقامات مکنونه در این کلمات پرنوار و نبوّات پریشارات اقدام و سهم خویش را در
 تنفیذ و عود و وصایای حضرت ربّ الانام تقدیم نماید . قدرت و توانائی که این رسالت
 الهی در مردم آن سرزمین القا نموده از یک طرف با ابراز مساعی جمیله و مجهودات
 وسیعۀ جامعه متشکل پیروان این شرع اقوم افخم در قارۀ امریکای شمالی در میادین
 تبلیغ و خدمات اداری امر الله قدم بعرضه ظهور نهاده و از طرف دیگر بنحو غیر
 محسوس و خارج از مساعی و مجهودات مذکوره ولی همعنان و موازی با آن مقدرات ملّت
 را تحت عوامل سیاسی و اقتصادی جهان مشخص و حیات و اعمال حکومت و ملّت هر
 دورا

تحت نفوذ و سیطره معنویۀ خویش وارد ساخته است .

نسبت بخدمات و اقدامات و مساعی و مجهودات نفوسی که بعرفان امر اعزّاقدس ابهی
 مفتخر و بقدرت و عظمت آن موقن و معترفند و اکنون در آن قارۀ وسیعہ بایفاء
 وظائف روحانیّه قائم و بابلاغ کلمة الله مألوف در صفحات قبل بتفصیل بیان
 گردید و فعّالیّت و خطّ مشی حاضر و مستقبل آنان تشریح شد . حال موقع آنست که
 کلمه ای چند در باب

سر نوشت ملت امریک و مسیر امور و حرکت و تقدّم جمهور علی العموم در کشور مزبور مرقوم و حقیقت امر کما ینبغی و یلیق معلوم و مکشوف گردد . هر قدر مبدأ و منشأی که این قوای محیطه فائضه از آن سرچشمه گرفته از انظار دور و بهر میزان نحوه عمل و اقدام خفیف و تدریجی الحصول باشد این نکته روز بروز لائح تر و محسوس تر میگردد که ملت امریک علی الأجماع خواه از مجرای حکومت متبوعه خویش و یا از طرق و مجاری آخری تحت نفوذ عواملی که از ادراک و احاطه آن عاجز و از تصرف و تدبیر آن قاصر است بجانب افکار و شئون و آراء و ادکاری در حرکت است که مقدرات حقیقیّه اش چنانکه حضرت عبدالبهاء بیان فرموده اند در آن مستور و مکنون . حال جامعه یاران امریک که از آن منبع الهیه مستفیض و بر این حقیقت روحانیّه واقف و آگاه همچنین توده عظیم هموطنان آنان که هنوز از ید توانائی که مقدرات حقیقیّه آن مملکت را هدایت مینماید ذاهل و غافل هر یک بطریق خویش در سبیل تحقّق آمال و انجاح وعود و بشارات مودعه در خطابات مبارکه که نبذه ای از آن در فوق مذکور گردید کمک و معاضدت مینمایند .

جهان در جنبش و تلاطم است و حوادث و وقایع ناگوار بسرعت وحشت انگیزی در ظهور و بروز. تند باد هواجس نفسانیّه شدید و طیش اغراض و مآرب شیطانیه بس وخیم و سقیم و دنیای جدید بی خبر از این داء عقیم در گرداب مهالک و مخاطر مستغرق. دخان فساد متصاعد و طوفان اضطراب از مواقع پردمدمه و انقلاب بر سواحل آن متوارد. خطرات که از حیطة تصوّر و تأمل خارج آنرا از داخل و خارج مهاجم و ملل و حکوماتش بتدریج در دام بحرانهای متتابعه و مبارزات و مناقشات مهیبه متکاثره گرفتار. دو محیط اطلس و کبیر با تقدّم و پیشرفت علم بمنزله دو باب صغیر و دو جسر قصیر در آمده و جمهوری عظیم غرب خود را بنحو اخصّ و متزایدی داخل این معرکه و عصیان و وارد این ولوله و طغیان مشاهده مینماید و مردم آن از صیحه و هیاهویی که از دور بغایت تهدید و تشدید متواصل در نهایت هیجان و خلجان. در دو جهة کشوری یعنی در جناحین آن مراکز طوفانی اروپ و شرق اقصی که بالقوه مستعدّ هرگونه انفجار و اشتعال است واقع. در آفاق جنوبیه اش حوادثی در شرف تکوین که ممکن است بکانون فساد و انقلاب دیگری تبدیل گردد. دنیای حاضر یوماً فیوماً فشرده تر شده و مردم آن علی الظاهر نسبت بیکدیگر

نزدیکتر و بیش از پیش در مجاورت یکدیگر قرار گرفته‌اند. خطّه امریک خواه ناخواه با وضع جدید مواجه و خود را مُلزم و موظف می‌شمارد که وارد میدان و دست بگریبان گردد. این تماس و مجاورت که بدین نحو تحقق یافته وی را بر آن میدارد که صرفنظر از عواطف انسان دوستی و ظایف و مسئولیتهای جدیدی بمنظور حفظ امنیّت ملی خویش بر عهده گیرد. هر چند ممکن است این فکر در انظار مستغرب و با اوضاع و احوال مباین و مغایر ملاحظه گردد ولی یگانه راه امید و وسیله نجات و استخلاص از خطرات متزاید متهاجمه همانا آن است که امریک خود را بنحو اتم و اعلی با افکار و احساسات بین المللی آشنا و با مصالح عمومیّه بشریّه که دست قدرت الهی و مشیّت بالغه رحمانی برای عالم انسانی مقدر فرموده شریک و سهیم سازد. در این مقام بیان نصیحه حضرت عبدالبهاء روح الوجود لالطافه العظیمه فداء خطاب بیکی از رجال مقدّم و عالیرتبه آن حکومت در نظر آید که مناسب حال و مبین مقال است قوله العزیز " هنگامی بنحو احسن موفق بابر از خدمت نسبت بکشور مألوف خواهید گردید و در این میدان گوی سبقت از همگنان خواهید ربود که بعنوان عضوی از اعضاء جامعه عالم و فردی از خاندان بزرگ بنی آدم سعی

بلیغ مبدول و همت موفور معمول دارید تا اصل وحدت و اتفاق که بنیان حکومت مؤتلف شما را تشکیل میدهد بهمان قرار در بین ملل و نحل عالم استقرار یابد و از ممالک و بلدان موجود اتحادیه بزرگ جهانی تشکیل شود (۱). اصول و مبادی عالیه که افکار و احساسات رئیس جمهور را مشتعل و نورانی ساخت هر چند مع الأسف مورد استقبال واقع نگردید و مساعی مشکوره وی از طرف نسل حاضر که فاقد ادراک و بصیرت حقیقی است مطرود و متروک باقی ماند ولی حضرت عبدالبهاء مرکز عهد و پیمان الهی آن را از قلم مقدس تقدیر و بارقه طلوع صلح اعظم محسوب فرمودند. این اصول و حقایق و این اهداف و مآرب که اکنون در زیر تراب نسیان مستور نسل ذاهلی را که بنهایت قساوت دست رد بر سینه آن نهاده است بلسان حال توبیخ و ملامت مینماید.

عالم را مخاطرات عظیمه احاطه کرده و غیوم متکاثفه تهدید و تخویف افق امریک را در حال حاضر تیره و تاریک نموده است و این حقیقت واضحه را هیچ ناظر بصیر و فرد (۱) ترجمه

مطلع خبیرانکار نتواند نمود . جهان خاک اکنون باردوی مسلّحی تبدیل گردیده که قریب پنجاه ملیون از ابناء آن عملاً تحت سلاح و معدّات حربیّه واقع و یا منتظر قیام و منتہز اعزام بمیادین جنگ و جدالند اقامه این تجهیزات و مهمّات عسکریّه مستلزم مصارف کثیره باہظہ ایست کہ در ہر سنہ بسہ بلیون لیرہ بالغ است . از جہت دیگر مشاہدہ میشود انوار دیانت خاموش و ارکان و مبانی حقیقت متزلزل و فراموش گردیدہ ملل و طوایف عالم قسمت اعظم در تسعیر نار حرب و قتال قائم و در توسیع افکار و تمایلات رزم جویانہ سعی و جاہدند افکار و تمایلاتی کہ بنیان وحدت سیاسی جامعہ را کہ بقیمت جان و تلاش فراوان بدست آمدہ مرتعش و ویران ساختمند است . جمعیتہای بیشمار در ممالک و دیار از چگونگی اوضاع بیزار و در حالی کہ غرق سلاح و مستغرق در آلات و ادوات دفاعند از بیم عواقب مندہش و ہراسان و تحت یوغ مصائب و آلام کہ مولود منازعات سیاسی و تعصبات ملّی و تنافرات جنسی و خصومتہای مذہبی است خائف و نالان . جمال اقدس ابھی جلّ ذکرہ الأعزّ الأعلیٰ با اشارہ بوضع کنونی عالم و احوال آشفتمند امم بکمال وضوح میفرماید

قوله العظیم " اریاح یأس از جمیع جهات در عبور و مرور است و انقلابات و اختلافات عالم یوماً فیوماً در تزیاد آثار هرج و مرج مشاهده میشود ". حضرت عبدالبهاء مرکز عهد و میثاق الهی در بیست سنه قبل اوضاع و احوال حاضر را پیش بینی و باین بیانات متقنه دقیقه اثرات وخیمه بیدینی و عدم توجه بمبادی روحانی را تبیین و تشریح میفرماید قوله العزیز " این ظلمات منکشف نگردد و این امراض مزمنه شفا نیابد بلکه روز بروز سخت تر شود و بدتر گردد و بالکان آرام نگیرد از اول بدتر شود دول مقهوره آرام نگیرند بهر وسیله تشبث نمایند که آتش جنگ دوباره شعله زند حرکتهای تازه عمومی تمام قوت را در تنفیذ مقاصد خویش مجری خواهد نمود حرکت شمالیه خیلی اهمّیت خواهد یافت و سرایت خواهد کرد ". اما راجع بملت امریک رئیس جمهور با صدای رسا و مؤکد مردم آن سرزمین را متذکر میسازد که در اثر وسعتی که در امر طیارات و مدافع جوّیه همچنین عوامل مخربّه سائره حاصل گردیده موطن آنان بورطه خطر نزدیکتر و امکان تعرّض بدان بیشتر و فزونتر گردیده است . بهمین قرار وزیر امور خارجه آن کشور در مؤتمراخیر مرکب از نمایندگان کافّه جمهوریات امریکا خطاباتاتی

انذار آمیز ایراد نمود که آن نیز بر حوادث مدهشۀ آینده دلالت میکرد از جمله آنکه "قوای متکثره متهاجمه که در سراسر جهان در جنبش و خلجان هر لحظه و آن مستعدّ هجوم و رجوم و سایه‌های پرشوم و فلاکت بار آن متوجّه نیمکره ماست". مطبوعات کشور نیز در همین زمینه قلمفرسائی کرده بروز خطرات شدیدۀ متحمّله را خاطر نشان مینماید از جمله در یکی از اوراق منتشره این عبارات پرمهابات مندمج و مندرج "ما باید برای دفاع خویش از داخل و خارج آماده و مهیا گردیم ... حدود دفاعی ما بس ممتدّ و طویل و از دماغه بارو در شمال آلاسکا تا دماغه هرنّ در جنوب امریکای جنوبی گسترده شده و شامل دو محیط اعظم یعنی کرانه‌های آتلانتیک و پاسیفیک است. حال متجاوزین آسیا و اروپ در چه زمان و در چه محلّ ما را معرض حمله و مورد هجوم و تعرّض خویش قرار دهند بر احدی معلوم و مکشوف نه زیرا در هر نقطه و آن حدوث چنین سانحه‌ای ممکن الحصول است ... برای ما راه دیگری جز تجهیز قوی و قیام بر دفاع در پیش نیست ما باید با دیده باز و توجّه تامّ هشیار و بیدار سراسر نیمکره غربی را حفاظت و حراست نمائیم".

فاصله‌ای که ملت امریک از موقع طرد رسمی و قطعی آراء و نظرات ویلسن رئیس جمهور خویش پیموده و تحولات غیر مترقبه‌ای که در سنین اخیر در آن خطه عظیمه رخ گشوده همچنین جریان امور و مسیر حوادث و وقایع عالم مع اثرات غیر قابل احتراز آن بر سیاست و اقتصاد ملت در نظر هر ناظر بهائی که اوضاع و تطورات بین الملل را در پرتو وعود و انذارات و اشارات و بشارات حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء مطالعه نماید بی نهایت حائز اهمیت و جالب توجه و دقت است و درس بزرگ و رهنمای عظیم برای جامعه بشریت محسوب میگردد. راه و روشی که ملت امریک در این ایام پرانقلاب و سنین پرمخافت که آستن وقایع جسیمه است اختیار خواهد نمود تصوّر و تجسم آن بنحوروشن و صریح غیر میسور. همین قدر میتوان از گردش امور و جریان اوضاع رویه‌ای را که ملت مذکور بظن غالب در روابط و مناسبات خویش با سایر جمهوریات امریک و دیگر ممالک و اقطار عالم در نقاط مختلفه ارض اتخاذ خواهد نمود پیش بینی کرد.

ارتباط و همکاری نزدیکتری با جمهوریات نیمکره غربی از یک طرف و شرکت در امور

عمومیّه جهان بنحو متزاید و بدرجات مختلف از طرف دیگر راه و روشی است که ملت امریک بظنّ غالب در نتیجه حدوث تحولات و تطوّرات متتابعه و انقلابات و بحرانهای متوالیه بین المللی در آتیه ایّام اختیار خواهد نمود روش و طریقه‌ای که مضمی زمان مترصد بروز و ظهور آن است . بدیهی است در مسیر حرکت و تقدّم آن کشور و وصول بسرمنزل مقصود موانع و مشاکل بسیار و عوامل و محظورات بیشمار رخ خواهد گشود که موجب تأخیر و تعویق در حصول این هدف نهائی خواهد گردید . معذک هیچ امری نخواهد

توانست خطّ مشیی را که قلم مُلهم حضرت عبدالبهاء روح الوجود لقدرته الفداء برای موفقیت روحانی آن سرزمین ترسیم و تصویر فرموده است بالمآل تغییر دهد . حال ملاحظه میشود از یک جهة وحدت اساسیه کشور از لحاظ بهم پیوستگی و اتّحاد ایالات و استقرار حکومت مرکزی بنحو مطلوب فراهم گشته و مؤسّسات داخلی آن قوام و دوام حاصل نموده و بمرحله بلوغ سیاسی واصل گردیده است و از جهة دیگر ترقّی و تحرک آتیه اش بعنوان عضوی از اعضاء جامعه عظیمه عالم و عنصری از خاندان بزرگ امم تحت شرایط و مقتضیاتی که تصوّر و تخیل آن اکنون برای احدی

میسر و مقدور نه با قدمهای محکم و متین ادامه دارد . این ترقی و تعالی باید با عزم و جزم و تصمیم راسخ دنبال شود تا در اثر همم و مساعی مشکوره در تنظیم امور و انتظام روابط جمهور و استقرار صلح و سلام توأم با امنیّت و امان باعلی ذروه قدرت و مکانت متواصل گردد و آن احراز وظایف تامّه و اختیارات وسیعّه کامله از لحاظ عضو ممتاز اتّحادیّه عالم و جزء برازنده جمعیت امم است .

حال چون ملت امریک بمرور زمان و بنحو غیر قابل احترازی در مسائل و غوامض متنوّعه که عالم بشریّت را بشدّت احاطه نموده کشانیده شده ناگزیر آتیه نزدیک آن تیره و با معضلات و ناراحتیهای کثیره توأم خواهد بود یعنی محن و آلام و شدائد و اسقام که حضرت بهاءالله بنحو صریح اخبار و اهل عالم را بدان انداز فرموده اند و شمه ای از آن در صفحات قبل بیان گردید ممکن است آن ملت را بدرجه ای که از پیش نظیر و مثیل آن مشاهده نشده در گرداب مهالک و مخاطر اندازد و چون از این ورطه نجات یابد میتوان تصوّر نمود که بر خلاف رویّه ای که نسبت بمخاصمات اخیر جهانی در پیش گرفته بهمت

و ارادهٔ کامل قیام نماید و با استفاده از فرصت حدّ اکثر نفوذ و قدرت خویش را در حلّ مشاغل جسمیه‌ای که قهراً چنین مصائب و نوائب شدیدیه در پی خواهد داشت بکار برد و با همکاری و معاضدت با سایر ملل و نحل عالم در شرق و غرب جهان جامعه انسانی را از این بلاء عظیم و داء سقیم که از اوّل لا اوّل دامنگیر نوع بشر بوده و آن را از ترقّی در مدارج عزّت و جلال ممنوع و بحضیض ذلّت و هوان متنازل ساخته است نجات دهد و عالم خاک را از لوّث منازعات و مخاصمات خانمانسوز بالمرّه پاک و منزّه نماید .

در آن هنگام و فقط در آن هنگام است که ملت امریک که در بوته افتتانات شدیدیه و آتش محاربات عمومیّه تطهیر شده و بشدائد آن مأنوس گردیده و از تجارب آن درس عبرت گرفته خود را در مقام و موقفی مشاهده مینماید که صدای خود را در مجامع عظیمهٔ عالم و محافل متشکلهٔ امم مرتفع و حجر زاویهٔ صلح عمومی و مؤید جهانی را بدست خویش برقرار سازد و اتّحاد و اتّفاق بشر و بلوغ و آمادگی آن را در ارتفاع خیمه وحدت انسان و تأسیس مدنیّت لاشرقیه و لا غربیه در قطب امکان اعلام و در استقرار صدق و صفا و آشتی و وفا در بسیط

غبراء چنانکه در کتب و زبرقیمة الهیة بشارت داده شده جهد موفور و سعی مشکور
 مبذول دارد . و باز در آن هنگام و فقط در آن هنگام است که ملت مذکور در حالی که
 جامعه بهائی آن کشور در قلب آن سرزمین رسالت معنویة خویش را بنحو اتم و
 اوفی باکمال رسانیده قادر خواهد بود مقام رفیعی را که ید قدرت سبحانی برای آن
 مقدر فرموده و به نحو ابد در آثار و بیانات مقدّسه حضرت عبدالبهاء مخزون و
 مکنون است بعرضه شهود رساند و بانجام امور عظیمه ای موفق گردد که بفرموده
 مبارک " صفحات تاریخ بدان تزیین یابد و السنه امم در شرق و غرب عالم بذکر خیر
 و ثنای آن مألوف شود مغبوط جهانیان گردد و مورد نظر عالمیان (۱)".

شوقی

۲۵ دسامبر ۱۹۳۸

(۱) ترجمه